

پزشکیان در آیین ملی آغاز سال زراعی جدید تأکید کرد

تدوین نقشه راه کشاورزی متناسب با ظرفیت‌های هراستان



بازدید رئیس جمهوری از نمایشگاه ظرفیت ها و توانمندی های روستاییان و عشایر / عکس: president.ir

دولت

رئیس‌جمهوری روز گذشته در دو برنامه جداگانه یعنی در آیین ملی آغاز سال زراعی جدید و نمایشگاه توانمندی‌های کشاورزی و عشایری ایران شرکت کرد. او در آیین آغاز سال زراعی جدید که در

رئیس جمهوری نقش افراشته و مؤثر در کارها به عنوان راهنما و جلودار انگیزاننده و یار و یارو به تمام ابعاد جامعه به افراشته الگوی خود تاسی می کنند: اگر افراشته به سمت بلورنده، همه جامعه را به سوی موفقیت و عزت پیش خواهند برد و چنانچه به سمت بردن برد، مردم از افراشته به سمت گفاری می شوند، بنابراین یکی از

رئیس جمهوری متعجبین بر تدوین نقشه استراتژی تکلیف کرد و گفت: «برخوداری از دانش و تجربه در کنار بديکگر برای توسعه کشور ضروری است»

پزشکیان خطاب به مدیران حوزه
کشاورزی و کارآفرینان خاطرنشان کرد:

دولت ●

رئیس‌جمهوری روز گذشته در دو برنامه جداگانه یعنی در آیین ملی آغاز سال زراعی جدید و نمایشگاه توانمندی‌های روستایی و عشایری ایران شرکت کرد. او در آیین آغاز سال زراعی جدید که در مرکز تحقیقات بذ و نهال کرج برگزار شد، با تأکید بر افزایش بهره‌وری و کیفیت در تمام ابعاد کشاورزی، خطاب به مردمی توانمند مملکت را به واسطه عملکردی که دارند در اوج و عزت قرار داده و همچنین می‌تواند کارى کنید که مردم با مشکل مواجه شوند.

رئیس جمهوری همچنین بر تدوین نقشه راه کشاورزی متناسب با ظرفیت‌های هر استان تأکید کرد و گفت: «برخورداری از دانش و تجربه در کنار یکدیگر برای توسعه و افزایش بهره‌وری در کشاورزی ضرورتی انکارناپذیر است.»

پزشکیان خطاب به مدیران حوزه
کشاورزی و کارآفرینان خاطرنشان کرد:

شود، از اصول اولیه مدیریت است.»

هیچ ظلمی بالاتر از این نیست که در مقابل سخن درست بایستیم

در ادامه، پزشک‌بان با تأکید بر اینکه شواهد علمی باید به عنوان رکن اساسی اقدامات ما مورد توجه قرار بگیرد، یادآور شد: «دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم بر اساس شواهد علمی بنا شده و حق

با کسی است که حرف درست را بیان می‌کند. حرف درست نیز اعداد و ارقام و امارهای نتیجه‌بخش است. هیچ ظلمی بالاتر از این نیست که در مقابل حرف درست یاستیمیس، «رئیس جمهوری افروز» «تلفیق دانش تئوری اساتید دانشگاه و تجربه شما کشاورزان به معنی مداخله در امور آنان نیست. تعمیق ارتباط دانشگاه و بخش کشاورزی سبب می‌شود تا از سایر کشورهای جهان عقب نماییم و متضرر نشویم.»

پزشکیان مدیریت اصولی و هوشمند
بر رنجیره تولید محصولات کشاورزی
را از دیگر الزامات این حوزه برشمرد و
تاب‌آوری جامعه در برابر زورگویی و قلدری
دشمنان را حاصل پیشرفت‌های علمی

نامید و گفت: «اگر مدیریت هوشمند و نظارت اساسی بر چرخه تولید محصولات کشاورزی انجام شود، آن وقت مگر کالا با محصول گم می شود یا به با احتکار می رسد؟»

چهارم دولت تازه‌ها تسلسل توسعه
منوان را یکی دیگر از الزام‌های اساسی
حوزه کشاورزی نامید و توانیبدکنندگان
خواست نا نسبت به نازاری ها و
تنش های آمی بودند نگران باشند و
تصریح کرد: «میویدرک لحظه به لحظه
موضوع فکر کنیم که چگونه می توانیم
زندگی را متناسب با توسعه ای
اینجا شده است پیادار نگه داریم.
ضرورت دارد برای نسل آینده و سایرین،
زمین آب و خاک را به ابر بگذاریم».

پزشکیان گفت: اگر تاکنون استفاده ایم،
به برکت پایداری شما کشاورزان بوده
است. با توجه به نازاری های موجود و
اقدامات دشمنان، برخی از کارشناسان
اعتقاد داشتند که با قطعی مواجهه
خواهیم شد، اما تلاش شما دشمنان را
نامید کرد. با اعتماد به شما و مدیران
توانستیم این راه را طی کنیم.»

مسعود پزشکیان همچنین صبح روز گذشته از غرفه‌های مختلف تولیدات و توانمندی‌های استان‌های کشور بازدید کرد و از نزدیک در جریان ظرفیت‌ها، محصولات و توانمندی‌های ارائه‌شده از سوی روستاییان و عشایر کشور قرار گرفت. پزشکیان در حاشیه این بازدید دو ساعت در گفت‌وگوی ظرفیت‌های خاص این نمادینگاه و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های روستاییان و عشایر کشور، گفت: «روستاییان و عشایر سرمایه‌های بی‌بدیل کشور هستند و با تولید محصولات مختلف، نقش مهمی در تأمین نیازهای مردم کشور دارند.» پزشکیان همچنین در پایان این بازدید

در دفتر یادبود نمایشگاه با درود و سلام
به همه مردم ایران و روستاییان و عشایر
فداکار، کارآفرین و متعهد، نوشت: «ما به
تا جان در بدن داریم خدمتگزار مردم
غیرتمند ایران قهرمان خواهیم بود.»

● صدای پاستور



ساخته شده است. این سند به عنوان سند اصلی در این زمینه شناخته می شود.

برای یک جوان نخبه، امید به آینده زمانی ملموس می‌شود که بتواند در کشورش جایی برای دانش و توانایی او وجود داشته باشد. جایی که ایده‌اش شنیده شود، فرصت برای او پیدا کند و حاصل تلاشش به زندگی مردم برسد. ما در دولت، حمایت از نخبگان را با فراهم کردن همین فرصت‌ها تعین می‌کنیم. بنیاد ملی نخبگان در این مسیر مسئولیتی را بر عهده دارد: کمک به شکوفایی استعدادهای فرزندان ایران و پیوند دادن توانایی آنان با نیازهای کشور.

ایران از سرمایه‌های انسانی ارزشمندی برخوردار است. در دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، شرکت‌های دانش‌بنیان و میان‌مجموعه‌های ایرانی داخل و خارج از کشور، دانش و تجربه‌ای وجود دارد که می‌تواند گریه از مسائل امروز را کند. استفاده از این ظرفیت، نیازمندی ارتباطی مستقیم از اعتمادآفرین است؛ ارتباطی که در آن متخصصان از بازه‌های واقعی کشور آگاه شوند و دستگاه‌های اجرایی برای شنیدن و به‌کارگیری پیشنهادها آنان آمادگی داشته باشند.

همیت بنیاد ملی نخبگان در همین مسیر آشکار می شود. بنیادسازان استعدادهای برتر و حمایت از رشد علمی آنان، همواره برای نقش آفرینی در جامعه بوده است. جوانی که سالها برای آموختن و پژوهش تلاش کرده، به چشم اندازی روشن برای فعالیت حرفه ای نیاز دارد. او باید بتواند مسیرش را با دانشگاه، صنعت و دستگاه اجرایی را بنماید. همکاری آینده و برنامه ریزی کند و از اشتباهات را ببیند. یونکر اعلام شده بنیاد در تقویت نقش آفرینی مسأله محور نخبگان نیز در همین پیوند استوار است. در توضیحات درباره نخبگان، «شباب»، «زیربنا نخبگان» و دانشگاه و دستگاه اجرایی، سیروی برای تبدیل مسائل واقعی به راهکار عملی، اقدام عملی معرفی شده است. چنین رویکردی می تواند به حمایت از استعدادها در همه نیازهای جامعه نزدیکتر کند و به پیشرفت مشارکت آنان، افزاینده دهد.

بین نگاه با رویکرد رئیس جمهوری در بهره‌گیری از نیروهای توانمند و استقبال از صاحبان راهکار علمی برای حل مسائل کشور همسو است. ما در دولت، خود را مسئول فراهم کردن زمینه این همکاری می‌دانیم. شنیدن نظر تخصصی و استفاده از تجربه‌های گوناگون، به تصمیم‌های دقیق‌تر کمک می‌کند؛ به‌ویژه در مسائلی که ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فزاینده آنها به یکدیگر پیوسته است.

فرصه‌های این مشارکت، با زندگی روزمره مردم ارتباط

بنیاد ملی نخبگان

فرصتی برای ساختن آینده ایران

تقویم دارد. مدیریت آب، تاب‌آوری برق، امنیت غذایی، گاز و تجهیزات پزشکی، افزایش بهره‌وری در صنایع، گاز و پتروشیمی، حمل‌ونقل و امنیت سایبری، و به دانش و نوآوری نیاز دارد. او می‌داند که نگران رسی به داروست، کشاورزی که با کمبود آب روبه‌روست یکپنده‌ای که برای استمرار فعالیت خود به انرژی نیاز دارد، نتیجه‌ی این تلاش‌ها را در زندگی و کار خود ساس می‌داند.

به‌های ارسالی از فعالیت ستاد ویژه توسعه فناوری، برای تلاش برای زیرکردن ظرفیت های فناورانه و راهی اجرایی است. جمعی از ۱۷۲ طرح برسی، بندی مشورتی دانش بنیان و فنوار و پرگزاری ۹۳ شده است. این فعالیت ها نشان می دهد که شناسایی و پیشنهادها، ارزیابی تخصصی و هماهنگی میان وعدهای مختلف، اجزای ضروری مسیر حل مسائل و این تلاش ها با طریقت اساسی مورد حمایت ملی نخبگان، می تواند فرصتهای بیشتری برای آفرینی نتجمنان فرازمند تخصصی در اسامال چند هوشگر، مدیر اجرایی و کارآفرین، هر کدام از دانش و امکانات لازم را اختیار دارند. بهرادی اعانه ترمشیر، به رشد ک دستورات ها، همرا،

به اجرا پیگیری شود و نتیجه کار مورد ارزیابی قرار گیرد. به نظر می‌رسد، به شناخت تجربه و دغدغه خود نتخبان نیاز دارد. باید دسترسی محدود به امکانات پژوهشی، آموزشی و تفریحی کافی با طولانی شدن فرآیندهای اداری، رفاهت یک طرح را کند، می‌کند. گفت‌وگو و مستمع‌زبان باید، امکان می‌دهد این گفت‌وگو دقیق‌تر شناخته شود. شناخت میزبانی میزبان و حمایت و اطلاع از روند بررسی و نهادهای نیز به اعتماد و امکان برنامه‌ریزی کمک می‌کند. فرصت مشارکت، تخصص‌ان ایرانی خارج از کشور را هم می‌گیرد. همکاری پژوهشی، انتقال تجربه، مهارت‌های علمی و فناوری و بازگشت برای فعالیت حرفه‌ای، میزبان متفاوت برای خدمت به ایران‌اند. فراهم کردن یک روش‌ها و قابل اجرا برای همکاری، می‌کند. این روش‌ها قابل اجرا، اقبال و تقویت است.

ما، موفقیت در حمایت از نخبگان زمانی روشن می شود که یک استعدادهای برسد، فرصت رشد پیدا کنند و یک توانایی، به نخبگان ملی نخبگان می تواند در جهت امید نقش مؤثری داشته باشد: آمیدی که در تجربه مشارکت به وجود می آید. مسئولیت ما در دولت، کردن این مسأله است تا جوان توانمند ایرانی بتواند خود را در محیط آینده کشور ببیند و مردم نیز حاصلی را در بهبود زندگی شانس نمی کنند.

نوبت اول

آگهی مزایده

شماره ۲۲۹/۱۴۰۵/ه. ف

یک سازمان دولتی

در نظر دارد املاک زیر را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان محترم می توانند از تاریخ انتشار آگهی مزایده تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۹ همه روزه (غیر از تعطیلات رسمی) از ساعت ۰۷:۰۰ الی ۱۴:۰۰ برای کسب اطلاعات و خرید اسناد مزایده به دفتر فروش به نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان شهید عماد مغنیه پلاک ۷ واحد ۹ با شماره تماس ۰۲۱۸۸۷۸۷۸۵۹ یا به نشانی: زاهدان، زیباشهر، میدان سربازان گمنام، ساختمان شرکت تعاونی مسکن طبقه ۳ شماره تماس ۰۵۴۳۳۲۸۰۹۳۵ مراجعه نمایند.

ردیف	موضوع مزایده	پلاک نقشه تفکیکی	مساحت (مترمربع)	قیمت پایه مزایده (به ریال)	مبلغ سپرده جهت تضمین شرکت در مزایده (به ریال)	آدرس
۱	ششدانگ ۸۳ قطعه زمین با کاربری مسکونی	برابر فرم شماره شش اسناد مزایده	۳۸۲۸۷٫۶۲	۲٫۹۳۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰	۷۶٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰	زاهدان، زیباشهر، محله ۱۷



موضوع مزایده شماره ۵۰۰۵۰۱۰۶۳۰۰۰۰۸۹

واگذاری منافع پیشخوان درب جنوب نمایشگاه بین المللی جهت ارائه انواع اغذیه و نوشیدنی سرد و گرم



(موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۴۰۲/۱۳۴۰۲/۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ هیأت وزیران) که اعتبار آن کمتر از سه ماه نبوده و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد. (درج شود جهت شرکت در مزایده) و یافیش و اربری

آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده از سامانه ستاد ایران:	ساعت: ۱۵	روز: سه شنبه	تاریخ: ۱۴۰۵/۷/۲۱
آخرین مهلت تحویل پاکت اسناد مزایده از سامانه ستاد ایران:	ساعت: ۱۳	روز: یکشنبه	تاریخ: ۱۴۰۵/۸/۳

آدرس: تهران-بزرگراه شهید چمران-خیابان ستؤل -شرکت سنهاي نمایشگاه های بین المللی: تلفن: ۲۱۹۱۲۴۷۱-۲۱۹۱۲۴۳۲

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶۱۳۴ دفتر ثبت نام: ۸۵۱۳۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷

شرکت سنهاي نمایشگاه های بین المللی ج.ا.ایران

شرکت سنهاي نمایشگاه بین المللی ج.ا.ایران در نظر دارد مزایده عمومی فوق الذکر از طریق سامانه دارکارت الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهادات مزایده گران و بازگشایی پاکت ها از طریق سامانه دارکارت الکترونیکی دولت (ستاد) در پخش کارتابل اجاره، به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

تضمین شرکت در مزایده:

شماره مزایده: ۵۰۰۵۰۱۰۶۳۰۰۰۰۸۹ به مبلغ ۱/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ضمانت نامه بانکی به نفع مزایده گزار (شرکت سنهاي نمایشگاه های بین المللی) طبق فرمت مندرج در آیین نامه تضمین معاملات دولتی

[illegible][illegible]

اساتید دانشگاه و پژوهشگران تاریخ سخنان اخیر وزیر خارجه آمریکا را تحلیل کردند

تاریخ هم درمان ناکامی آمریکا نمی شود

گزارش

گروه سیاسی

مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا در سخنرانی خود در کنار بنیای تاریخی آکروپولیس در آتن پایتخت یونان، با روایتی گزینشی و تحریف‌آمیز از تاریخ عمومی جهان، کوشید ایرانیان را در جایگاه دشمن تمدن غرب قرار دهد و آمریکا را وارث و پاسدار این تمدن معرفی

کند. او با برجسته‌کردن آتش گرفتن آتن در جریان جنگ‌های ایران و یونان باستان، از گذشته تاریخی برای صورت‌بندی یک دوگانه میان تمدن غرب و ایران استفاده کرد. روایتی که بیش از آنکه بازخوانی تاریخ باشد، تلاشی برای مشروعیت‌بخشی به جنگ‌طلبی امروز ایالات متحده علیه ایران است.

هدف از این تاریخ‌سازی روشن است: آمریکایی‌ها که در جنگ اخیر علیه ایران با بن‌بست راهبردی روبه‌رو شده‌اند، در تلاش هستند با ساختن پشتوانه‌ای کذابی در گذشته، حمله نظامی خود را از یک تجاوز جنایتکارانه آشکار، به نبردی برای دفاع از تمدن غرب تبدیل کنند. در این چارچوب، ایرانیان باید مردمی

تناقض تاریخی آمریکا: از کشتار بومیان تا اتهام جنگ‌طلبی علیه ایران

تناقضی آشکار روبه‌روست. شکل‌گیری ایالات متحده با رخدادهایی همراه بود که آثار آن همچنان در تاریخ این کشور باقی مانده است. کشتار و آوارگی بومیان آمریکا، تصرف سرزمین‌های آنان و گسترش نظام برده‌داری، از جمله واقعیت‌های تاریخی انکارناپذیری هستند که یافته‌اند. میلیون‌ها انسان در نظام برده‌داری مورد بهره‌کش قرار گرفتند و نسل‌های متعددی از بومیان این سرزمین نیز پیامدهای توسعه‌طلبی و خشونت سازمان‌یافته را تحمل کردند. البته تاریخ آمریکا تنها به این رخدادها محدود نمی‌شود، اما نمی‌توان این بخش از گذشته را نادیده گرفت و همزمان در رفتار دیگر ملت‌ها نشست. افزون بر خشونت‌های دوران شکل‌گیری این کشور، جنگ داخلی آمریکا میان نیروهای شمال و جنوب نیز تلفات انسانی گسترده‌ای بر جای گذاشت؛ جنگی که ابعاد آن نشان می‌دهد خشونت سیاسی و نظامی چه جایگاه مهمی در تاریخ این کشور داشته است. این پیشینه تاریخی هنگامی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به عملکرد آمریکا در

دوران معاصر و مداخلات آن در کشورهای دیگر توجه کنیم. حمایت از تغییرات اجباری حکومت‌ها، مداخله در امور داخلی کشورها و اقداماتی که حاکمیت ملی ملت‌ها را نقض کرده‌اند، از جمله موضوعاتی هستند که در بررسی سیاست خارجی آمریکا مورد توجه مورخان و پژوهشگران قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی، نسبت دادن جنگ‌طلبی به ایران، بدون توجه به زمینه‌های تاریخی و سیاسی این اتهام، نمی‌تواند از زبانی جامعی از واقعیت‌های منطقه ارائه دهد. در مقابل، تاریخ معاصر ایران، بویژه در دوران جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران، نمونه‌های مهمی از فشارهای خارجی و درعین حال راهبرد ایران در مقابل این فشارهای خارجی و درعین بردخالت ندادن سوءرفتارهای گذشته در سیاست‌های امروز،آینده‌نگری و خوشبین‌داری در روابط منطقه‌ای را در خود جای داده است. در جریان این جنگ تحمیلی هشت ساله، شماری از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و لجستیکی از حکومت صدام حسین به عمل آوردند. این حمایت‌ها در شرایطی صورت گرفت که ایران با تهاجم نظامی گسترده‌ای روبه‌رو

بود و هزینه‌های انسانی و اقتصادی سنگینی را متحمل می‌شد. با وجود این، پایان جنگ به معنای آغاز سیاست انتقام‌گیری از کشورهای حامی صدام نبود. ایران، با وجود اختلافات و سابقه حمایت برخی دولت‌های منطقه از صدام حسین، مسیر برقراری روابط دیپلماتیک و گسترش همکاری‌های اقتصادی را نیز دنبال کرد. توسعه مناسبات اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس، از جمله امارات متحده عربی، بخشی از همین رویکرد بود؛ رویکردی که نشان می‌داد اختلافات دوران جنگ لزوماً گسترش همکاری‌های اقتصادی را نیز دنبال کرد. توسعه سیاست در حالی دنبال شد که در سال‌های بعد، برخی کشورهای منطقه میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا شدند و امکاناتی را در اختیار نیروهای این کشور قرار دادند که استفاده از آنها در منازعات منطقه‌ای، نگرانی‌های امنیتی ایران را افزایش داد. از این منظر، رفتار ایران در قبال همسایگان خود را باید در بستر مجموعه‌ای از تهدیدها، اختلافات و ملاحظات امنیتی بررسی کرد؛ نه آنکه بدون توجه به این سابقه، آن را صرفاً با برچسب جنگ‌طلبی توضیح داد. نکته دیگر که باید غری‌ها به آن توجه

داشته باشند آن است که صلح‌طلبی را نمی‌توان تنها با شعارها یا مواضع رسمی سنجید. معیار واقعی، عملکرد دولت‌ها در موقعیت‌های حساس، میزان پایبندی آنها به حاکمیت دیگر کشورها ونحوه مواجهه‌شان با اختلافات سیاسی است. کشوری که خود را مدافع صلح معرفی می‌کند، باید درباره پیامدهای مداخلات نظامی و سیاسی اش نیز پاسخگو باشد. استفاده آمریکا از سلاح هسته‌ای علیه کشورهای هم‌پیمان و ناآرامی در جنگ جهانی دوم، از جمله خداهمایی است که همچنان در بحث‌های تاریخی و اخلاقی درباره کاربرد قدرت نظامی درگیر، تجربه ایران در جنگ با عراق و روابط پس از جنگ ایران با همسایگان نشان می‌دهد که حتی پس از تحمل خسارت‌های گسترده و مواجهه با حمایت خارجی از دشمن، امکان انتخاب مسیر تعامل و همکاری وجود دارد. این واقعیت به معنای نادیده گرفتن اختلافات یا خوشبینی از تهدیدهای امنیتی نیست؛ بلکه بیانگر آن است که سیاست خارجی را نمی‌توان صرفاً بر اساس ادعاهای طرف‌های مقابل قضاوت کرد.

تاریخ را نمی‌توان به سلاح جنگ تبدیل کرد

روایت اخیر مارکو روبیو، وزیر خارجه ایالات متحده، از تاریخ یونان و جایگاه آن در شکل‌گیری تمدن غرب، فراتر از یک سخنرانی تاریخی است. وقتی او یونان را دستگاه تمدن غرب معرفی می‌کند و سرگذشت این تمدن را بزرگ‌ترین سرگذشتی که بشر تاکنون شناخته است، می‌نامد در حال زائتعریف هویت غرب در چارچوبی تمدنی است که می‌تواند مرز میان ما و دیگران را به مرز میان متحدان و دشمنان در شرایط امروز تبدیل کند. لذا شاید بتوان این روایت را در چارچوب تلاش برای احیای نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون و جان هازساله که حافظه تمدن ایران را به جای تقلیل تاریخ به برخورد تمدن‌ها، از ظرفیت گفت‌وگوی تمدن‌ها سخن می‌گوید.

تمدن‌های ایرانی و یونانی بارها با یکدیگر جنگیده‌اند و این درست؛ اما ظاهراً وزیر خارجه آمریکا نمی‌داند که روابط این دو تمدن کهن به جنگ محدود نبوده است، بلکه در عین حال از یک‌دیگر آموخته‌اند و اتفاقاً در شکل‌گیری و تکامل یکدیگر هم سهم داشته‌اند و لذا به عنوان هم‌پیمان در برابر دشمنی در قفسه‌های ذهن سربازان تاریخ فارس و در نزدیکی میراثی چون پاسارگاد و نقش رستم و تخت جمشید، تأکید می‌کنم که تقلیل روابط ایرانیان و یونانیان به جنگ‌های باستانی، گامی گزینشی از گذشته است. امپراطوری هخامنشی، جهانی گسترده و چندفرهنگی بود که سرزمین‌ها و فرهنگ‌های گوناگون را به یکدیگر پیوند می‌داد و تاریخش مجموعه‌ای پیچیده از جنگ، رقابت، تعامل و تبادل فرهنگی بود. بنابراین نه می‌توان تاریخ ایران را به جنگ و سسلطه فروکاست و نه تاریخ یونان را صرفاً روایت آزادی و فضیلت دانست. تبدیل این گذشته پیچیده به داستانی از دشمنی‌های ابدی، بیش از آنکه شناخت تاریخی باشد، نوعی اسطوره‌سازی سیاسی است.



عباس سلیمینمین پژوهشگر تاریخ معاصر

مطرح می‌کند. تاریخ ملت‌ها را نمی‌توان جدا از عملکرد دولت‌ها و تصمیم‌های سیاسی آنها بررسی کرد. اگر قرار است کشوری به جنگ‌طلبی و خشونت متهم شود، پیش از هر چیز باید به کارنامه تاریخی آن، رفتارهایش در عرصه بین‌المللی و نحوه مواجهه‌اش با دیگر ملت‌ها توجه کرد. از این منظر، اتهام جنگ‌طلبی علیه ایران از سوی مقام‌های آمریکایی، در برابر بخش‌هایی از تاریخ ایالات متحده و عملکرد این کشور در عرصه جهانی، با



مجتبی اشراقیپژوهشگر تاریخ و مدیر اندیشکده مطالعات راهبردی شیراز

ویلسونیسیم در چکمه؛ از تراژدی تا کمدی

ادامه از صفحه یک

چهار سنت فکری رقیب در سیاست خارجی آمریکا
برای تحلیل رفتار دولت‌های ایالات متحده در عرصه دیپلماسی و روابط بین‌الملل، می‌توان به چهار سنت فکری رقیب رجوع کرد: همیلتونیسیم، ویلسونیسیم، جکسوننیم و جفرسونیسیم. این چهار سنت، چارچوبی برای فهم تنش‌های درونی سیاست خارجی آمریکا فراهم می‌کنند. سیاست خارجی این کشور را می‌توان حاصل بازآرایی و تغییر موازنه میان همین سنت‌ها دانست. در این عرصه، اجماع نخبگان یا اجماع ملی همواره پایدار و یکدست نیست؛ آنچه بیشتر دیده می‌شود، موازنه‌ای میان سنت‌های تاریخی است که شرایط سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی می‌تواند آن را تغییر دهد. همین موازنه، امکان همرسختی این سنت‌ها را در سیاست خارجی آمریکا فراهم می‌کند. اختلاف میان آنها نیز صرفاً نمایشی یا ناشی از جنگ زرقری نیست، بلکه ریشه‌هایی در تاریخ و سیاست داخلی آمریکا دارد. برای روشن‌تر شدن تفاوت این سنت‌ها، می‌توان پرسش‌های بنیادین سیاست خارجی آمریکا را در چهار محور دسته‌بندی کرد: اول، آمریکا چه نوع قدرتی است؟ دوم، رابطه این کشور با جهان چگونه باید تعریف شود؟ سوم، چه زمانی باید از قدرت نظامی استفاده کرد؟ و چهارم، منافع ملی آمریکا چگونه تعریف می‌شود؟ این چهار سنت پاسخ یکسانی به این پرسش‌ها ندارند. از همین رو، اگر همرسختی آنها



غلامرضا غزرفیضان استاد تاریخ

سخنان مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، در آتن در ۷ اکتبر ۲۰۲۴ درباره جنگ خشایارشا با یونان و آتش گرفتن آکروپولیس، فراتر از یادآوری یک واقعه تاریخی است، او با پیوند دادن ارزش‌های یونان باستان به سیاست «اول آمریکا،

از میراث تمدنی غرب برای صورت‌بندی پیام سیاسی معاصر آمریکا بهره گرفت؛ رویکردی که باید در چارچوب تلاش دولت ترامپ برای تقویت هویت ملی گرایانه غرب و بازتعریف مناسبات آمریکا با متحدان اروپایی‌اش بررسی شود. پرسش اصلی این است که چرا وزیر خارجه یک قدرت جهانی، برای توضیح روابط امروز ملت‌ها، به جنگ پادشاهان پیش از دو هزار و چهارصد سال پیش بازمی‌گردد؟ مسأله، نه صرفاً رفتار خشایارشا، بلکه تصویری است که روبیو می‌خواهد با یادآوری آن از ایران بسازد. در چنین روایتی، یونان باستان نماد تمدن غرب و لشکر ایرانی نماینده نیرویی تهدیدکننده معرفی می‌شود؛ گویی اختلافات امروز ادامه همان جنگ باستانی است.

این صورت‌بندی، پیامدهایی سیاسی دارد: اختلافات معاصر را از سطح منافع و تصمیم‌های مشخص به تقابل هویت‌های تمدنی منتقل می‌کند، به رقابت‌های امروز عمق تاریخی می‌بخشد و زمینه‌توجیه سیاست‌های تجاوزکارانه را فراهم می‌سازد. همچنین ممکن است مسئولیت تصمیم‌گیران معاصر آمریکا را زیر سایه گذشته قرار دهد. البته بدون شواهد کافی نمی‌توان درباره انگیزه شخصی روبیو حکم قطعی صادر کرد؛ اما می‌توان پیامدهای چنین روایتی را نقد کرد. ملت‌های امروز را نمی‌توان مسئول ابدي رفتار فرمانروایان گذشته دانست. اگر حمله استعمار اروپایی، تجارت برده و جنگ‌های جهانی نیز باید به شناسنامه نیزانپذیر ملت‌های غربی تبدیل شوند؟ منطق «گناه موروثی»، هیچ ملتی را از اتهام تاریخی رها نمی‌کند. روابط ملت‌ها می‌تواند تحت تأثیر می‌دارد. همچنین میراث یونان، با وجود نقش بنیادین آن در فلسفه و اندیشه سیاسی اروپا، انحصاری و مستقل از دیگر فرهنگ‌ها نیست. تمدن اروپا یا پیوند میراث یونانی و رومی، سنت‌های دینی، قرون وسطی،

روبیو و احضار خشایارشا؛ وقتی تاریخ به خدمت قدرتمی‌آید

رژسانس، روشنگری و علم جدید شکل گرفته است. انتقال دانش از طریق جهان اسلام و سهم دانشمندان ایرانی در پزشکی، ریاضیات، فلسفه و نجوم نیز بخشی از تاریخ علم جهانی است. اعتراض اصلی، نه به یونان یا غرب، بلکه به گزینشی کردن تاریخ است: هیچ تمدنی را نباید فقط با افتخارات یا خطاهایش شناخت. تجربه جنگ عراق در ۲۰۰۳ نیز ضرورت ارزیابی مستقل ادعاهای قدرت‌ها را نشان می‌دهد. گزارش کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ اعلام کرد بسیاری از ارزیابی‌های اطلاعاتی درباره برنامه‌های تسلیحاتی عراق فاقد پشتوانه کافی بوده‌اند. مشروعیت حقوقی این جنگ نیز از همان زمان محل اختلاف جدی بین‌المللی بود. این نمونه به معنای نادرتی همه سیاست‌های آمریکا یادوستی همه اقدامات ایران نیست؛ بلکه بر ضرورت تعریف و وجود معیارهای مشترک برای ارائه داری‌های مورد قبول وجدان بشری تأکید دارد. حقوق آزادی، کرامت انسانی، حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت باید درباره همه ملت‌ها و قدرت‌ها یکسان اجرا شوند. اعتبار تمدنی نیز نه به قدمت تاریخی و انباشت افتخارات، بلکه به پاسخ‌گویی در برابر اصول اعلام‌شده و اسنیه است. همان‌طور که میراث هخامنشی درستی سیاست‌های امروز ایران را اثبات نمی‌کند، میراث یونان و اسناد تأسیس آمریکا نیز تضمین‌کننده درستی همه تصمیم‌ها واشنگتن نیستند. پاسخ‌سنجیده ایرانیان به ادعاهای روبیو باید بر پذیرش تاریخ مستند، مخالفت با گناه موروثی ملت‌ها و مطالبه معیارهای مشترک استوار باشد. تکرار زبان تقابلی روبیو و مقابله با آن از طریق اسطوره‌سازی از گذشته ایران، تنها چاه و طرف را عوض می‌کند. در عوض، دیپلماسی فرهنگی باید بازپوشش معنیتر، میراث، گفت‌وگوی علمی و معرفی تاریخ علم، فلسفه، ادبیات، هنر و معماری ایران تقویت شود. دانشگاه‌ها، موزه‌ها، مراکز پژوهشی و رسانه‌ها در این مسیر نقش اساسی دارند. در نهایت، تاریخ خشایارشا نیست؛ مسأله سیاست امروز است. روبیو می‌تواند از آکروپولیس تجلیل کند، اما این حق نباید به جواز تبدیل تاریخ باستان به ابزاری برای ساختن دشمنان دائمی تبدیل شود. ایران نیز باید از میراث تمدنی خود دفاع کند. آن‌که گذشته را در مانت‌ها رادشمن‌اند می‌یابد یکدیگر بداند. همچنان که امروز این سیاست در ایران دیده می‌شود. گذشته را نمی‌توان تغییر داد، اما می‌توان در برابر کسانی ایستاد که می‌خواهند از آن برای محدود کردن آینده ملت‌ها استفاده کنند.

سپتامبر یکسان نیست و سیاست داخلی آمریکا نیز الزاماً زمینه‌مناهی برای تحلی این گفتمان فراهم نمی‌کند. مقایسه با دهه ۱۹۹۰ و سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر در این زمینه راهگشاست. اگر ساموئل هانتینگتون در دهه ۱۹۹۰ نظریه برخورد تمدن‌ها را صورت‌بندی کرد، زمینه تاریخی و اجتماعی آن دوره نیز در امکان طرح و گسترش چنین ایده‌ای نقش داشت. در آن دهه، آمریکا قدرتی کم‌رقیب در عرصه بین‌المللی بود و نظم جهانی تا حد زیادی با برتری این کشور تعریف می‌شد. در چنین شرایطی، نظریه برخورد تمدن‌ها می‌توانست به یکی از چارچوب‌های تفسیر نظم جهانی و سیاست خارجی آمریکا تبدیل شود. اما جهان امروز با آن دوره تفاوت دارد. آمریکا دیگر از آن موقعیت بلامنازع برخوردار نیست و در سیاست داخلی این کشور نیز اجماع روشنی برای بازگشت یک برهه مداخله‌گرانه به جنس نوحفاظه‌کاری به مرکز سیاست خارجی دیده نمی‌شود. از این رو، سخنان اخیر روبیو بیش از آنکه نشانه بازگشت نوحفاظه‌کاری به‌عنوان گفتمان مسلط باشد، به‌بازنمایی فشرده و تا حدی ساده‌شده‌ای از آن طرح شباهت دارد: طرحی که می‌توان آن را «ویلسونیسیم در چکمه» نامید: تلاش برای بازسازی نظم جهانی با اتکا به قدرت نظامی و در پوشش رسالتی تمدنی.

جمع‌بندی: ویلسونیسیم در چکمه، از تراژدی تا کمدی

مسأله اصلی در نظم روبیو، نه صرفاً محتوای ضدایرانی یا لحن مداخله‌گرانه‌ان است، بلکه تصویری است که از موازنه درونی سیاست خارجی آمریکا به دست می‌دهد. این نظم نشان می‌دهد که ویلسونیسیم و گرایش‌های نوحفاظه‌کارانه همچنان در واشنگتن فعال‌اند و می‌کوشند قدرت نظامی آمریکا را ابزار بازسازی نظم جهانی

گفت‌وگو

محمد بهشتی شیرازی درباره روایت جعلی روبیو از یک واقعه باستانی:

آمریکا و اسرائیل با ایران بودن مشکل دارند



«ایران» در گفت‌وگو با سید محمد بهشتی شیرازی، عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری ایران، چرایی گرافه‌گویی‌های اخیر مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا را به پرسش گذاشت. گفت‌وگویی که در پی می‌خوانید.

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا به روایتی مجعول درباره حمله خشایارشا اشاره کرد، علت و انگیزه بیان این اظهارات به باور شما چه بود؟

اول اینکه آقای تروح درباریی توضیح موجودو خیلی دقیقی راجع به این سابقه تاریخی دادند که پیشنهاد می‌کنم آن را توضیح را پیدا کنید، بخوانید و منتشر کنید. خلاصه مسأله این است که علت حمله خشایارشا به آتن در واقع پاسخخی بود به حتماتی که یونانی‌ها به «ساره» که یکی از ایالت‌های ایرانی بود کرده بودند و آنجا علاوه بر خرابی‌هایی که به بار آورده بودند معبد و عبادتگاه مقدس مردم سارد را هم آتش زده بودند. بنابراین حمله سپاه خشایارشا نه امری ابتدا به ساکن و نه از سرتعمایل به کشورگشایی بلکه در واقع تنبیه یونانی‌ها و دولت‌شهران بود برای این تجاوزی که علیه یکی از ایالت‌های ایران انجام داده بود. بعد از آن هم این‌گونه نبود که حکومت هخامنشی، یونان را به قلمرو خود اضافه کند زیرا برخلاف آنچه آقای روبیو در سخنانش سعی داشت القا کند، نیت ایرانیان کشورگشایی نبود. این رویه جاری در غرب است که نگاهشان به تاریخ گاهی مبتنی بر استفاده ابزاری است. یعنی حتماً وقتی چنین گزاره‌هایی را مطرح می‌کنند منوطاتی در سراسر دارند، استفاده ابزاری می‌کنند تا برای کسانی که تاریخ نمی‌دانند تصویری درست کنند. حال پرسشی که می‌تواند مطرح باشد این است که چرا اینها وقتی صحبت از این می‌شود احساس می‌کنند باید برگردند به ریشه‌های تاریخی و یک سابقه تاریخی ایجاد کنند تا است که ایران کشوری دارای تمدن کهن است. عین این رفتار را با کشورهای جدید التأسیس جهان نمی‌توانند انجام دهند. چنین رفتاری را می‌توانند با چین، هند یا ایران داشته باشند. اما برای همین استفاده ابزاری از تاریخ هم در حد دبیرستانی‌های ما هم نخوانده‌اند، امروز رجال سیاسی آمریکا هستند. شاید این میزان کج فهمی سیاستمداران آمریکایی از تاریخ اشکال نظام آموزشی‌شان باشد. این است که بعد از همهیل‌گویی‌های ترامپ چشمشان به بی‌سوادی مارکو روبیو روشن شد. تا قبل از این فکری کردیم ترامپ آدم بی‌سوادی است و حالا مشخص شد تیشم هم چنین خصوصیاتی دارد.

این در حالی است که روبیو به عنوان تحصیل‌کرده علوم سیاسی و حقوق درباره تاریخ خاورمیانه و حتی فقه و تشیع ادعای آگاهی دارد. اما به مثل «تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد» بی‌سوادی‌اش هویدا شد.

آمریکا در همراهی با رژیم صهیونیستی برای آغاز جنگ در اسفند ماه علیه ایران که به جنگ ۴۰ روزه موسوم شد، از وقایع دی ماه در ایران وادعاهایی که درباره تعداد جانباختگان آن حوادث مطرح کرد به عنوان یک بهانه برای توجیه جنگ استفاده کرد. آیا با این گزاره موافقتی که در این مدت آن‌ها ادعاها بیش از قبل در عرصه افکار عمومی رنگ باخته و حالا این گزاره‌گویی‌ها درباره تاریخ ایران و حمله خشایارشا به آتن نوعی تلاش برای توجیه تاریخی تراشیدن برای جنگ است؟ همان‌طور که عرض کردم آنها از تاریخ استفاده ابزاری می‌کنند و می‌خواهند با دخل و تصرف در تاریخ، اقدامات امروز و فردایشان را توجیه کنند. در واقع دارند سعی می‌کنند افکار عمومی کشورهای غربی را برای رفتارهای خارج از چارچوب قواعد بین‌الملل‌شان آماده کنند.

در همین دور روز شاهد واکنش‌های گسترده ایرانیان به اظهارات اخیر وزیر خارجه آمریکا بودیم. ارزیابی‌تان از اثر جدلیات روبیو بر رفتار جامعه ایرانی چیست؟

پشت پرده اتفاقی که دارد بین ایران و آمریکا و رژیم اسرائیل می‌افتد دیگر از پرده برون افتاده است. حالا همه ایرانی‌ها با هر رأی و عقیده بیش از هر زمانی می‌دانند که آنها با ایران بودن ایران و ایرانی بودن ایرانی‌ها مشکل دارند. حال آنکه سلاح قدرتمند ما برای مواجهه با این هیولا اتکا بر همین ایرانی بودن است. ما در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه کار هر کاسی که به مغازه‌اش را باز نگاه داشت قهرمانانه می‌دانستیم و بعد در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه دیدیم که چگونه همه مردم قهرمانانه عمل کردند و در بدترین شرایط جنگ به زندگی عادی شان ادامه دادند. این فقط از جامعه ایرانی برمی‌آید. دو تجاوز نظامی ۱۲ و ۴ روزه، ما را از جابکند اما جامعه ایرانی آن سرو باصلابتی بود که ریشه در خاک داشت و ایستادگی کرد و پیروز شد.

شماری از اساتید دانشگاه در گفت‌وگو با «ایران» اهداف سخنان ادعایی وزیر خارجه آمریکا علیه تمدن ایرانی را مورد بررسی قرار دادند

ایران در قاب جنگ تمدنی؛ واشنگتن چگونه تاریخ را وارونه می‌کند؟

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی - ادعاهای اخیر مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا در آتن بار دیگر بحث درباره پیوند تاریخ و سیاست و تلاش واشنگتن برای صورت بندی تقابل با ایران در چارچوبی تمدنی را برانگیخته است. آيا گفتمان «جنگ تمدنی» در حال تبدیل شدن به یکی از مبانی سیاست خارجی آمریکا است و چنین رویکردی در گذشته نیز زمینه ساز تقابل های تمدنی، جنگ افزوری و برهم خوردن نظم جهانی بوده است؟ در گفت‌وگو با جمعی از استادان دانشگاه، این پرسش‌ها را از منظر اهداف سیاسی و ریشه‌های تاریخی این رویکرد بررسی کرده‌ایم. حیدرعلی مسعودی، استاد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی معتقد است دولت ترامپ با گسترش ادبیات تهدید، می‌کوشد تقابل با ایران را از سطح منافع ملی آمریکا به سطح دفاع از منافع

حیدرعلی مسعودی، استاد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

دوگانه‌سازی تمدنی

در خدمت راهبرد سیاست خارجی آمریکا

گفت و گو

سخنان ادعایی مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا درباره ایران از شکل گیری چارچوبی تازه در صورت بندی تقابل آمریکا با ایران کلیات دارد که در آن، مرزبندی های تمدنی به مبنایی برای تکنیک شیوه‌های مواجهه با بازیگران مختلف تبدیل می‌شود. حیدرعلی مسعودی، استاد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی در گفت‌وگو با «ایران»، این رویکرد را نشانه ظهور نوعی نگاه تمدنی در سیاست خارجی آمریکا می‌داند که یادآور نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون است؛ با این تفاوت که برخلاف الگوی هانتینگتون، مبتنی بر تکرش تمدن‌ها و چگونگی تعامل و تقابل آنهاست و سخنان روبیو نوعی دو قطبی سازی تمدنی برجسته است. به تعبیر مسعودی، این صورت‌بندی بر تداوم رویکرد دیپلماتیک درون تمدن غرب و توسل به ابزارهای مبتنی برزور در مواجهه با بیرون از آن تأکید دارد؛ تمایزی که می‌تواند در فهم منطق سیاست خارجی آمریکا اهمیت پیدا کند.

آیامی توان ادعاهای اخیرصدایرانی روبیو

را نشانه تغییر رویکرد آمریکا از سیاست امنیتی با ایران به نوعی مواجهه هویتی و تمدنی دانست؟

نکته اول این است که می‌توانیم این سخنرانی را نشانه ظهور نوعی نگاه تمدنی به سیاست خارجی آمریکا و توجه به آموزه‌های تمدنی در این حوزه بدانیم؛ نگاهی که به‌نوعی نسخه به‌روزشده دیدگاه‌های ساموئل هانتینگتون درباره برخورد تمدن‌هاست. با این تفاوت که در نگاه هانتینگتون با نوعی تکرر تمدنی مواجه هستیم و بحث بر سر چگونگی مواجهه تمدن‌های مختلف با یکدیگر است، اما در این سخنرانی با نوعی دوگانه‌سازی تمدنی روبه‌رو هستیم. شاید مهم‌ترین نکته سخنرانی نیز همین دوگانه‌های بنیادی باشد که در متن

آن شکل گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این دوگانه‌ها، تقابل تمدن غرب با تمدن ایران است؛ به‌ویژه آنجا که به خشایارشا اشاره می‌شود. دوگانه دیگر، مقایسه‌ای است که میان شهادت‌طلبی در فرهنگ ایرانی و شیعی و آنچه در تفکر غربی از آن با عنوان فداکاری در راه آرمان یاد می‌شود، شکل می‌گیرد؛ یعنی جستاری که برای رسیدن به آرمان مورد تقدیس قرار می‌گیرد. این دو مورد را می‌توان در چارچوب دوگانه اول، یعنی تمدن غرب در برابر تمدن ایران تحلیل کرد. دوگانه دوم، ملی‌گرایی در برابر جهان گرایی است. در این بخش، بر ملی گرایی، منافع ملی و قدرت ملی تأکید می‌شود و در مقابل، نوعی انتقاد از رویکردهای جهان گرایانه، جهانی شدن، برون‌سپاری صنایع و واگذاری حوزه‌هایی

هدف از این برجسته‌سازی دوگانه‌های تمدنی و تأکید بر قدرت رزور در برابر ایران چیست؟ و این چارچوب‌سازی چه اهدافی را در سیاست خارجی آمریکا دنبال می‌کند؟

باید به عنصر زور در عرصه بین‌المللی توجه کرد. من این موضوع را به این شکل صورت‌بندی می‌کنم که آقای روبیو به‌نوعی بر تداوم رویکرد دیپلماتیک در درون تمدن

شماری از اساتید دانشگاه در گفت‌وگو با «ایران» اهداف سخنان ادعایی وزیر خارجه آمریکا علیه تمدن ایرانی را مورد بررسی قرار دادند

ایران در قاب جنگ تمدنی؛ واشنگتن چگونه تاریخ را وارونه می‌کند؟

تمدنی غرب ارتقا دهد؛ گفتمانی که با وجود کاستی‌های جدی و دشواری تثبیت، لزوماً مانع تداوم فشارها و اقدامات نظامی واشنگتن علیه ایران نخواهد شد. سیروس فیضی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران نیز این رویکرد را تلاشی برای ایدئولوژیک کردن تقابل با جمهوری اسلامی و تعمیم آن به رویارویی غرب با ایران می‌داند؛ رویکردی که پیش‌تر در قالب نظریه «برخورد تمدن‌ها» مطرح شده بود، اما دامنه آن به ایران محدود نمی‌شد و جهان اسلام و قدرت‌هایی چون روسیه و چین را نیز در برمی‌گرفت. علی‌الکبراء، عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران، نیز روایت روبیو را مبتنی بر نگاهی ساده‌سازانه به تاریخ و دوگانه «غرب و اغیار» می‌داند؛ روایتی که در آن، قدرت‌های خارج از جهان غرب در جایگاه تهدیدی برای تمدن غرب قرار می‌گیرند.

مواجه هستیم. در واقع، روبیو با استفاده از این دوگانه‌ها تلاش می‌کند تاریخ چند سده گذشته غرب، به‌ویژه دویست تا سیزد سال اخیر را به‌نوعی وارونه نشان دهد. به این معنا که در حالی که تمدن غرب در این دویست تا سیزد سال عمدتاً رویکردی توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه در جهان داشته است، در این سخنرانی تصویری وارونه از این واقعیت ارائه می‌شود؛ تصویری که می‌کوشد تمدن غرب را در جایگاه قربانی قرار دهد.

این گفتمان‌ها تا چه اندازه می‌توانند تثبیت‌شوندو مبنای عمل قرار بگیرند؟ تا آنجا که به ایجاد زنجیره‌های هم‌ارزی در مباحث گفتمانی مربوط می‌شود، هدف، ساختن هویت خود است؛ یعنی شکل‌دادن به تصویری از غرب به‌عنوان هویتی موجه، جسور، فداکار، پیشرفته، متکامل و توسعه‌یافته. تا اینجا می‌توان گفت این زنجیره‌های هم‌ارزی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و هویت خود را به ویژگی‌هایی که اشاره کردم، شکل می‌دهند. اما در جایی که باید زنجیره‌های تفاوت شکل بگیرند، یعنی جایی که این هویت خود باید در مقابل هویتی دیگر، یک دیگری خضم، قرار بگیرد، به نظر من این گفتمان با مشکل مواجه می‌شود. به بیان دیگر، این گفتمان نمی‌تواند زنجیره‌های تفاوت لازم را برای شکل‌دادن به هویت یک دیگری خضم، یعنی دیگری‌ای خشن و زورمدار، ایجاد کند. به نظر من، این مسأله آسیب و نقطه‌ضعف جدی این نوع گفتمان‌سازی است.

آیامیان ادبیات دولت جرج بوش، رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا در باره «جنگ علیه تروریسم» و «گفتمان کنونی برخی مقام‌های آمریکایی درباره تقابل تمدن غرب با ایران گزاره‌های مشابهی وجود دارد» می‌توان از تداوم یک الگوی فکری سخن گفت؟

به نظر من این موضوع ابعاد متفاوتی دارد. اگر

یک مکان تاریخی، متن از نظر محتوایی به‌شدت میان‌مایه و سطحی است. جایی که روبیو درباره پایداری گروهی اندک ولی مصمم از آتنی‌های یک در برابر ارتش پرشمار ایران داستان‌پردازی می‌کند حتی با نوشته‌های هرودت، تاریخ‌نگار یونان باستان همخوانی ندارد. روبیو آن‌گاه که از ۲۵ قرن استنادکی و ماندگاری معبد پارتون می‌گوید، اساساً نمی‌داند که طی سده‌ها چه بر سر این بنا آمد و چگونه به اقتصاد شرایط روزگار به صورت‌های کلیسا و مسجد و زاغه مهمات درآمد. ظرفه آنکه بقایای مسجدی که در پارتون ساخته شد، تا نیمه اول سده نوزدهم برپا بود. طبعاً تأکید او بر قهرمانی‌های ۳۰۰ اسپارتی جان‌برکف در برابر ارتش ایران نیز بیش‌از هر چیز متأثر از تخیلات هالیوودی زک اسنایدر در فیلم‌های «۳۰۰» است تا گزارش‌های تاریخی، یکی از نکات شایان توجه در سخنرانی امروز، عدم اشاره او به اورشلیم به‌عنوان یکی از آیشخوره‌های تمدن مغرب‌زمین و تأکید وی بر ارائه یک روایت اروپایی آمریکایی است. اگر بخواهیم درباره نویسنده این نویسنده‌گان متن سخنرانی روبیو گمانه‌زنی کنیم طبعاً نام «نیت هاکنم» (Nate Hochman)، مشاور جوان وزیر خارجه، مطرح می‌شود که جزو چهره‌های نسل جدید جریان راست‌گرا در

صریح بیان کرده است. سخنرانی‌ای یعنی «در دفاع از تمدن غرب» (western civilization in defense of) به خودی خود گویاست و روایتی ساده‌سازی‌شده، گزینشی و غایت‌گرایانه (teleo-logical)، با هدف ترسیم تاریخ مغرب‌زمین به مثابه زنجیره‌ای پیوسته و بی‌گسست از یونان باستان تا ایالات متحده آمریکا است. این زنجیره، از بد حادثه، در عصر ما دچار «افول» شده و اکنون ایالات متحده با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی در پی نجات و احیای «رسالت تمدن ساز غرب» برآمده است. هسته اصلی این روایت، دوگانه‌سازی و تقابل «غرب و اغیار» (the west and the rest) است؛ این «دیگری»، سرشت واحدی دارد و در مقاطع مختلف تاریخی به اشکال گوناگون رخ می‌نماید. از این منظر، هر کانون قدرتی که خارج از انگاره «جهان غرب» باشد، اعم از شاهنشاهی‌های ایران باستان، خلافت‌های اسلام، امپراتوری عثمانی، روسیه تزاری، اتحاد شوروی و یا چین کنونی، جلگلی «غیر» هستند و عامل تهدید بالقوه یا بالفعل برای تمدن غرب.

این سخنرانی برخلاف ظاهر تاریخی‌اش، به شدت غیر تاریخی و کاملاً ذات‌باورانه است. به رغم وسواسی که در میزانشن سخنرانی روبیو اعمال شده و تلاش او برای ایراد یک سخنرانی تاریخی در

است. این تحلیل، توجه را از محتوای تاریخی سخنان روبیو به کارکرد سیاسی آنها معطوف می‌کند. نکته مطرح‌شده توسط آقای دکتر ولی نصر درباره ارائه نسخه جدید نظریه «برخورد تمدن‌ها» و جایگزینی اسلام‌هراسی با ایران‌هراسی نیاز به دقیق‌دard. آنچه در رسانه‌ها و فضای مجازی داخل کشور از سخنرانی وزیر خارجه ایالات متحده مورد توجه قرار گرفته، اشارات او به ایران تحت عنوان «برشیا» و ارجاع به نبردهای شاهنشاهی هخامنشی با دولت‌شهرهای یونان بوده است. البته که سخنان روبیو با توجه به شرایط کنونی حاکم بر روابط ایران و ایالات متحده، سویه‌های ایران‌ستیزانه دارد و در راستای مشروعیت‌بخشی به عملیات نظامی آمریکا علیه ایران است. حتی می‌توان به‌کارگیری عبارت خاصی در اشاره به هیات حاکمه ایران توسط روبیو را مورد توجه قرار داد که مخصوصاً از اظهارات راه‌های اخیر مقامات آمریکایی مسبق به سابقه است و نشان از تلاش آشکار برای پیشبرد سیاست‌های فرقه‌گرایانه در خاورمیانه دارد. اما اگر به کلیت سخنرانی وزیر خارجه ایالات متحده توجه کنیم، روبیو در نظر محتوایی سخن تازه و شاذی نگفته و صرفاً در مقام وزیر خارجه، ایده‌های محافل محافظه‌کار در ایالات متحده را برپه‌برده و

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا در سخنرانی خود در آکروبولیس آتن با بازخوانی جنگ‌های ایران و یونان باستان، روایتی از تاریخ ارائه کرد که در آن سپاهیان خشایارشا به‌عنوان مهاجمان به معابد و زیارتگاه‌های یونانی معرفی می‌شوند. اما مسأله آنجاست که تاریخ چگونه به ابزاری

برای صورت‌بندی تقابل‌های سیاسی امروز تبدیل می‌شود. روبیو با پیوند زدن این روایت به سیاست معاصر ایران، تصویری از تقابل میان دو تمدن ارائه می‌دهد که می‌تواند به توجیه سیاست‌های تقابلی واشنگتن کمک کند. ولی نصر، مشاور سابق بارک اوباما در واکنش به این سخنان آنها را یادآور نسخه‌ای تازه از نظریه «برخورد تمدن‌ها» ساموئل هانتینگتون دانسته و معتقد است که این بار به‌جای تقابل اسلام و غرب، تقابل ایران و غرب در مرکز روایت قرار گرفته است؛ تغییری که از نظر نصر، نشانه جایگزینی ایران‌هراسی با اسلام‌هراسی



علی کالیرادعضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران

تقابل غرب و اغیار

سیروس فیضی، استاد روابط بین الملل دانشگاه در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

بازخوانی گزینشی تاریخ غرب در خدمت سیاست‌های ترامپ

گفت و گو

بازخوانی گزینشی تاریخ غرب، تلاشی برای توجیه فکری سیاست‌های خودمحرانه دولت ترامپ است؛ رویکردی که می‌کوشد با بهره‌گیری از نمادهای تمدن غرب، تقابل تا تمدن ایران را توجیه کند. سیروس فیضی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران در گفت‌وگو با روزنامه «ایران» با اشاره به تلاش مارکو روبیو برای طرح این دیدگاه‌ها در کنار آکروبولیس، معتقد است که استفاده از نمادهای تاریخی و تمدنی در خدمت اهداف سیاسی، بخشی از تلاش برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های دولت ترامپ است. به باور او، مواجهه با این رویکرد نباید به واکنشی صرفاً ایدئولوژیک محدود شود، بلکه لازم است پاسخی برخاسته از اندیشه و تجربه تاریخی ایران شکل بگیرد.

آیامی توان سخنان روبیو در یونان را

تلاشی برای ایدئولوژیک کردن تقابل با ایران تبدیل آن به رویارویی غرب با جمهوری اسلامی دانست؟

سخنان روبیو در یونان را نمی‌توان صرفاً گفتمان هویتی او یا جمهوری خواهان دانست؛ بلکه این اظهارات تلاشی از سوی وی و جمهوری خواهان برای ایدئولوژیک کردن موضوع تقابل با جمهوری اسلامی است تا شاید بتوانند به این تقابل، فراتر از چارچوب جمهوری خواهی، ماهیتی غربی ببخشند و آن را در قالب رویارویی غرب با ایران مطرح



کشور امروزه به یک دولت باغی یا به‌اصطلاح «روگ استیت» تبدیل شده است؛ یعنی دولتی که در عرصه بین‌المللی، نهاده‌ها و هنجارها را تخریب می‌کند و زیر پا می‌گذارد. این نکته به معنای آن نیست که دولت آمریکا همواره تلاش نکرده است، به‌ویژه در دوره فلی و دولت دوم آقای ترامپ، با به‌کارگیری واژگان و گزاره‌های اصطلاحاً جرم‌انگارانه با ایران مواجه شود و ایران را در چارچوب چنین واژگانی صورت‌بندی کند تا زمینه را برای اقدام‌های نظامی و در واقع تجاوزکارانه‌ای که در ذهن خود دارد، فراهم کند. اگر به خاطر داشته باشید، دقایقی پیش از آنکه ترامپ دستور حمله به ایران را در آغاز جنگ رمضان صادر کند، سخنرانی‌ای انجام داد و در آن تأکید کرد که باید با این امر مقابله کنیم؛ به این دلیل که ایران جان شمار زیادی از آمریکایی‌ها را گرفته و عامل تخریب و آسیب در این صورت‌بندی کند. در واقع، تلاش بر این نیست صرفاً برای تخریب و وجود داشت. در این چارچوب، دیگر ایران صرفاً تهدیدی برای منافع آمریکا معرفی نمی‌شود، بلکه تلاش نیز صورت‌بندی کند. در واقع، تلاش بر این است که چنین گفتمانی ساخته شود. با این حال، همان‌طور که عرض کردم، این گفتمان با خلأهای جدی مواجه است؛ طبیعتاً احتمالاً نمی‌تواند مانند گفتمان مبارزه با تروریسم به گفتمانی تثبیت‌شده و جاافتاده تبدیل شود

خود ترامپ است که این گفتمان را ترویج می‌کند. در واقع، تلاش بر این است که این گفتمان نمی‌تواند به شکلی موجود بین‌المللی گام برداشته است. رویکرد ضد‌هنجاری و ضدنظم آمریکا تا آن اندازه صریح و عریان شده است که بسیاری از نخبگان سیاست خارجی این کشور، از جمله چهره‌هایی مانند آقای کریس، از دیپلمات‌های مشهور و باسابقه آمریکا، معتقدند که این



گرفت؛ به چالش کشیدن نظم لیبرال، تأکید بر حاکمیت ملی در برابر نهادهای بین‌المللی و برشمردن مهاجرت و تغییرات فرهنگی به مثابه مخاطرات تمدنی. حمله روبیو به «ایدئولوژی‌های مدرن» که لیبرالیسم را نیز در بر می‌گیرد، حاکی از ظهور رویکردهای جدید در بین سیاستمداران آمریکایی است. اهمیت سخنرانی مرزور، بیش از هر چیز، در ارائه گزینده‌ای از ایده‌های محافل محافظه‌کار ایالات متحده و رونمایی از ایدئولوژی جدید سردمداران آمریکاست.

تلاش برای پیشبرد آن بسیار ناشیانه است. نخست آنکه دولت آمریکا باید پیش از هر اقدامی، زمینه اجماع‌سازی و شکل‌گیری یک ائتلاف را فراهم می‌کند. دوم آنکه طرح چنین دیدگاه‌هایی به شخصیتی با وزن فکری و رویکردی صلح‌طلبانه نیاز دارد.

با توجه به تلاش دولت ترامپ برای گسترش تقابل با ایران و تبدیل آن به رویارویی تمدنی، ایران چگونه می‌تواند با انگا به دیپلماسی، ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای، مانع تحقق اهداف واشنگتن شود؟ به اعتقاد من، مداخله نظامی دیگری نیز رخ خواهد داد و حتی ممکن است شدت آن بیشتر باشد. با این حال، اگر ایران بتواند در برابر این فشارها مقاومت کند، برای تقویت وحدت نیروهای داخلی تلاش بیشتری به خرج دهد و به دیپلماسی، به‌ویژه در ارتباط با کشورهای منطقه، تکیه کند، دولت ترامپ ناکام خواهد ماند. در چنین شرایطی، ایران می‌تواند با دموکرات‌ها به تفاهم برسد، امتیازات شایسته‌ای به دست آورد و نقش مؤثرتری در نظم منطقه‌ای ایفا کند. اگر به‌جای پاسخی ایدئولوژیک، پاسخی ایرانی به این رویکرد بدهیم و این ماهویت را به روشنفکران ایرانی در داخل و خارج از کشور واگذار کنیم، مسلماً دولت ترامپ که به تقابل با تمدن ایران روی آورده است، در تحقق اهداف خود موفق نخواهد شد و گفتمان ایرانی پیروز خواهد شد.

بخواهیم مقایسه کنیم، تروریسم پدیده‌ای جهانی بود که ابعاد رسانه‌ای گسترده‌ای داشت، بسیار پرسرصداد بود و توجه جهانی را در ابعاد وسیعی به خود جلب کرده بود. اما مسأله ایران در شرایط فعلی، به‌طور طبیعی چنین پتانسیلی برای تبدیل شدن به یک تهدید ادراک‌شده معتبر برای همه جهان را ندارد؛ دست‌کم نه به همان شکلی که تروریسم داشت. بنابراین، نمی‌تواند به همان اندازه افکارعمومی و نخبگان جهان را به خود جلب کند تا این گفتمان بتواند تثبیت شود. اگر به صحنه خروج دیپلمات‌ها و نمایندگان کشورهای مختلف جهان از جلسه سخنرانی نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال جاری نگاه کنیم، می‌توانید معیار مناسبی برای شناخت ملاحظات و توجهات افکارعمومی و نخبگان جهانی به دست آورید. در این صورت متوجه می‌شویم که احتمالاً چنین اتفاقی در رابطه با ایران نمی‌تواند رخ دهد.

این گفتمان تمدنی جدید، اولاً در تصویرسازی از یک «دیگری تمدنی خضم» با موانع جدی مواجه است و نمی‌تواند ایران را در چارچوب مورد نظر خود قرار دهد. در عین حال، اگر بخواهیم این گفتمان را با گفتمان مبارزه با تروریسم در دوره بوش پسر مقایسه کنیم، به نظر می‌رسد که آمریکا در آن دوره تا حدی تلاش می‌کرد از ساختارها، قواعد و هنجارهای نظم موجود بین‌المللی در راستای اقدامات تجاوزکارانه خود استفاده کرده و به‌نوعی از آنها سوءاستفاده کند. اما در این گفتمان تمدنی جدید، شاهد آن هستیم که دولت فعلی آمریکا به‌طور کامل و آشکار در مسیر تخریب ساختارها، نهاده‌ها و هنجارهای نظم موجود بین‌المللی گام برداشته است. رویکرد ضد‌هنجاری و ضدنظم آمریکا تا آن اندازه صریح و عریان شده است که بسیاری از نخبگان سیاست خارجی این کشور، از جمله چهره‌هایی مانند آقای کریس، از دیپلمات‌های مشهور و باسابقه آمریکا، معتقدند که این

ایجاد کند، انتخاب فردی لاتین‌تبار که به باور من از نظر فکری و جایگاه اجتماعی شخصیتی ضعیف محسوب می‌شود، اشتباه بوده است. در واقع، انتخاب او به معنای هدر دادن ظرفیت همین ایده بود.

دولت‌های پیشین آمریکا تقابل با ایران را عمدتاً در چارچوب مفاهیمی همچون دموکراسی، حقوق بشرود نهایت، مبارزه با تروریسم مطرح می‌کردند. این رویکرد چه تفاوتی با تلاش کنونی دولت ترامپ برای صورت‌بندی تقابل با ایران دارد؟

دولت‌های پیشین آمریکا عمدتاً مفاهیمی مانند دموکراسی، حقوق بشر و مبارزه با تروریسم را برای توجیه تحریم‌ها و همراه جمهوری اسلامی مطرح می‌کردند و با توجه به قدرت و نفوذ خود، می‌توانستند کشورهای مختلف را نیز با این فشارها و تحریم‌ها همراه کنند. پیش از این نیز نظریه «برخورد تمدن‌ها» در چارچوبی کلی‌تر مطرح شده بود، اما در آن صورت‌بندی، طرف مقابل صرفاً جمهوری اسلامی نبود، بلکه کلیت جهان اسلام و همچنین کشورهایمانند روسیه و چین به بخش‌هایی از جهان اسلام همراهی داشتند. در این چارچوب قرار می‌گرفتند. دولت جورج بوش، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و در شرایطی که دولت آمریکا از قدرت خود سرمست و مغرور بود، جمهوری اسلامی را



ویژه نامه استان تهران

سال سی و دوم
شماره ۹۱۴۵
یکشنبه
۱۹ مهر ۱۴۰۵
صفحه ۴

WWW.IRANNEWSPAPER.IR

ایران

هفته فرهنگی تهران: قلب تپنده ایران
پایتختی استوار به بلندای تاریخ گرامی باد.

محمدصادق معتمدیان
استاندار تهران

زندگی و توسعه در تهران
ادامه دارد

رشد تهران
در چارچوب توان تهران

۱۰

تور سفر از مشاهده
خسارت‌های جنگ

تا معرفی ظرفیت‌های پایتخت

تهران، استوار پیش
چشم جهان

۹

روایت شکل‌گیری
پایتخت؛ از آبادی کنار

ری تا کلان‌شهر امروز

تهران
چگونه تهران شد؟

۸

روزی به نام تهران



استان فراهم آورد تا برنامه‌های تهران‌گردی، فعالیت‌های هنری و گفت‌وگوهای فرهنگی، در زمانی مشترک و با همکاری دستگاه‌های مختلف برگزار شوند.

در نشست ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ شورای فرهنگ عمومی استان تهران، چهاردهم همراه به‌عنوان «روز تهران» و آغاز هفته فرهنگی تهران تصویب شد. این تصمیم، با حضور محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران، حجت الاسلام والمسلمین سید حسن ابوترابی فرد، امام جمعه موقت تهران و با همراهی اعضای شورا، زمینهای مشترک برای معرفی ظرفیت‌های پایتخت و هماهنگی برنامه‌های فرهنگی فراهم کرد. پیشنهاد نام‌گذاری روز تهران، از سال ۱۳۹۵ در ادوار مختلف شورای اسلامی شهر مطرح شده بود. تصویب استانی آن در سال ۱۴۰۴، این پیگیری را به فرصت برگزاری نخستین هفته فرهنگی تهران پیوند زد؛ مناسبتی برای حضور مردم، پژوهشگران و نهادهای فرهنگی در شناخت پایتخت.

انتخاب چهاردهم مهر نیز به تصریح پایتختی تهران در متمم قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۶ بازمی‌گردد. این مناسبت، فرصتی سالانه برای معرفی میراث و توانمندی‌های

تهران پژوهان، مهمان استانداری تهران



گفت‌وگو، ضرورت معرفی دقیق‌تر تهران و بهره‌گیری از دانش پژوهشگران برای انتقال هویت شهر به نسل جوان مورد توجه قرار گرفت.

نشست سال ۱۴۰۴، مجالی برای نزدیک‌شدن این دو حوزه بود؛ ارتباطی که می‌تواند پژوهش درباره تهران را به برنامه‌های عمومی پیوند و شناخت پایتخت را در دسترس مردم قرار دهد.

در نخستین سال برگزاری هفته فرهنگی تهران، استانداری تهران، میزبان مشاهیر، اندیشمندان و تهران‌پژوهان شد؛ هم‌نشینی صمیمانه‌ای که شناخت پایتخت را از مسیر شنیدن خاطرات، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های اهل پژوهش دنبال می‌کرد. حاضران از شهری سخن گفتند که سرگذشت آن در زندگی مردم، محله‌ها و تجربه نسل‌های مختلف جریان دارد. در این



ورزشی محله‌ها. توجه به مناطق کم‌برخوردار، شهرستان‌ها و شهرهای جدید، شرط توسعه متوازن استان است. مشارکت شهرداری‌ها، خیرین و تشکلهای مردمی در این مسیر ظرفیت ارزشمندی است که باید با برنامه‌ریزی و پاسخ‌گویی دستگاه‌ها همراه شود. فردای تهران به تصمیم‌های سنجیده امروز وابسته است. حفاظت از باغ‌ها و اراضی، رعایت حریم، مدیریت مصرف آب، بازچرخانی و پساب و گسترش انرژی‌های پاک، برای حفظ امکان زندگی در این پهنه ضرورت دارد. توسعه حمل‌ونقل عمومی و خدمات هوشمند نیز باید زمان و هزینه‌ای را که مردم صرف دریافت خدمات می‌کنند کاهش دهد. هر تصمیم توسعه‌ای باید با ظرفیت محیط زیست و توان زیرساخت‌ها تناسب داشته باشد.

وظیفه ما در مدیریت استان، فراهم کردن زمینه‌ای است که مردم بتوانند سهم خود را در آینده تهران ایفا کنند. رسانه‌ها، دانشگاهیان، فرهیختگان و نهادهای مردمی باید در شناخت مسائل و گفت‌وگو درباره راه‌حل‌ها حضور مؤثر داشته باشند. اعتماد عمومی با خدمت صادقانه و پاسخ‌گویی تقویت می‌شود و مشارکت، زمانی دوام می‌یابد که نتیجه آن در تصمیم‌ها و زندگی مردم دیده شود.

هفته فرهنگی تهران، فرصتی برای تجدید این تعهد است. ما در برابر گذشته‌ای که به ارث برده‌ایم و نسلی که پس از ما خواهد زیست، مسئولیم. پایتخت ایران اسلامی باید حرمت تاریخ را نگه دارد و به استعدادهای مردم مجال شکوفایی بدهد. آنچه امروز برای تهران انجام می‌دهیم، باید امکان زندگی بهتر را برای فرزندان این سرزمین فراهم کند؛ این، معنای مسئولیت ما در برابر آینده است.

ایمکانات آموزشی و فرهنگی بهره‌مند شوند. توسعه باید پیوند مردم با زادگاه و محل زندگی‌شان را استوارتر سازد.

این پیوند در روزهای جنگ نیز قدرت خود را نشان داد. در جنگ‌های تحمیلی ۱۲روزه و ۴۰روزه و حملات متجاوزانه دشمن آمریکایی و صهیونیستی، تهران آژوونی دشوار را پشت سر گذاشت. همراهی مردم با نیروهای مسلح، امدادگران، کادر درمان و کارکنان خدمات عمومی، پشتوانه حفظ جریان زندگی شد. تلاش برای ترمیم زیرساخت‌های آسیب‌دیده و تأمین نیازهای روزمره، جلوه‌ای از مسئولیت‌پذیری جمعی بود که باید با دقت در

حفاظت این شهر ثبت شود. یاد شهیدان و رنج خانواده‌های آسیب‌دیده، برای ما مسئولیت می‌آفریند. ثبت روایت‌های آنان و انتقال تجربه مردم و خدمت‌گزاران به نسل جوان، بخشی از وظیفه فرهنگی ماست. این تجربه همچنین باید به تقویت آمادگی دستگاه‌ها، ایمنی زیرساخت‌ها و هماهنگی در خدمت‌رسانی بینجامد. پاسداشت ایستادگی مردم با استمرار رسیدگی و افزایش توان حفاظت از زندگی آنان معنا پیدا می‌کند.

تهران در عرصه دانش، اقتصاد و آفرینش فرهنگی نیز مسئولیتی ملی دارد. دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، شرکت‌های دانش‌بنیان و ظرفیت هنری و رسانه‌ای استان، امکان گسترده‌ای برای حل مسائل و پرورش استعدادها فراهم کرده‌اند. بهره‌گیری از این توان، نیازمند ارتباط مؤثر میان مدیریت، جامعه علمی و فعالان فرهنگی است. دانش و خلاقیت باید به بهبود خدمات عمومی و فراهم‌شدن فرصت‌های پیشرفت برای مردم کمک کند.

اعتبار پایتخت با کیفیت زندگی مردم آن سنجیده می‌شود. آلودگی هوا، فشار بر منابع آب، دشواری رفت‌وآمد و نابرابری در دسترسی به خدمات، بر زندگی خانواده‌ها اثر می‌گذارد و رسیدگی به آنها از مسئولیت‌های اصلی ماست. جایگاه ملی تهران نیز اقتضا می‌کند که دولت، مدیریت شهری و دستگاه‌های مسئول، با تقسیم کار روشن و همکاری پایدار، برای رفع این مسائل اقدام کنند.

عدالت باید در زندگی روزمره قابل مشاهده باشد؛ در مدرسه‌ای که فرصت آموختن را گسترش می‌دهد، در خدمات درمانی در دسترس و در امکانات فرهنگی و

محمدصادق معتمدیان- استاندار تهران/ فرهنگ در تهران، پشتوانه فهم گذشته و راهنمای تصمیم‌های آینده است. چهاردهم مهر و هفته فرهنگی تهران فرصتی است تا این پیوند را در کانون توجه قرار دهیم و درباره مسئولیتی سخن بگویم که جایگاه پایتخت بر عهده ما نهاده است. پاسداشت شهری که با سرگذشت معاصر ایران درآمیخته، هنگامی به مقصود می‌رسد که شناخت تاریخ و سرمایه‌های انسانی آن، به تصمیم‌هایی برای حفظ هویت و بهبود زندگی مردم بینجامد.

پیشینه این پهنه را می‌توان در ری باستانی، آبادی‌های دامنه البرز، دشت‌های جنوبی و محله‌های تاریخی پایتخت خواند. بناها و غذاهای به‌جامانده، روایت کوشش نسل‌هایی هستند که در این سرزمین زیسته‌اند و به آن معنا بخشیده‌اند. تهران امروز وارث این تجربه دیرپا و حامل بخشی از حافظه ملی ایرانیان است؛ حافظه‌ای که صیانت از آن، حق نسل‌های آینده و تکلیف نسل حاضر است.

در گذر زمان، مردمانی از سراسر ایران، زبان و آیین، مهارت و دانش خود را به تهران آورده‌اند. هویت پایتخت از معاشرت و همکاری همین مردم شکل گرفته است. همزیستی اقوام و ادیان، احترام به تفاوت‌ها و احساس تعلق به خانه‌ای مشترک، از سرمایه‌های فرهنگی این دیار است. تقویت این سرمایه‌ها، به انسجام اجتماعی و توان جامعه برای عبور از دشواری‌های پاری می‌رساند.

هفته فرهنگی تهران باید شناخت این هویت را به تجربه‌ای عمومی تبدیل کند. آشنایی دانش‌آموزان با تاریخ محله‌هایشان، ثبت خاطرات ساکنان، توسعه تهران‌پژوهی و تکریم چهره‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی، راه‌هایی برای انتقال این شناخت است. ظرفیت شهرها و روستاهای استان نیز باید در این روایت حضور داشته باشد تا تصویر تهران، سهم همه مردمان و مناطق آن را بازتاب دهد.

در نگاه مدیریت استان، فرهنگ باید در تصمیم‌های توسعه‌ای حضور مؤثر داشته باشد. حفاظت از یک بنای تاریخی با حفظ حرمت محله و حقوق ساکنان آن پیوند دارد. احیای بافت‌های ارزشمند، هنگامی پایدار خواهد بود که مردم بتوانند در آنها با امنیت و آسایش زندگی کنند و





www.ira nnewspe pe.ir
editoria l@ira n-newspe pe.ir

مجله هفته تحریکات تل تهر ت
۱۴۵۵ هـ.م ۱۴۰۵ ش. ۹



از همسایگی ری تا شهری در حصار

در جنوب تهران، ری یکی از کلیدهای شناخت گذشته این پهنه است. آثار چشمه علی، سابقه استقرار و زندگی در این محدوده را به حدود هشت هزار سال پیش می‌رساند؛ زمانی بسیار پیش‌تر از آنکه تهران به‌عنوان شهر شناخته شود. ری در دوره‌های بعد، شهری بزرگ و اثرگذار در تجارت، دانش و سیاست بود و تهران، آبادی‌ای در شمال آن؛ جایی که باغ‌های میوه، زمین‌های کشاورزی و دسترسی به آب، امکان زندگی و دادوستد را فراهم می‌کرد. رشد تهران تدریجی بود. قرارگرفتن در مسیررفت‌وآمد و پیوند با ری به رونق آن کمک می‌کرد. با حملات مغول در قرن هفتم هجری قمری و آسیب سنگین ری، توازن آبادی‌های منطقه تغییر کرد؛ جابه‌جایی بخشی از جمعیت و فعالیت‌ها، بر اهمیت تهران افزود. با این حال، تبدیل این آبادی به شهر و سپس پایتخت، فرایندی چندصدها بود که آب، راه، امنیت و تصمیم‌های سیاسی در آن سهم داشتند. نقطه عطف در دوره صفوی رخ داد. شاه‌طهماسب اول در سال ۹۶۱ هجری قمری، در میانه دهه ۱۵۵۰ میلادی، دستور ساخت حصارِ پیرامون تهران را داد. بازار و استحکامات، به آبادی سیمایی شهری بخشیدند و جایگاه آن را در شبکه ارتباطی و دفاعی منطقه تقویت کردند. حصار، مرزی برای شهر بود؛ درون آن، محله‌ها و بازار توسعه یافتند و بیرون آن، باغ‌ها و کشتزارها همچنان با زندگی تهران پیوند داشتند.



نامی قدیمی با معنایی محل بحث

نام تهران از پایتخت‌شدن آن بسیار قدیمی‌تر است. در کتاب «تاریخ بغداد» خطیب بغدادی، نوشته‌شده در قرن پنجم هجری قمری، از (راوی‌ای با نسبت «تهرانی رازی» یاد شده است؛ نشانه‌ای از شناخته‌بودن نام این آبادی در سده‌های پیشین. نام تهران در منابع تاریخی با املای «طهران» نیز آمده و این صورت نوشتاری تا دوره معاصر رواج داشته است. درباره ریشه لغوی این نام، اتفاق نظر وجود ندارد. احمد کسروی، تهران و شمیران را در ارتباط با تفاوت اقلیمی این دو ناحیه تفسیر کرده و معنای «جای گرم» را در برابر «جای سرد» پیشنهاد داده است. توضیح‌های دیگری نیز درباره اجزای نام و موقعیت جغرافیایی تهران مطرح شده‌اند، اما هیچ‌یک را نمی‌توان معنای قطعی و پذیرفته‌شده آن دانست. آنچه روشن است، قدمت نام تهران و پیوند دیرینه آن با آبادی‌های دامنه جنوبی البرز است.



انتخابی که سرنوشت تهران را تغییر داد

در سال ۱۱۶۵ خورشیدی، برابر با ۱۲۰۰ هجری قمری و ۱۷۸۶ میلادی، آقامحمدخان قاجار تهران را پایتخت قرار داد. موقعیت این شهر در مسیرهای ارتباطی، امکان دسترسی به نواحی مختلف کشور و نزدیکی به پایگاه قاجارها در شمال ایران، در این انتخاب نقش داشت. تهران برای حکومتی که در حال تثبیت قدرت خود بود، موقعیتی مناسب داشت و با استقرار دربار و دستگاه اداری، به مرکز تصمیم‌گیری کشور تبدیل شد.



پایتختی، آهنگ رشد شهر را تغییر داد

مجموعه حکومتی ارگ و کاخ گلستان اهمیت بیشتری یافت، بازار گسترش پیدا کرد و نیازهای حکومت، نیرو و سرمایه را به تهران کشاند. در دوره ناصرالدین‌شاه، توسعه شهر و ساخت حصار تازه، تهران را از محدوده پیشین فراتر برد. در سده بعد، خیابان‌کشی، گسترش آموزش و صنعت و موج‌های مهاجرت، باغ‌ها و آبادی‌های پیرامون را به اجزای کلان‌شهر بدل کردند. امروز، حدود ۲۴۰ سال از آغاز پایتختی تهران می‌گذرد. تهران در این مدت، صحنه بسیاری از تحولات تعیین‌کننده ایران بوده است؛ از نهضت مشروطه و شکل‌گیری مجلس تا انقلاب اسلامی و رویدادهای مهم دهه‌های پس از آن. در متمم قانون اساسی مشروطه، در سال ۱۲۸۶ خورشیدی، اصل چهارم تصریح کرد: «پایتخت ایران طهران است». چهاردهم مهر، با ارجاع به تثبیت قانونی جایگاه پایتخت، مبنای گرامیداشت روز تهران قرار گرفته است. پیشنهاد این نام‌گذاری در سال ۱۳۹۵ در شورای شهر مطرح شد و در سال ۱۴۰۴، شورای فرهنگ عمومی استان تهران نیز آن را تصویب کرد.

روایت شکل‌گیری پایتخت؛ از آبادی کناری تا کلان‌شهر امروز

تهران چگونه تهران شد؟

داستان تهران از سکونتگاه‌های کهن، باغ‌ها و راه‌های ارتباطی آغاز می‌شود؛ با حصار صفوی و انتخاب قاجارها تغییر مسیر می‌دهد و به شهری می‌رسد که سرگذشت آن با تاریخ معاصر ایران گره خورده است.

سال ۱۳۹۳، در خیابان مولوی تهران، بقایای زنی از دل خاک بیرون آمد که در گزارش‌های کاوش، قدمت آن حدود هفت هزار سال برآورد شد. زیر‌خیابانی در پایتخت امروز، نشانه‌ای از زندگی انسان در هزاران سال پیش پیدا شده بود. سال بعد، بقایای انسانی دیگری و ابزارهای سنگی در همان محدوده به دست آمد. این کشف‌ها پرسشی را دوباره پیش کشید: شهری که امروز با برج‌ها، بزرگراه‌ها و میلیون‌ها ساکن شناخته می‌شود، چگونه شکل گرفت و چرا مرکز سرنوشت سیاسی ایران شد؟



دیدنی‌هایی که هرکدام بخشی از قصه‌اند

در تهران تاریخی، بازار بزرگ، میدان ارگ، محله دودلجان، سردر باغ ملی، عمارت مسعودیه و مسجد و مدرسه سپهسالار، مشهور به مجموعه شهید مطهری، مسیرهای شناخت شهرند. بازار، از پیوند تجارت و زندگی اجتماعی سخن می‌گوید؛ مسعودیه و بناهای بهارستان، یادآور تحولات سیاسی اند و معماری سپهسالار، گوشه‌ای از هنر مذهبی دوره قاجار را پیش چشم می‌گذارد. موزه ملی ایران، موزه آبگینه، موزه هنرهای معاصر و موزه سینما در باغ فردوس نیز راه‌هایی برای دیدن تاریخ و آفرینش هنری اند. در شمال شهر، مجموعه‌های سعدآباد و نیاوران، فصل دیگری از معماری و زندگی سیاسی پایتخت را روایت می‌کنند. بقاع و زیارتگاه‌ها نیز در شکل‌گیری هویت و زندگی محله‌ها سهم دارند. حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در ری، در کنار بقاع امامزاده حمزه و امامزاده طاهر، از کانون‌های مهم زیارتی این پهنه است. در تجریش، امامزاده صالح(ع) با بازار و زندگی روزمره پیرامون خود پیوند دارد؛ امامزاده داوود(ع) در ناحیه کوهستانی شمال غرب و امامزاده جعفر(ع) در پیشوا نیز از مقصدهای شناخته‌شده زیارت‌اند. در ری، چشمه‌علی و برج طغرل و در ورامین، مسجد جامع دوره ایلخانی، نشان می‌دهند که میراث استان در محدوده مرکزی پایتخت خلاصه نمی‌شود. تهران معاصر نیز نشانه‌های خود را ساخته است: برج آزادی، برج میلاد، پل طبیعت و پهنه گردشگری چیتگر، در کنار پارک‌ها و فضاها، فرهنگی، به تصویر امروز شهر افزوده‌اند. خیابان ولیعصر، با امتداد ۱۷٫۲ کیلومتری از میدان راه‌آهن تا تجریش، مسیری برای خواندن تغییرات تهران از جنوب به شمال است. این خیابان در فهرست موقت پیشنهادی ایران به یونسکو قرار دارد؛ وضعیت آن با ثبت قطعی میراث جهانی متفاوت است. برای طبیعت‌گردی، دامنه‌های توحال، دربند و درکه، نواحی کوهستانی شمیرانات و چشم‌اندازهای شهرستان‌های دماوند و فیروزکوه، چهره دیگری از استان را نشان می‌دهند. تنگه واشی در فیروزکوه، با مسیر آبی و نقش برجسته قاجاری، نمونه‌ای از هم‌نشینی طبیعت و تاریخ است. باغ‌ها و کشتزارهای شهرستان‌های غربی و جنوبی نیز بخشی از جغرافیای زنده تهران‌اند؛ جغرافیایی که حفاظت از آن، به اندازه معرفی جاذبه‌هایش اهمیت دارد.



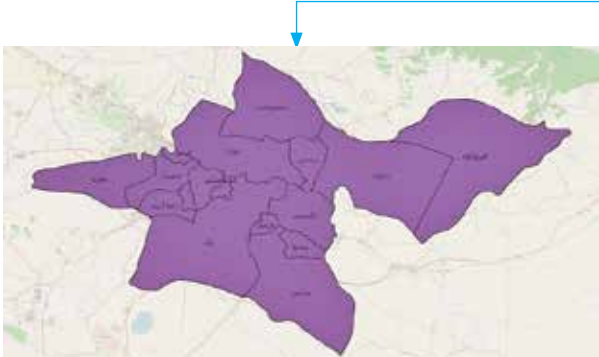
شهری که مردم به آن هویت داده‌اند

در کنار بناها، تهران میراثی دارد که در رفتار و خاطره مردم زنده است: آیین‌های مذهبی بازار و ری، قصه‌های محله‌ها، فرهنگ قهوه‌خانه‌ای، نقالی، نمایش‌های مردمی و تجربه همزیستی اقوام و ادیان. نقالی در سال ۱۳۹۰، برابر با ۲۰۱۱، به نام ایران در فهرست میراث فرهنگی ناملموس نیازمند پاسداری فوری یونسکو ثبت شد؛ هنری ملی که در زندگی فرهنگی تهران نیز حضور داشته است. حفظ چنین میراثی، به ثبت روایت‌ها، مداوم اجرا و انتقال مهارت به نسل‌های تازه نیاز دارد. رشد تهران با حضور مردمانی از سراسر ایران همراه بوده است. هر نسل، بخشی از زبان، رسم، حرفه و تجربه خود را به شهر آورده و در ساختن آن سهم گرفته است. دانشگاهیان، هنرمندان، بازاریبان، صاحبان حرفه و کارکنان خدمات عمومی، در کنار خانواده‌هایی که زندگی خود را در محله‌ها بنا کرده‌اند، هویت پایتخت را شکل داده‌اند. از همین رو، شناخت تهران با شنیدن روایت مردم آن کامل می‌شود.



پایتختی؛ ظرفیت بزرگ و مسئولیت مشترک

تهران امروز، محل استقرار نهادهای اصلی قوای سه‌گانه، بسیاری از وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها و مراکز تصمیم‌گیری ملی است. در سطح استان، استانداری و فرمانداری‌ها نقش هماهنگی امور اجرایی را بر عهده دارند و شوراهای اسلامی شهر و شهررداری‌ها، در اداره امور محلی و خدمات شهری نقش ایفا می‌کنند. در پایتخت، تصمیم‌های ملی، برنامه‌های استانی و مدیریت شهری بر یک جغرافیا اثر می‌گذارند؛ هماهنگی این سطوح برای اداره مسائل مشترک ضروری است. استقرار دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، مراکز تخصصی درمان، شرکت‌های دانش‌بنیان، صنایع، شبکه تجارت و نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای، ظرفیت گسترده‌ای برای تهران فراهم کرده است. شهرستان‌های استان نیز در تولید صنعتی، کشاورزی، گردشگری و تأمین نیروی کار سهم دارند. این توازن، زمانی به توسعه متوازن کمک می‌کند که ارتباط میان دانش و تولید تقویت شود و فرصت‌های پیشرفت در دسترس مناطق و گروه‌های بیشتری قرار گیرد. گسترش شهر و تمرکز فعالیت‌ها، هم‌زمان مسائل دشواری پدید آورده است: ترافیک و آلودگی هوا، فشار بر منابع آب، هزینه مسکن، فرسودگی بخشی از بافت‌ها و تفاوت محله‌ها در دسترسی به خدمات. فرونشست در بخش‌هایی از دشت تهران نیز نشان داده است که برداشت از آب زیرزمینی می‌تواند بر پایداری زمین و زیرساخت‌ها اثر بگذارد. رسیدگی به این مسائل، به برنامه‌ریزی در مقیاس شهر و منطقه، حفاظت از منابع و تقسیم کار روشن میان دستگاه‌ها نیاز دارد. تهران در گذر زمان، پاره‌ها و اندازه خود را تغییر داده است. از علنی پرسش اصلی به کیفیت این تغییر بازی کرد؛ چگونه می‌توان میراث شهر را حفظ کرد، از توان علمی و اقتصادی آن بهره گرفت و زندگی روزمره مردم را بهبود بخشید؟ هفت فرهنگی تهران فرصتی برای طرح همین پرسش است. شناخت باغ‌ها، محله‌های ماندگار، بناهای تاریخی و تجربه ساکنان، می‌تواند تصمیم‌های آینده را سنجیده‌تر کند. شهری که از یک آبادی در کنار ری به پایتخت ایران رسید، ادامه داستان خود را با انتخاب‌های امروز می‌نویسد.



میان کوه و دشت؛ تهران روی نقشه

شهر تهران در دامنه جنوبی البرز قرار دارد؛ بر پهنه‌ای که از ارتفاعات شمالی به دشت‌های جنوبی امتداد می‌یابد. این اختلاف ارتفاع، بر آب‌وهوا، جریان آب و شکل گسترش شهر اثر گذاشته است. در مقیاس استان، تنوع بیشتری‌شود: نواحی مرتفع شمیرانات، دماوند و فیروزکوه، زمستان‌های سردتر و طولانی‌تری دارند و دشت‌های جنوبی و جنوب‌غربی، با اقلیم خشک و نیمه‌خشک و تابستان‌های گرم‌تر شناخته می‌شوند. همین جغرافیا، زمینه شکل‌گیری باغداری، کشاورزی، سکونتگاه‌های کوهپایه‌ای و مسیرهای تاریخی رفت‌وآمد را فراهم کرده است. استان تهران با مازندران، البرز، مرکزی، قم و سمنان همسایه است و ۱۶ شهرستان دارد؛ در حالی که شهر تهران در مدیریت شهری به ۲۲ منطقه تقسیم می‌شود. تهران، ری و شمیرانات در کنار شهرستان‌هایی چون ورامین، پیشوا، شهریار، پاکدشت، رباط کریم، پردیس، دماوند و فیروزکوه، جغرافیایی را شکل می‌دهند که شناخت پایتخت بدون توجه به آن کامل نمی‌شود.

برای جمعیت و مساحت، باید محدوده شهر را از استان جدا کرد. وسعت شهر تهران در پژوهش‌های شهری حدود ۷۳۰ کیلومترمربع در نظر گرفته می‌شود. در جدول‌های سرشماری ۱۳۹۵ مرکز‌آمار ایران، مساحت استان تهران ۱۳ هزار و ۶۸۹ کیلومترمربع و جمعیت آن ۱۳ میلیون و ۲۶۷ هزار و ۶۳۷ نفر ثبت شده است. گزارش «چشم‌انداز شهرنشینی جهان ۲۰۲۵» سازمان ملل نیز جمعیت تهران را در تعریف آماری «مرکز شهری»، حدود ۹ میلیون و ۱۷۵ هزار نفر برآورد کرده و در رتبه ۳۸ جهان قرار داده است. این برآورد مربوط به سال ۲۰۲۵ و محدوده تعریف‌شده در همان گزارش است و جمعیت کل استان را بیان نمی‌کند.



نخستین‌ها؛ از روزنامه تا رادیو

پایتخت‌شدن، تهران را به محل شکل‌گیری شماری از نهادهای تازه ایران تبدیل کرد. در سال ۱۲۱۶ خورشیدی، برابر با ۱۸۳۷ میلادی، میرزا صالح شیرازی نخستین روزنامه ایران را در تهران منتشر کرد؛ نشریه‌ای که با نام «کاغذ اخبار» شناخته می‌شود. چهارده سال بعد، در ۱۲۳۰ خورشیدی، دارالفنون به ابتکار امیرکبیر گشایش یافت و آموزش نوین علوم و فنون را در قالب مدرسه‌ای عالی توسعه داد. دارالفنون را باید از پایه‌های آموزش جدید ایران دانست؛ نهادی که در تربیت نسل تازه‌ای از متخصصان و گسترش ترجمه و دانش نقش داشت. این مسیر در قرن چهاردهم خورشیدی ادامه یافت. تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، شکل‌گیری نخستین دانشگاه جامع به شیوه نوین در ایران را رقم زد و به توسعه آموزش عالی کشور کمک کرد. در چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹، برابر با ۲۴ آوریل ۱۹۴۰، رادیو ایران در تهران آغاز به کار کرد؛ رسانه‌ای که خبر، موسیقی و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی را به خانه‌ها برد. از روزنامه تا مدرسه، دانشگاه و رادیو، بخشی از داستان تهران، داستان گسترش آگاهی در ایران است.



سه روایت تهران در میراث جهانی

استان تهران در سه پرونده میراث جهانی یونسکو سهم دارد. کاخ گلستان به‌صورت مستقل ثبت شده است و کاروانسرای سنگی پرند و بخش‌های واقع در استان از راه‌آهن سراسری ایران، اجزای دو پرونده سراسری‌اند. این سه اثر، از سه مسیر به تاریخ این سرزمین راه می‌برند: حکومت و هنر، سفر و تجارت، و مهندسی و ارتباطات. کاخ گلستان، در مرکز تاریخی تهران، حافظه معماری و سیاسی پایتخت قاجار است. پیشینه مجموعه به دوره صفوی می‌رسد، اما بیشتر بناها و آرایه‌های شاخص آن در عصر قاجار شکل گرفته‌اند. تالارها، کاشی‌کاری‌ها و باغ مجموعه، از پیوند سنت‌های ایرانی با تأثیرات هنر و معماری اروپایی خبر می‌دهند. گلستان در دوم تیر ۱۳۹۲، برابر با ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳، در فهرست میراث جهانی ثبت شد؛ عرصه ثبت‌شده آن ۵٫۳ هکتار است.

در جنوب‌غرب استان، کاروانسرای سنگی پرند، معروف به قلعه سنگی، یادگار شبکه تاریخی سفر و دادوستد است. بنایی با مصالح سنگی و حیاط مرکزی که در ارزیابی ایکوموس، از نمونه‌های دوره سلجوقی معرفی شده است. این کاروانسار در شهریور ۱۴۰۲، همراه با پرونده «کاروانسراهای ایرانی»، به ثبت جهانی رسید و یکی از ۵۴ جزء آن است. حضور چنین بنایی در کنار شهر جدید پرند، پیوند مسیرهای کهن با جغرافیای زندگی امروز را آشکار می‌کند.

راه‌آهن سراسری ایران، سومین روایت است. این مسیر ۱۳۹۴ کیلومتری، از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۷ خورشیدی ساخته شد و در سوم مرداد ۱۴۰۰، برابر با ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱، ثبت جهانی شد. سهم تهران از این میراث، بخش‌هایی از مسیر تاریخی و تأسیسات آن است؛ ایستگاه مرکزی تهران نیز در چارچوب همین اثر سراسری قرار دارد. ارزش راه‌آهن، هم در مهندسی عبور از زمین‌های دشوار است و هم در تغییری که در ارتباطات، سفر و اقتصاد ایران ایجاد کرد.



تور سفر از مشاهده

خسارت‌های جنگ تا معرفی ظرفیت‌های پایتخت

تهران، استوار پیش چشم جهان

تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری، با فعالیت ۱۲ پارک، رتبه نخست کشور را دارد. فعالیت ۵۱۵ واحد دانش‌بنیان صنعتی در حوزه‌های دارو، برق، تجهیزات پزشکی و قطعات خودرو نیز، تهران را در این شاخص پیش‌تاز کرده است. این ظرفیت، زمینه توسعه تولید تخصصی و اشتغال جوانان را فراهم می‌کند.

استفاده از ظرفیت موجود کارخانه‌ها نیز در همین مسیر قرار گرفته است. صدور نزدیک به ۲۰۰ مجوز «تولید بدون کارخانه» به صاحبان محصول امکان می‌دهد از خطوط تولید بنگاه‌های دیگر استفاده کنند و نیاز به زمین و ساختمان تازه را کاهش دهند. تهران در صدور این گواهی‌ها، تعداد کارت‌های بازرگانی و استقرار واحدهای صنعتی تولیدی در مقیاس صنعتی پیش‌تاز است؛ عملکرد حوزه صنعت، معدن و تجارت نیز در ارزیابی جشنواره شهید رجایی رتبه نخست را به همراه داشته است. رتبه نخست ثبت و جذب نیروی کار، حلقه اتصال این فعالیت‌ها به بازار اشتغال استان است.

اقتصاد بزرگ تهران به فرصت‌های تازه می‌رسد

حدود یک‌سوم تولید ناخالص داخلی کشور در تهران شکل می‌گیرد. بیش از ۵۲ درصد سپرده‌های بانکی و همین سهم از مالیات تحقق‌یافته کشور، همراه با فعالیت یک چهارم واحدهای صنعتی ایران در استان، ابعاد ملی این اقتصاد را نشان می‌دهد. پیگیری تأمین مالی تولید و رفع موانع سرمایه‌گذاری در مدیریت استان، راه به‌کارگرفتن این توان برای گسترش فعالیت بنگاه‌ها و اشتغال است. رتبه نخست جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۴۰۴ و جذب منابع اضطراری تبصره ۱۵، در کنار عملکرد شاخص در منابع تبصره ۱۸، بخشی از کارنامه این حوزه را تشکیل می‌دهد.

جهت توسعه نیز با محدودیت‌های تهران هماهنگ شده است. استقرار بیش از ۵۲ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان، ۷۲ درصد کارخانه‌های نوآوری، ۱۸ دانشگاه مرجع و حدود ۷۰ درصد نخبگان کشور، پشتوانه اولویت‌دادن به فعالیت‌های فناورانه است. استان در

گردشگری تهران با سرمایه‌گذاری جان می‌گیرد

معرفی تهران به مهمانان خارجی، به ظرفیت مناسب میزبانی نیاز دارد. استان در صدور موافقت‌اصولی و مجوز تأسیسات گردشگری، تعداد پروژه‌های در حال ساخت و حجم سرمایه‌گذاری، رتبه نخست کشور را دارد. پیش‌تاز در پروانه‌های بهره‌برداری هتل‌ها، مجتمع‌ها، صنایع دستی و دفاتر خدمات مسافرتی بند «ب» و مجوزهای استانداردسازی نیز بخش دیگری از این کارنامه است. افزایش ۱۴۳ تخت اقامتی، دستاوردی در این مسیر است و توسعه هتل‌های پنج‌ستاره و استفاده از مشوق‌های شورا و شهرداری برای جذب بخش خصوصی ادامه افق، نیاز اعلام‌شده به حداقل ۱۰۰ هتل، افق توسعه امکانات میزبانی رویدادهای بین‌المللی را نشان می‌دهد.

گردشگری سلامت، با اتکا به پزشکان متخصص و بیمارستان‌های فوق‌تخصصی، با همکاری وزارتخانه‌های بهداشت و گردشگری پیگیری می‌شود. برای دسترسی بهتر مردم به مجموعه‌های فرهنگی و تاریخی نیز، مذاکره استاندار با وزیر میراث فرهنگی و معاون اول رئیس‌جمهور به تهیه طرح واگذاری تصدی‌گری مجموعه‌ها به ادارات کل استانی رسیده است؛ طرحی که اجرای آن همچنان نیازمند طی مراحل تصمیم‌گیری است. حمایت از بوم‌گردی و صنایع دستی در شهرستان‌ها، با حفاظت از محیط‌زیست، می‌تواند دامنه منافع گردشگری را گسترش دهد.



آپرین و شهر فرودگاهی، راه تهران را به بازارهای تازه باز می‌کنند

راه‌اندازی بندر خشک آپرین و فعال شدن ظرفیت منطقه آزاد شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)، امکان تازه‌ای برای پیوند شبکه ریلی، جاده‌ای و هوایی تهران فراهم کرده است. پیگیری رفع موانع گمرکی و تسهیل ورود و ترخیص کالا و مواد اولیه، با هماهنگی دستگاه‌های اجرایی استان، این زیرساخت‌ها را به پشتیبان تولید و تجارت تبدیل می‌کند. منطقه آزاد نیز می‌تواند با جذب سرمایه و توسعه خدمات لجستیکی، سهم بیشتری در صادرات استان و کشور پیدا کند. این ظرفیت ارتباطی، پشتوانه تأمین کالاهای مورد نیاز مردم نیز هست.

بازار بزرگ و شبکه گسترده اصناف تهران، توزیع کالا را به سراسر کشور پیوند می‌دهند. برای تقویت نظارت، قرارگاه فرماندهی واحد بازار، با جمعیت ظرفیت ۱۲۰۰ بازرس و تقسیم تهران به هفت پهنه، شکل گرفته است. نظارت محله‌ای، خودنظارتی اصناف و اتصال سامانه‌ها نیز دنبال می‌شود تا پایش موجودی، قیمت و توزیع هماهنگ‌تر باشد. کنار هم قرارگرفتن تسهیل تجارت و نظارت بر بازار، به پایداری عرضه و حمایت از مصرف‌کننده کمک می‌کند.



کشاورزی تهران با بهره‌وری پیش‌تاز است

بیش از ۵۵۰۰ هکتار گلخانه، تهران را در سطح زیرکشت و تولید محصولات گلخانه‌ای به رتبه نخست کشور رسانده است. استان در تولید گیلاس، گوجه‌سبز، توت و شاه‌توت و نیز خیار و بادمجان گلخانه‌ای پیش‌تاز است. حفظ این جایگاه، با توسعه مدیریت‌شده گلخانه‌ها، آبیاری نوین و تکمیل زنجیره صنایع غذایی دنبال می‌شود تا ارزش تولید افزایش یابد و مصرف آب با محدودیت منابع تناسب پیدا کند. پشتیبانی از تولید به زیرساخت انرژی نیز وابسته است. طرح تجمیعی ۱۰۰ مگاواتی خورشیدی برای تأمین برق چاه‌های کشاورزی در دست پیگیری است و حدود نیمی از چاه‌ها هوشمندسازی شده‌اند. تأمین مالی بخش باقی‌مانده، در کنار استفاده از پساب تصفیه‌شده برای مصارف مجاز، می‌تواند به پایداری تولید و کاهش فشار بر منابع زیرزمینی کمک کند.

تور یک‌روزه تهران‌گردی برای سفرای مقیم و خانواده‌های آنان، با پیش‌بینی پوشش بیش از ۱۵۰ خبرنگار داخلی و خارجی، قرار است تصویری از زندگی جاری، توان علمی و ظرفیت‌های فرهنگی پایتخت را به جهان نشان دهد؛ روایتی که بر تجربه بازدیدهای پیشین بنا شده است.

این بار تهران، خود میزبان روایت خویش می‌شود. سفرای مستقر در پایتخت و خانواده‌های آنان دعوت شده‌اند تا در یک برنامه یک‌روزه، از جاذبه‌های گردشگری، مراکز علمی و دیگر ظرفیت‌های استان دیدن کنند. برنامه‌ریزی برای این رویداد، با پیش‌بینی پوشش بیش از ۱۵۰ خبرنگار داخلی و خارجی، بخشی از تلاش برای معرفی واقعیت‌های امروز تهران است؛ شهری که جنگ به آن آسیب زده، اما زندگی، تولید و خدمت در آن ادامه دارد.

این مسیر، سال گذشته در نخستین دوره هفته فرهنگی تهران، با برگزاری اولین تور تهران‌گردی استانداری آغاز شد. محمدصادق معتمدیان، همراه اصحاب رسانه، از کاخ گلستان تا محدوده خیابان سی‌تیر، در برنامه‌ای حضور یافت که با همکاری مجموعه‌های شهری و فرهنگی شکل گرفته بود. توجه مدیریت استان به تهران‌گردی، شناخت پایتخت را به تجربه‌ای میدانی پیوند زد و زمینه‌ای برای همکاری دستگاه‌ها در معرفی ظرفیت‌های شهر فراهم کرد.

پس از حصادات جنگ نیز، بازدید میدانی سفر، گردشگران و خبرنگاران از مناطق آسیب‌دیده، وجه دیگری از همین رویکرد را آشکار کرد. این بار مسیر بازدید، به مرکز درمانی گاندی، منازل مسکونی رسالت، کاخ گلستان و کنیسه رفیع‌نیا رسید. با حضور و هدایت استاندار، نمایندگان سیاسی و رسانه‌ای توانستند خسارت‌های واردشده به زندگی مردم، خدمات درمانی و اماکن فرهنگی و مذهبی را از نزدیک ببینند. تهران، رنج شهروندان و آسیب‌های پایتخت را در برابر نگاه کسانی قرار داد که مشاهده‌اشان می‌تواند به مراکز تصمیم‌گیری و رسانه‌های کشورهای دیگر منتقل شود.

اهمیت بین‌المللی چنین بازدیدهایی در امکان مشاهده مستقیم است. حضور در یک محله آسیب‌دیده، دیدن وضعیت یک مرکز درمانی و مواجهه با آثار حمله، به گزارش دیپلماتیک و رسانه‌ای جزئیات انسانی می‌دهد. این تجربه، امکان ثبت مستند خسارت‌ها و طرح روشن‌تر ابعاد انسانی آنها را فراهم می‌کند. روایت تهران، با این شیوه، از پشت میزهای رسمی به میدان زندگی مردم راه می‌یابد و امکان پرسش، مشاهده و بررسی پیدا می‌کند. تور پیش‌رو، این روایت را ادامه می‌دهد. سفر و خانواده‌هایشان قرار است با شهری آشنا شوند که مراکز علمی، فعالیت‌های فرهنگی، توان اقتصادی و زندگی روزمره آن با برجاست. کنار هم قرارگرفتن تجربه بازدید از خسارت‌ها و مشاهده ظرفیت‌های امروز، می‌تواند تصویری کامل‌تر از تهران ارائه کند؛ پایتختی که آثار جنگ را در حافظه خود دارد و هم‌زمان برای بازسازی، پیشرفت و حفظ جریان زندگی کار می‌کند.

پیام صلح و ثبات، در چنین برنامه‌ای، با آنچه مهمانان می‌بینند معنا پیدا می‌کند. معرفی توان دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و صنعت گردشگری می‌تواند زمینه گفت‌وگو درباره همکاری‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی را نیز گسترش دهد. همراهی خانواده‌های سفر، فرصت آشنایی نزدیک‌تر با فضای اجتماعی شهر را فراهم می‌آورد و پوشش رسانه‌ای پیش‌بینی شده، دامنه این تجربه را فراتر از جمع بازدیدکنندگان می‌برد.

در مدیریت این مسیر، معرفی تهران با کار روزانه برای اداره آن پیوند خورده است. شهری که می‌خواهد از آرامش، اقتدار و امید خود با جهان سخن بگوید، این پیام را با استمرار خدمات و تلاش برای بهبود زندگی مردم معتبر می‌کند. تور سفر می‌تواند این پیوند را پیش چشم مخاطبان جهانی قرار دهد و پیام روشنی منتقل کند: تهران استوار مانده و راه پیشرفت آن ادامه دارد.

فرهنگ تهران از ظرفیت به مشارکت می‌رسد

حدود ۳۵ هزار مرکز فرهنگی در تهران فعال‌اند و بیش از نیمی از ظرفیت‌های صنعتی فرهنگی کشور در استان قرار دارد. پنج هزار چاپخانه، نه هزار انتشاراتی و ۳۴۰۰ مؤسسه فرهنگی و هنری، همراه با سهم ۴۰ درصدی از انتشار و توزیع مطبوعات کشور، شبکه گسترده‌ای برای تولید و انتقال محتوا ساخته‌اند. اجرای روزانه حدود ۱۵۰ نمایش دارای مجوز و بیش از ۱۰ برنامه موسیقی و کنسرت نیز، تصویری از جریان فعالیت هنری پایتخت ارائه می‌کند.



هفته فرهنگی تهران، فرصتی برای نزدیک‌کردن این شبکه به مردم است. هماهنگی دستگاه‌های فرهنگی و مدیریت شهری، تهران‌گردی دانش‌آموزان، دانشجویان و رسانه‌ها، نشست‌های تهران‌پژوهی و مسابقات عکاسی و نقاشی را در یک برنامه مشترک قرار داده است. «زنگ تهران» در مدارس و اختصاص زمانی از کلاس به شناخت پایتخت، پیوند نسل تازه با محل زندگی‌اش را تقویت می‌کند. تخفیف‌های پیش‌بینی‌شده در موزه‌های آماده خدمت، سینماها و مراکز نمایش و برنامه تکریم نخبگان علمی و افتخارآفرینان ورزشی نیز، دامنه مشارکت را گسترش می‌دهد. رسانه‌ها و شبکه تهران، با معرفی این فرصت‌ها و انعکاس خدمات، در دسترس‌پذیر شدن برنامه‌ها نقش دارند.

کنترل بارگذاری، ساماندهی صنعت و توسعه خدمات شهرستان ها، مسیر کاهش فشار بر پایتخت و دسترسی متوازن تر مردم به امکانات است.

بخشی از فشار امروز برآب، انرژی و خدمات تهران، حاصل سال ها گسترش جمعیت و ساخت وساز فراتر از ظرفیت زیرساخت هاست. پیگیری مشترک استان های تهران و البرز، به تصویب طرح ۲۴ پندی ساماندهی و تمرکززدایی در دولت رسیده است. این چارچوب، بارگذاری را به رشد طبیعی جمعیت و طرح های جامع مصوب پیوند می دهد و افزایش تراکم و توسعه افقی و عمودی خارج از آن را مجاز نمی داند. حفظ کاربری های آموزشی و خدماتی نیز، برای جلوگیری از کاهش امکانات مورد نیاز محله ها دنبال می شود.

ساماندهی حریم، بخش اجرایی همین رویکرد است. رفع تداخل مدیریت با ۳۱ شهر، تعیین حدود حریم و بررسی مجوزها در کارگروه زیربنایی استانداری، به هماهنگ شدن تصمیم ها کمک می کند. حفاظت از باغ ها و اراضی کشاورزی و مقابله با ساخت وساز غیرمجاز، برای پیشگیری از شکل گیری سکونتگاه های فاقد خدمات ضرورت دارد.

در صنعت، اخذ مصوبه دولت در اردیبهشت ۱۴۰۵ برای ساماندهی ۳۸ لکه صنعتی، مسیر تعیین تکلیف بیش از ۲۰ هزار واحد تولیدی را باز کرده است. این اقدام برای نخستین بار در کشور، در قالب برنامه ای دوساله آغاز شده و با هدف مهار پراکندگی، ساماندهی خدمات و تقویت امکان نظارت پیش می رود. اولویت توسعه نیز به فعالیت های دانش بنیان، پیشرفته، کم آب بر و غیرآلاینده داده شده است. گسترش خدمات شهرستان ها، این سیاست را تکمیل می کند تا نیاز به مراجعه به مرکز تهران کاهش یابد.



آب دوباره به پرخه زندگی بازمی گردد

پایداری آب تهران، به توسعه تأمین و استفاده دوباره از آب مصرف شده وابسته است. پیگیری انتقال آب طالقان و تکمیل رینگ قمر بنی هاشم، در کنار طرح های محلی، در این مسیر قرار دارد. در رباط کریم، مجموعه چاه ها، خطوط انتقال، ایستگاه پمپاژ و مخزن ۱۰ هزار مترمکعبی با اعتبار حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان به بهره برداری رسیده است؛ اقدامی برای تقویت آبرسانی در یکی از شهرستان های دارای رشد جمعیت.

در بخش فاضلاب، ۶۳ درصد جمعیت شهری و روستایی استان تحت پوشش قرار دارد. تفاوت میان شهرها، ضرورت ادامه توسعه شبکه را نشان می دهد: پوشش جمعیتی تهران ۸۵ درصد و پردیس ۹۷ درصد است و در شهرهایی مانند اسلامشهر و رباط کریم، گسترش خدمات همچنان باید ادامه یابد. در مقیاس استان، ۳۵ تصفیه خانه با ظرفیت سالانه ۵۵۸ میلیون مترمکعب در مدار بهره برداری است. هدف پایان برنامه هفتم، رسیدن به ۴۵ تصفیه خانه و ظرفیت ۷۵۵ میلیون مترمکعب است تا امکان استفاده از پساب برای کشاورزی، فضای سبز و مصارف غیرشرب افزایش یابد.

در بازدید میدانی محمدصادق معتمدیان از مجموعه تصفیه فاضلاب در ری، پیگیری تکمیل پروژه با رفع موانع اجرایی پیوند خورد. این مجموعه، زنجیره ای از بازیابی منابع را در بر می گیرد: تولید پساب، استحصال گاز از فرایند تصفیه و تبدیل آن به برق، و فرآوری لجن با فناوری جدید و سرمایه گذاری خصوصی برای تولید کود قابل صادرات. پروژه با سرمایه گذاری بیش از ۱۶ هزار میلیارد تومان، ۹۴ تا ۹۵ درصد پیشرفت دارد و بهره برداری آن برای دهه فجر هدف گذاری شده است. همکاری وزارت نیرو و پیگیری استان، برای تکمیل این ظرفیت ادامه دارد؛ ظرفیتی که فاضلاب را به منبعی برای آب، انرژی و تولید تبدیل می کند.



تهران هوشمند برای وقت مردم

آغاز پروژه تهران هوشمند، ظرفیت علمی استان را به نیازهای اداره آن پیوند می دهد. تجمیع داده های دستگاه ها، با حمایت معاونت علمی و مشارکت شرکت های دانش بنیان، برای تصمیم گیری دقیق تر و هماهنگی خدمات پیگیری می شود. توسعه خدمات برخط، اصلاح فرایندهای اداری و استفاده از دورکاری، می تواند بخشی از مراجعات و سفرهای غیرضروری را کاهش دهد. ارزش این برنامه در نتیجه ای است که مردم احساس می کنند: انجام آسان تر کار اداری، رفت و آمد کمتر و دسترسی سریع تر به خدمات. پیوند مدیریت داده با برنامه های حمل و نقل، آب، انرژی و خدمات محلی، فرصتی برای به کارگرفتن توان دانشگاه ها و بنگاه های فناوری در حل مسائل روزمره تهران فراهم می کند.



جهد خورشیدی برای پایداری انرژی

ظرفیت برق خورشیدی تهران از ۲۳ مگاوات به بیش از ۴۰۰ مگاوات رسیده و افزایشی نزدیک به ۲۰ برابر را ثبت کرده است. مشارکت بخش خصوصی و پیگیری تأمین زمین، مجوزها و اتصال به شبکه در کمیته هفتگی انرژی استان، پشتوانه ادامه این مسیر است. حدود ۱۵۰۰ مگاوات پروژه در دست اجرا قرار دارد و عبور ظرفیت بهره برداری شده از هزار مگاوات تا پایان سال، هدف گذاری شده است.

گسترش نیروگاه های کوچک مقیاس و نصب پنل در مدارس، مساجد و ادارات نیز دنبال می شود تا تولید برق پاک، در نقاط بیشتری از استان توسعه یابد. این اقدامات، همراه با تقویت شبکه و مدیریت مصرف، می تواند به کاهش ناترازی انرژی و پایداری برق تولیدکنندگان و خانوارها کمک کند.



راه هوای پاک از حمل و نقل عمومی می گذرد

در تهران، تغییر الگوی رفت و آمد، بخشی از برنامه کاهش آلودگی هوا و مصرف سوخت است. روزانه حدود ۲۰ میلیون سفر در شهر انجام می شود و در تصویر کلی استان، سهم حمل و نقل عمومی حدود ۳۰ درصد است. توسعه مترو، قطارهای جومه ای و ریل باس در مسیر ۱۲ شهرستان، همراه با نوسازی اتوبوس و تاکسی، برای افزایش این سهم دنبال می شود. توجه رئیس جمهور به سهم ۴۳ درصدی سفرهای شغلی نیز، تدوین برنامه هایی برای اصلاح الگوی فعالیت و کاهش تردد را در دستور کار دولت قرار داده است. متروی تهران با ۳۱۰ کیلومتر مسیر در هفت خط و ۱۶۳ ایستگاه فعال، بخش مهمی از این جابه جایی را بر عهده دارد. رایگان شدن خدمات در شرایط اخیر، سهم آن را از ۷،۴ به ۹،۶ درصد رسانده است. شهرداری تهران، با حمایت وزارت کشور و شورای شهر، توسعه خطوط جدید از جمله ۸ و ۹ و خرید قطار و واگن را پیگیری می کند.

نوسازی ناوگان فرسوده نیز با فراهم شدن مجوز ورود خودروهای برقی و هیبریدی با منشأ آرز خارجی، از مسیر منطقه آزاد و گمرکات پیش می رود. برنامه شهرداری برای جایگزینی و نوسازی حدود ۱۵۰ هزار تاکسی، اقی این اقدام را مشخص می کند. تحقق تدریجی آن، همراه با تقویت اتوبوسرانی و پیگیری اجرای قانون هوای پاک، می تواند زمان سفر، مصرف سوخت و آلودگی را کاهش دهد.



چراغ زندگی روشن ماند

در جنگ های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، تهران سهم سنگینی از حملات را تحمل کرد، اما خدمت رسانی ادامه یافت. ترمیم بیش از ۱۲۰۰ نقطه آسیب دیده شبکه برق، استمرار فعالیت ۳۸۶ جایگاه سوخت و حفظ خدمات آب، گاز و درمان، به هماهنگی شبانه روزی دستگاه ها و حضور کارکنان در میدان متکی بود. ذخیره آرد برای بیش از ۴۵ روز ۱۱ هزار نانوا و شبکه توزیع محله ای، با همراهی اصناف و بازاریان، پشتوانه دسترسی مردم به نان و کالاهای اساسی شد. نیروهای امدادی، انتظامی و داوطلبان مردمی نیز در حفظ امنیت و آرامش محله ها نقش داشتند. این تجربه، اهمیت مدیریت هماهنگ و مشارکت محلی را آشکار کرد. ظرفیت مساجد، تشکله ها و گروه های داوطلب، در کنار سازمان های خدماتی، به پشتیبانی از مردم کمک کرد. تهران، هم زمان با حفظ خدمات ضروری، پیگیری طرح های عمرانی و توسعه ای را ادامه داد؛ تداومی که بخشی از معنای استواری پایتخت است. جشنواره شهید رجایی ۱۴۰۵ با رویکرد «طلوع ایثار»، این تلاش را به رسمیت شناخت. دامنه تقدیر از مدیران به کارکنان، کارگران و خدمتگزارانی گسترش یافت که در روزهای جنگ مسئولیت خود را ادامه داده بودند. از میان ۸۰ معرفی شده، ۱۳ نفر با بررسی شاخص ها و مستندات برگزیده شدند؛ از معلمی که آموزش را در مسجد روستا ادامه داد تا آتش نشان، کارکنان آب و برق و نیروهای درمانی. تکریم این افراد، یادآور سهم کسانی است که پایداری تهران بر کار روزانه آنان استوار مانده است.

زندگی و توسعه در تهران ادامه دارد

رشد تهران در چارچوب توان تهران



مدرسه بیشتر و درمان نزدیک تر

دسترسی عادلانه به آموزش، با ساخت مدرسه و تأمین زمین در مناطق کم برخوردار دنبال شده است. بیش از سه هزار کلاس درس احداث شده و سه هزار کلاس دیگر در دست ساخت است. سرانه فضای آموزشی از ۵،۲۸ به ۵،۷۹ مترمربع افزایش یافته و جایگاه استان حدود نه پله ارتقا پیدا کرده است. تأمین بیش از ۷۰ هکتار زمین و همکاری دولت، شهرداری ها، خیرین و صنایع، پشتوانه ادامه نهضت مدرسه سازی است.

مسئولیت اجتماعی صنایع نیز به اقدامی مشخص رسیده است: ۱۲ مدرسه در جوار واحدهای صنعتی، که دو مدرسه آن به بهره برداری رسیده و ۱۰ مدرسه در حال ساخت است. در کنار احداث فضاهای تازه، ساماندهی قانونی سکونت و اشتغال اتباع و مدیریت ظرفیت کلاس های موجود، در برنامه کاهش فشار آموزشی قرار دارد. توسعه تجهیزات و هوشمندسازی مدارس نیز دنبال می شود تا افزایش فضا با بهبود کیفیت آموزش همراه باشد. در درمان، تفاوت برخورداری شهر تهران و شهرستان ها، جهت سرمایه گذاری را مشخص کرده است. ادامه طرح های آغازشده در دولت های گذشته، با توجه ویژه رئیس جمهور و تخصیص منابع در دوره کنونی، به پیگیری تکمیل ۱۶ پروژه درمانی رسیده است؛ پروژه هایی که پس از بهره برداری، ۶۸۰۰ تخت بیمارستانی اضافه خواهند کرد. آغاز پذیرش بیمار در اسلامشهر و پیشرفت طرح های ورامین و پیشوا، بخش هایی از این مسیر است. تخصیص بیش از هزار میلیارد تومان منابع استانی در سال گذشته و توسعه خانه های بهداشت، مراکز جامع سلامت و اورژانس، با هدف نزدیک شدن خدمات به محل زندگی مردم ادامه دارد.



پاسخ باستان‌شناسان ایرانی به سخنرانی ضدایرانی مارکوروپیو در آتن:

تاریخ با روایت هالیوودی ساخته نمی‌شود



تخت جمشید

باستان‌شناسی مدرن پدید نیامده بود و او ماجرای جنگ‌های ایران و یونان را صرفاً از روی همان متون باقی‌مانده از یونانیان می‌خواند. اما شگفتی تاریخ در اینجاست که حتی همان متون یونانی، با وجود تمام خصوصت‌ها، کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌های آشکار نویسندگانشان با ایرانیان، نتوانستند بزرگی تمدن ایران را کتمان کنند؛ این کتاب‌ها سرشار از تمجید، ستایش و بزرگداشت اخلاق والای کوروش بزرگ و کیاست، تدبیر و توانمندی مدیریتی داریوش بزرگ است. شاهنشاهی هخامنشی حدود ۲۲۰ سال با اقتدار تمام بر بخش اعظم جهان متمدن و شناخته‌شده آن روزگار فرمان راند و این‌پایداری طولانی مدت، به‌وضوح ثابت می‌کند که این شاهنشاهی بر پایه‌هایی عمیق عادلانه و استوار بنا شده بود.»

به تجاوز آتنی‌ها بود

«دوره خشایارشا، سپر داریوش بزرگ، سپاه ایران برای تنبیه و پاسخ به این تجاوز [آتش زدن سارد] به یونان لشکر کشید.» این آغاز تحلیل موشکافانه دکتر سخنرانی اخیر مارکو روییو، وزیر خارجه آمریکا، در تپه پینیکس آتن با پس‌زمینه معبد پارثنون است؛ سخنرانی مناقشه‌برانگیزی که کوشید با دستکاری تاریخ نبردهای ایران و یونان در ۲۵۰۰ سال پیش، برای سیاست‌های هژمونیک و جنگی افروزانه امروز غرب پایه‌ای فلسفی و تمدنی برنهد. ملکزاده در گفت‌وگو با روزنامه ایران به کالبدشکافی دقیق اسناد باستانی، رویکرد یک‌سویه غرب، اعترافات ناپلئون، ماهیت مهاجرتی آمریکا و تقابل آن با هویت‌های ریشه‌دار تاریخی، به تمامی ادعاهای روییو پاسخ داد.

حسرت تاریخی ناپلئون بناپارت

ملکزاده با تبیین وضعیت منابع تاریخی نبردهای مشرق‌زمین و غرب تأکید کرد: «روایت جنگ‌ها عمدتاً از سوی یونانیان برای ما باقی مانده است و متأسفانه ما روایت مکتوب و رسمی پاریس را در دست نداریم. این دقیقاً همان نکته‌ای است که ناپلئون بناپارت در کتاب یادداشت‌های سنت‌هلن به‌روشنی ثبت کرده است؛ ناپلئون می‌نویسد: «ای‌کاش در کنار این همه گفته‌ها و ادعاهای یونانیان، روایت خود ایرانیان از این جنگ‌ها را هم در اختیار داشتیم و ناچار نبودیم یک‌طرفه قضاوت کنیم.»

ملکزاده با اشاره مجدد به نگاه ستایش‌آمیز ناپلئون به ایران باستان افزود: «ناپلئون بناپارت یک نابغه نظامی، شخصیتی اهل مطالعه و علاقه‌مند جدی به تاریخ و فرهنگ بود که در سودای ساختن جهانی نو حرکت می‌کرد؛ این شخصیتی مانند ناپلئون، شاهنشاهی هخامنشی با آن وسعت و شکوه می‌توانست یک الگو و سرمشق واقعی باشد. در روزگار ناپلئون هنوز گاو‌ش‌ها و

آرام و مداراگر، نتایجی بسیار بهتر و سازنده‌تر برای تمدن بشری به بار می‌آورد.»

الگوی تساهل ایرانی در مصرو بابل
وی با برشمردن شواهد رفتار مداراگرایانه شاهان هخامنشی در ملل تابعه افزود: «در مصر باستان، پادشاهان هخامنشی رسماً عنوان و جایگاه «فرعون» را پذیرفتند و به ساختارها و باورهای دینی مردم دست نزدند؛ در نتیجه ادبیات، هنر و خط مصری به حیات خود ادامه داد و در سنگ‌نوشته‌ها صرفاً نام پادشاه تغییر می‌کرد. در تمدن کهن بابل نیز اسناد و کتیبه‌های تاریخی گواهی می‌دهند که پس از پایان پادشاهی نوینبید و آغاز سلطنت کوروش و کمبوجیه، معابد بازسازی شدند، مردم به حیات باورهای خود ادامه دادند و جریان کشاورزی، هنر، شعر و دادوستد پابرجا ماند؛ هخامنشیان هرگز زندگی بابلی‌ها را آشفته و مختل نکردند.» اما درست در نقطه مقابل بنگرید که پس از برافتادن شاهنشاهی هخامنشی بر سر ایران چه آمد؛ با تهاجم اسکندر مقدونی، جهان ایرانی دگرگون شد، زبان فارسی باستان و ساختار دیوان‌سالاری کهن ایرانی از میان رفت و دهه‌ها طول کشید تا پارت‌ها و اشکانیان از دل خراسان بزرگ سربرآورند و هویت کبان فرهنگی ایران را احیا کنند. ملکزاده با بررسی سیر تحول قدرت در دوران مدرن خاطرنشان کرد: «پس از وقوع انقلاب صنعتی در اروپا، کانون ثروت و فناوری جهان به غرب منتقل شد؛ رویداد بنیادینی که در مشرق‌زمین رخ نداد. اروپا با بهره‌گیری از ماشین‌بخار و جهش‌های علمی به‌سرعت رشد کرد و دهه‌ها بعد به اختراع، ساخت بمب اتمی و فرستادن انسان به کره ماه دست یافت. اما همین قدرت‌های نوظهور غربی نیز دست در امتداد خوی تاریخی امپراطوری‌ها، به دنبال دستیابی به مواد خام و بویژه نفت افتادند و جنگ‌های خونین و بزرگی را برای انرژی به راه انداختند. پس از انتقال مرکز ثقل قدرت به غرب، اروپایی‌ها دو جنگ ویرانگر جهانی را رقم زدند که میلیون‌ها کشته بر جای گذاشت. در همین چارچوب است که می‌بینیم آمریکا برای تسلط بر منابع عظیم انرژی، به کشوری مانند ونزوئلا تهاجم می‌آورد و رئیس‌جمهوری آن را ساقط و دستنگیر می‌کند؛ چرا که تمام این هخامنشیان بر ستاسر یونان مسلط می‌شدند، زندگی روزمره، علم و هنر یونانیان درست همانند آنچه در بابل، مصر و لودیبه رقم خورد، زیر چتر تسامح و مدیریت هخامنشیان ادامه می‌یافت. این فرضیه‌ای است که حتی فیلسوف بزرگی چون هگل در فلسفه تاریخ خود مطرح می‌کند.

هگل می‌نویسد حتی اگر ایرانیان در جنگ‌های ایران و یونان به پیروزی نهایی می‌رسیدند، لطمه خاصی به مسیر تاریخ جهان وارد نمی‌شد و چه‌یسا تمرکز نبره‌ها و سرمایه‌ها در چارچوب یک شاهنشاهی متحد،

خورده است. وضعیت آمریکا شبیه کشوری مثل استرالیاست؛ همان‌طور که انگلیسی‌ها مجرمان، جانیان، خائنان و محکومان خود را به خاک استرالیا تبعید می‌کردند و آن کشور با چنین جمعیتی پایه‌ریزی شد، آمریکا نیز سرزمینی است که مردمان ازهمه‌جامانده و ازهمه‌جاراننده از سراسر جهان، به امید یک لقمه نان و زندگی بهتر و فرصت‌های مادی تازه به آن مهاجرت کردند. بنابراین، شاید کشورهای اروپایی نتوانند خود را تا حدی حاصل‌ظهور و گردهمایی فرهنگ غرب، یونان و روم باستان بدانند، اما آمریکا را به‌هیچ‌وجه نمی‌توان نتیجه طبیعی تکامل یونان و روم قلمداد کرد؛ آمریکا کشوری مهاجری‌پرست که با هجوم مردمان مختلف ساخته شده است.»

تقابل شرق و غرب؛ ریشه‌ای دیرینه در بستر تاریخ
علی‌هژری، باستان‌شناس و پژوهشگر تاریخ باستان، نیز در گفت‌وگو با روزنامه ایران، استدلال‌های روییو را فاقد ارزش تاریخی و برآمده از ناآگاهی دانست و به تبارشناسی نگاه غرب به شرق و تفاوت بنیادین فلسفه تمدنی ایران پرداخت.

هژری رو سخنان روییو را بازتولید یک دوقطبی کهن دانست و گفت: «این دوگانه‌سازی و اینکه خود را برحق بدانند، مسأله امروز نیست؛ این رابطه تاریخی درازمدت بین ابرقدرت‌های شرق و غرب همواره وجود داشته است. در طول تاریخ، هر یک از این دو قطب خود را در موضع حق می‌دیدند، اما تفاوت در جهان‌بینی آنها بسیار بنیادین است.»

«بربر» در برابر «انیرانی»

این باستان‌شناس با اشاره به ترمینولوژی و بار معنایی واژگان در دو فرهنگ تأکید کرد: «یونانی‌ها هر ملتی غیر از خود را «بربر» یعنی وحشی و نامتمدن می‌نامیدند؛ در نگاه آنان ما هم بربر محسوب می‌شدیم. اما ایرانیان بر پایه چارچوب‌های اخلاقی و جهان‌بینی خاص خود، اقوام دیگر را «انیرانی» (غیرایرانی) می‌خواندند، نه وحشی. تنها در همین تفاوت واژگانی می‌توان دید که نگاه یک ایرانی به بیگانه چه بود و نگاه یک یونانی چگونه تعریف می‌شد. در ذهنیت غربی این تصور شکل گرفت که «ما متمدنیم و بقیه وحشی هستند و باید متمدن شوند؛» همان تفکری که در سده‌های ۱۵، ۱۶ میلادی با استعمار اروپایی و غارت دیگر قاره‌ها تکرار شد.»

هژری در پاسخ به تصویرسازی از ایران به‌عنوان نیروی مخرب در فتح یونان و مصر اظهار کرد: «نگاه ایرانیان هرگز نگاه سلطه‌گرانه و تحقیرآمیز نسبت به فرهنگ مغلوب نبود. حضور ایرانیان در دوران ساسانی تا شرق آفریقا و زنگبار امتداد یافت و مصر نیز در دوران کمبوجیه، داریوش و خشایارشا در قلمرو ایران بود. اما وقتی داریوش به مصر رفت، به باورها و ساختار فرهنگی مصر احترام گذاشت و کوروش در بابل

معبد مردوخ را بازسازی کرد؛ مواد فرهنگی ملل دگرگون و ویران نشد. در نقطه مقابل، اسکندر مقدونی تخت جمشید را به‌آتش کشید و کوشید فرهنگ خود را به زور به جامعه ایران تحمیل کند. این تفاوت فاحش نشان می‌دهد چه کسی ویرانگر بوده و چه کسی مدارا پیشه کرده است.»

ایران، نماینده برحق تمدن شرق است

این پژوهشگر با انتقاد مستقیم از مشاوران وزیر خارجه آمریکا افزود: «به نظر می‌رسد روییو نیز مانند رؤسای جمهور کشورش از مشاوران تاریخی آگاه و زبده بی‌بهره است که به او یادآوری کنند این اظهارات هیچ سندیت تاریخی ندارد. کلان‌روایت‌های تاریخ نشان می‌دهد حقیقت درست عکس ادعاهای اوست. اگر غربی‌ها خود را امتداد یونان می‌دانند، در شرق نیز سردمدار تمدنی اصیل، ایران است؛ نه حتی کشورهای مثل روسیه یا ژاپن که پیشینه دولت‌شهری و تمدنی پیوسته مشابه ایران باستان در مواجهه با غرب را نداشتند. ما نماینده برحق فرهنگ شرق در برابر غرب هستیم.»

وی با نقد روایت‌های تقلیل‌گرایانه مورخان یونانی و رومی از سلحشوری ایرانیان گفت: «مورخان رومی همواره تلاش کرده‌اند ایرانیان را اقوامی جنگ‌آور و خونریز به تصویر بکشند و برخی باستان‌شناسان غربی نیز این برچسب را به هنر ایرانی تعمیم دادند. اما شواهد باستان‌شناختی خلاف این را اثبات می‌کند؛ در موزائیک‌های ساسانی پیشاپور با نقش برجسته‌تنگ قندیل که زنی در حال تقدیم گل به شاه است، بازتابی از ایزدان، زیبایی و صلح دیده می‌شود، نه فقط ستایش جنگ. اگر هم در جایی مانند دوران

شاپور اول ساسانی یا آزد دوم اشکانی شمشیر کشیده شد، برای پاسخ به گردن‌کشی‌ها و تجاوزهای مکرر امپراطوری روم به مرزهای ایران بود؛ واقعیت‌هایی مانند نبردهای درخشان آزد دوم و پسرش پاکور که تاریخ‌نگاری غرب عمداً تمایلی به بازتاب و پررنگ کردن آن ندارد.» هژری به پارادوکس دفاع روییو از شرافت و تمدن در تاریخ معاصر آمریکا اشاره کرد و گفت: «آقای روییو از ارزش‌ها می‌گوید اما اشاره نمی‌کند که ساختار آمریکا چگونه بومیان سرخپوست را نابود کرد، فرهنگ آنها را زدود و با برده‌داری میلیون‌ها انسان را از آفریقا مثل کالا جابه‌جا و استثمار کرد. رفتاری که با فرهنگ‌های بومی شد، در تاریخ کم‌نظیر است و شباهتی به همزیستی اقوام در تمدن کهن فلات ایران ندارد.»

لزم پایان غفلت در سینما و روایت‌های رسانه‌ای ملی

این باستان‌شناس، به ضعف دستگاه‌های فرهنگی و سینمایی کشور در بازنمایی تاریخ ملی اشاره و خاطرنشان کرد: «طبیعی است که آنها برای تثبیت هژمونی خود پروژه‌هایی مثل فیلم «۳۰۰» بسازند و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند، اما ما در داخل دچار غفلت بزرگی هستیم. سرمایه‌های سینمایی و تلویزیونی صرفاً به یک سری حوزه‌های تکراری اختصاص می‌یابد، در حالی که ما از مفاخر تمدنی خودمان غافلیم. چرا فیلم و سریالی فاخر درباره کوروش بزرگ، خشایارشا، یا فتوحات خسروپرویز ساخته نمی‌شود؟ غرب سال‌هاست در حال جنگ نرم فرهنگی علیه هویت کهن ماست تا بدون خونریزی این ریشه‌ها را کم‌رنگ کند؛ محافظت از این میراث، آگاهی تاریخی و روانی‌تری شجاعانه می‌طلبد.»

بازبان احترام سخن بگوید

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در واکنش به روایت وزیر امور خارجه آمریکا از جنگ ایران و یونان، با تأکید بر دیرپایی تمدن ایران و استقلال هویت تمدنی ملت‌ها از قدرت‌های سیاسی، گفت: «ای ایران باید با زبان احترام سخن گفت؛ زیرا ایران، نه دشمنی بر ساخته در یک خطابه سیاسی، بلکه تمدنی زنده، ملتی بزرگ و حقیقتی ماندگار در تاریخ جهان است.»

سید رضا صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در واکنش به اظهارات مارکو روییو، وزیر امور خارجه آمریکا در آکروپولیس آتن، با تأکید بر جایگاه تاریخی و تمدنی ایران، یادآور شد که هویت یک ملت ریشه‌دار را نمی‌توان به یک جنگ، یک پادشاه یا یک حکومت فروکاست. صالحی امیری در این واکنش تأکید کرد: «ایران را نمی‌توان با یک جنگ، یک پادشاه یا یک حکومت تعریف کرد. ایران از کهن‌ترین پیوسته‌ارهای تمدنی جهان و از سازندگان بزرگ نظم، فرهنگ، دانش و همزیستی در تاریخ بشر است؛ تمدنی که پیش از پیدایش بسیاری از قدرت‌های امروز وجود داشته و پس از آنان نیز خواهد ماند.»

او ادامه داد: «تمدن یونان نیز ملک انحصاری آمریکا نیست. سقراط و افلاطون بیش از آنکه قدرت را تقدیس کنند، درباره عدالت، اخلاق، خویش‌نشنداری و فرجام ویرانگر غرور قدرت هشدار داده‌اند.»

صالحی امیری در ادامه با تأکید بر ناپایداری قدرت‌های صالحی و ماندگاری ملت‌های متکی بر حافظه تاریخی و هویت فرهنگی، خاطرنشان کرد: «آنان‌که از خود را برتر، بر رفیق و هم‌عصر تاریخ پنداشته‌اند، همواره از یک حقیقت غفلت کرده‌اند؛ قدرت‌ها می‌آیند و می‌روند، اما ملت‌هایی که بر حافظه، فرهنگ و هویت خود ایستاده‌اند، باقی می‌مانند.»

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی همچنین با اشاره به تجربه ایران در مواجهه با جنگ، تحریم و تحریف، بر نقش پشتوانه تمدنی و سرمایه معنوی و حماسی ملت ایران در استمرار هویت ملی تأکید کرد و گفت: «ایران در برابر جنگ، تحریم و تحریف ایستاده است؛ با انکا به تمدن تاریخی و روح معنوی و حماسی و با غرور ملتی که می‌داند ریشه‌هایش از عمر بسیاری از قدرت‌های امروز جهان دیرپاتر و عمیق‌تر است.» صالحی امیری در جمع‌بندی دیدگاه خود تصریح کرد: «با ایران باید با زبان احترام سخن گفت؛ زیرا ایران، نه دشمنی بر ساخته در یک خطابه سیاسی، بلکه تمدنی زنده، ملتی بزرگ و حقیقتی ماندگار در تاریخ جهان است.»

به گزارش ایسنا، مارکو روییو، وزیر امور خارجه آمریکا روز پنجشنبه در اظهاراتی علیه تاریخ ایران گفته بود: «هخامنشیان ۴۸۰ سال پیش از میلاد با حمله به یونان آتجا را غارت کردند؛ ریشه ایرانی‌ها به این غارتگران برمی‌گردد!» وی همچنین با اشاره به تلاش دولت یونانی ایران اعتراف کرد، تلاش داشت از ابزار تاریخ باستان، برای سیاست امروز آمریکا و جلب توجه متحدان اروپایی‌اش استفاده کند.

روییو سعی کرد سیاست ملی‌گرایانه دولت ترامپ را از یک شعار سیاسی روزمره فراتر ببرد و آن را به میراث تاریخی و تمدنی غرب پیوند دهد و به نوعی آمریکا بدون تاریخ را به تاریخ اروپا گره زد چرا که به این ترتیب، سیاست خارجی دولتش بر صورت پروژه‌ای برای احیای قدرت آمریکا عرضه می‌شود. به علاوه وزیر امور خارجه آمریکا که در تظاهرات یک‌سال‌ونیم اخیرش به ایران همراهی غرب و متحدانش را نداشته است، با این اظهارات تلاش کرد تا احتمالاً به این شکل توجه و همراهی آنها را در آینده جلب کند.

اما آنچه مقامات آمریکایی از درک آن غافل هستند و سعی دارند نادیده بگیرند، این است که ایران هخامنشی یک قدرت نظامی مهاجم در آن مقطع تاریخی نبوده؛ بلکه بخشی از تاریخ بزرگ تمدن جهانی بود و تقلیل آن به نقش دشمن یونان، صرفاً برای یک روایت‌سازی سیاسی و کوتاه‌مدت مفید است و واقعیت‌ها در دل تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران را تغییر نخواهد داد.

۱۱

زیست‌بوم

یادداشت

زهراکشوری

دبیر گروه زیست بوم

تلاش برای بازتولید یک جنگ هویتی

مارکو روییو، وزیر خارجه آمریکا، تاریخ را از «وسط ماجرا» روایت می‌کند؛ روایتی گزینشی که عامدانه چشم‌بر پیشینه وقایع می‌بندد و نمی‌گوید لشکرکشی خشایارشا در واقع پاسخی دفاعی به تهاجم پیشین یونانی‌ها و به آتش کشیدن شهر «سارد» (پایتخت ساتراپی هخامنشی لیدیه) بود. جنگ هویتی آمریکا علیه ایران از سخنان امروز آغاز نشده است؛ او صرفاً در مقطعی وارد این میدان می‌شود که ریشه‌های آن بسیار پیش‌تر از جنگ‌های اخیر شکل گرفته است. روییو تاریخ ۲۵۰ ساله کشور خود را به یونان باستان پیوند می‌زند تا در تلاشی ایدئولوژیک نشان دهد که خصومت با ایران مسأله‌ای نوظهور نیست، بلکه ریشه در تقابل کهن میان شرق و غرب دارد.

۶ سال پیش بود که دونالد ترامپ در سال ۱۳۹۸ تهدید به هدف

قرار دادن ۵۲ مرکز فرهنگی ایران کرده بود؛ سخنانی که پس از

موج محکومیت‌های جهانی و مغایرت صریح با قوانین بین‌المللی

مبنی بر مصونیت میراث فرهنگی، مجبور به پس گرفتن آن شد. با

این حال، آن عقب‌نشینی صرفاً لفاظی رسانه‌ای بود، چرا که زمینه

این جنگ تمدنی پیش‌تر بی‌ریزی شده بود. ایستادن روییو در

آتن و بازخوانی گزینشی تاریخ، در امتداد فضاسازی‌هایی نظیر

فیلم هالیوودی «۳۰۰» است؛ فیلمی که نیاکان ایرانیان را «محو

شرارت» خواند و با تصویری تحریف‌شده از آنان، نابودی این

تمدن را امری موجه جلوه داد.

ساده‌اندیشی است اگر تصور شود موضع‌گیری‌های سیاسی اخیر

برگرفته از یک اثر سینمایی است؛ واقعیت این است که آن روایتی

هالیوودی، خود خروجی همان ذهنیت حاکم بر محافل سیاسی

غرب هستند که بر پایه خواشش یک‌سویه از گزارش‌های هرودوت

بنا شده‌اند. روییو امروز همان خط را دنبال می‌کند؛ او با سکوت

درباره آتش زدن سارد توسط آتنی‌ها، صرفاً واکنش هخامنشیان

را برجسته می‌سازد. از سوی دیگر، پیوند زنی بی‌واسطه آمریکا به

آتن باستان در حالی صورت می‌گیرد که سیاستمداران آمریکایی

حتی میراث تاریخی هخامنشیان در خاورمیانه را نادیده می‌گیرند؛

میراثی که نماد بارز آن فرمان کوروش بزرگ برای رهایی یهودیان

از اسارت بابل و تجدید بنای معبد اورشلیم بود؛ همان مکانی

که بهران غربی امروز در برابر بقایای دیوارهای تاریخی آن به

نیایش می‌ایستند.

این بازتولید روایت، فرآیندی جهت‌دار برای آماده‌سازی افکار

عمومی و تضعیف سد هویتی و تاریخی ایران است. پیامد این نگاه

تمدن‌ستیز، امروز در عرصه میدانی آشکار شده است: آسیب به

بیش از ۱۴۰ اثر تاریخی و ۵۴ موزه در ایران در جریان رخداد‌های

نظامی اخیر. وقتی جامعه‌ای در روایت غالب رسانه‌ای از پیشینه

تمدنی و انسانی خود تپه معرفی شود، تعرض به شناسنامه

تاریخی و وارپث فرهنگی آن از یک تخلف به یک «هدف جنگی»

تبدیل می‌شود. سخنان مارکو روییو ماهیت واقعی این تقابل را

برملا می‌کند؛ این نبرد نه صرفاً یک منازعه دیپلماتیک یا نظامی

زودگذر، بلکه جنگی هویتی و تمدنی برای تسلط بر حافظه تاریخی

شرق است.

دیدگاه

خشم افکار عمومی ایران از تاریخ‌سازی جعلی واشنگتن

خطابه ضدایرانی مارکو روییو، وزیر امور خارجه آمریکا در آتن و روایت گزینشی و هالیوودی او از نبردهای هخامنشیان و یونان باستان، بازتاب گسترده و موجی از واکنش‌های تند را در میان افکار عمومی، تحلیل‌گران و کاربران ایرانی در فضای مجازی به همراه داشته است. از نگاه جامعه و فعالان مجازی ایران، تلاش روییو برای جسیاندن پیشینه ۲۵۰ ساله آمریکا به تمدن یونان و تحریف تاریخ، نه یک اشتباه محاسباتی، بلکه تلاشی هدفمند دستگاه حاکمه آمریکا برای مشروعیت‌بخشی به یک «جنگ تمدنی و هویتی» علیه میراث تاریخی ایران است. یکی از کاربران در شبکه ایکس نوشت: «ای‌کاش اسمال برای خشایارشا وسایر شاهان بزرگ ایرانی قبل و بعد از اسلام که عظمت کشورمان را مدیونشان هستیم بزرگداشت و همایش علمی و پیکار رسانه‌ای بزرگ برگزار کنیم. با این کار پاسخی شایسته به اوباش دیراندازی در غرب داده‌ایم. حرف‌های روییو نشان داد نبرد تمدنی موجودیتی علیه ایران دیر با زود آغاز خواهد شد. ولی قطعاً ما مثل ۲۵ قرن گذشته پیروز این نبرد هستیم و سروری دنیا به ما بازمی‌گردد و امثال روییو باید گفتش سربازان ایرانی را تمیز کنند.»

کاربر دیگری خطاب به روییو نوشت: «آقای روییو، سیاست و تاریخ صحنه فیلم‌های هالیوود نیست که آمریکا را قهرمان نهایی بنویسید، یونان را هم تنها جد بزرگوارش معرفی کنید و ایران باستان را نقش منفی و بد داستان بگذارید. شما تاریخ را روایت نمی‌کنید؛ آن را به سود قهرمانان منتخب خود تدوین می‌کنید. پیش از آنکه درباره شرافت تمدن‌ها خطابه بخوانید، با تاریخ صادق باشید؛ آتش تخت جمشید با حذف شدن از متن سخنرانی شما خاموش نمی‌شود.» کاربر دیگری هم یادآور شد: «فارغ از رفتارهای تهاجمی دولت کنونی آمریکا علیه تمدن ایران، این‌تمدن، بویژه امپراطوری هخامنشی و شخصیت‌هایی همچون کوروش و داریوش، تأثیرات گسترده‌ای بر فرهنگ سیاسی ایالات متحده از جمله بر بنیانگذاران این کشور برای گذاشته است که با اظهارات ترامپ و روییو علیه ایرانیان، فراموش نمی‌شود.»

احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار هم می‌نویسد: «مارکو روییو وزیر خارجه آمریکا از به آتش کشیدن آتن توسط سپاهیان خشایارشا طوری سخن گفته که انگار یونانی‌ها و رومی‌ها وقتی به سرزمینی هجوم می‌برندند به جای تخریب و به آتش کشیدن آن، آباد و معمرش می‌کردند! اسکندر کبیر ده‌ها شهر تحت حاکمیت ایران را با خاک یکسان کرد و عموم مردمش را از دم تیغ گذراند! او تخت جمشید را به آتش کشید. خرابه‌های تخت جمشید میراث شوم اوست! رومی‌ها صد‌ها شهر و آبادی را در کارتاژ، شبه جزیره ایبری، اروپا، یونان، مصر، آسیای صغیر و جنوب شرق مدیترانه از از روی زمین محو کردند و با یکی از سانکانش را زنده باقی نگذاشتند. نمایش‌های ضدانسانی کلادیاتوری و نابودی معبد یهودیان در اورشلیم در سال ۷۰ میلادی و قتل ده‌هزار مسیحی تازه‌زاین از کارهای بسیار کوچک آنهاست!

با این کارنامه «درخشان» امپراطوری‌های غربی، منظور روییو از تأکید بر اقدامات سپاه خشایارشا در یونان چیست؟ تاریخ نمی‌داند؟ نادان است؟ پروو تشریف دارد؟ یا اینکه دنبال بهانه جدیدی برای حمله به ایران می‌گردد‌ان هم در دل تاریخ کهنی که حدود ۲۵ قرن از آن سپری شده است؟»

نگاه زلال خراسانی

گفت‌وگو با بهرام پروین گنابادی

به مناسبت زادروز محمدرضا شفیعی کدکنی



عکس: مصومه امیرخانلو

شاعران معاصر

غزل رضایی ثانی

گروه کتاب

محمدرضا شفیعی کدکنی تنها یک شاعر یا پژوهشگر نیست؛ او حلقه اتصال سنت خراسانی با شعر مدرن فارسی است، کارنامه او تصویری چندوجهی از فعالیت‌هایش در شعر معاصر

از نظر شما اشعار شفیعی کدکنی چه ویژگی‌هایی دارند، بایه‌تعبیر دیگر

پرنگ‌ترین خصلت شعری او چیست؟

هر شاعری در طول حیات شاعری خود، دوره‌های مختلفی را پشت سرمی گذارد و شعر دکتر شفیعی کدکنی نیز از این قاعده مستثنی نیست. مثلاً در دهه‌های چهل و پنجاه، شعر شفیعی کدکنی اثری برآمده از عمق جامعه و پراز احساسی ناب و صادقانه است که خواننده از همان نخست با شعر او ارتباط خوبی برقرار می‌کند. آن تمثیل‌ها، تصویرها و استعاره‌هایی که در این دوره از اشعارش به کار رفته، ریشه در جان طبیعت ایران و اقلیم خراسان دارد و مخاطب را

مجذوب خود می‌کند. اما در دوره‌های بعدی و سروده‌های سال‌های پس از انقلاب، شعر شفیعی کدکنی به سوی پختگی و فرهیختگی خاصی گرایش پیدا می‌کند. در این دوره دوم، کویی شاعر از دل فرهنگ و تمدن ایران بیرون آمده و جنبه فرهیختگی و بینامتنی آن افزایش می‌یابد. گذار از شور و عاطفه در شعر، به سمت فرهیختگی، تأمل و گسترده‌گی ابعاد بینامتنی، بارزترین درگونی زیست شاعرانه شفیعی کدکنی به حساب می‌آید.

جایگاه شفیعی کدکنی در شعر معاصر فارسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شعر معاصر شاخه‌های گوناگونی دارد، اما اگر

بخواهیم جایگاه ویژه دکتر شفیعی کدکنی را با دقت تبیین کنیم، باید بگوییم یک جریان شاخص از شعر تمثیلی نیمایی معاصر، کاملاً متعلق به او است. شعر او جدا از سروده‌های سنتی و غزل‌های استوار، جریان تمثیلی است که از نگاهی بسیار عمیق و پراحساس به طبیعت سرچشمه می‌گیرد؛ دقیقاً همان نگاه زلالی که شاعران سبک خراسانی به طبیعت دارند. در واقع، این پیوند ژرف میان عناصر طبیعت، فرهنگ و تاریخ

سفر به تمدن‌ها

سفری به بوسنی امیرمحمدعلی پاشا گزارشی خواندنی

و دقیق از تجربه سفری در یک قرن پیش است

کتاب «سفری به بوسنی» سفیرنامه‌ای به قلم امیرمحمدعلی پاشا ولیعهد پیشین مصر است که از زبان عربی به فارسی ترجمه شده. ترجمه این کتاب توسط محمدرضا شفیعی کدکنی بنا به اتفاق شخصی رخ داد. شفیعی کدکنی در پیش‌گفتار کتاب این‌گونه تعریف می‌کند که، فرزندش برای انجام یک کار تحقیقاتی در مقطع دکتری در یکی از دانشگاه‌های خارج از کشور، موظف شده بود، چند سطر درباره این کتاب بنویسد، اما به دلیل آشنایی اندک او با زبان عربی، خود تصمیم به ترجمه کتاب می‌گیرد. پس از ترجمه کتاب، این اثر از نگاه شفیعی کدکنی شیرین به نظر می‌آید و از آنجا که نسخه دیگری به زبان فارسی نداشته، تصمیم به چاپ آن می‌گیرد و در نهایت کتاب «سفری به بوسنی» توسط انتشارات سخن منتشر می‌شود. در قسمت «درباره مؤلف» محسصری از زندگی امیرمحمدعلی پاشا و معرفی کوتاهی از آن می‌خوانیم: جوان محصلی که به همراه برادرش شاهزاده عباس در اطریش تحصیل می‌کردند، اما بعد از فوت پدرشان توقیف پاشا، به وطن شان قاهره برمی‌گردند. سپس از سوی سلطان عثمانی فرمانی صادر شد که برادر بزرگ‌تر، یعنی شاهزاده عباس به عنوان امیر تخت قراعه (یعنی فرمانروای مصر) برگزیده شود. امیر محمدعلی پاشا در سال ۱۸۷۵ به قاهره به دنیا آمد و در اروپا تحصیل کرد، او مسلط به زبان‌های فرانسه، آلمانی و انگلیسی بود. محمدعلی پاشا شخصیت مهمی برای حکومت بود، به نوعی که در بسیاری از مذاکرات حضور

داشت و یکی از اشخاص مهمی بود که در میزبانی‌ها، خدیو مصر را همراهی می‌کرد. محمدعلی پاشا سرانجام در هجدهم مارس ۱۹۵۵ در لوزان سوییس چشم از جهان فرو بست و در مقبره خانوادگی اش در قاهره دفن شد. پیامبر اسلام(ص)، به این نکته اشاره می‌کند که آن قدر به سرزمین‌های اروپایی سفر کرده و آنها را دنور دیده‌که از تماشای آنها خسته شده، اما با این همه دست از سیاحت نمی‌کشد. او تلاش می‌کند آنچه را در سفرهایش به‌عنوان تجربه به دست آورده با مخاطب در میان بگذارد؛ سفرهایی که تنها به توصیف معماری‌ها، صنایع‌دستی و ابعاد تاریخی بسنده نمی‌کند، بلکه فراتر رفته و از فرهنگ عامه مردم سخن می‌گوید و دریچه‌ای نو از سبک زندگی آن منطقه را به تصویر می‌کشد. از همین روست که می‌گوید سفر به بوسنی

و هرگز ویران برایش در اولویت بوده است؛ چرا که تعریف‌های فراوانی از آن سرزمین شنیده و خود نیز به سرزمین‌های شرقی علاقه‌ای بسیار داشته است. کتاب «سفری به بوسنی» گزارشی خواندنی و دقیق از تجربه یک سفر در دوران اوایل عصر مدرن و دوره قاجار است که با لحنی روانی و توصیفی نگاشته شده است. شاه‌کلید این اثر، روایت تمدنی دیرینه است؛ تمدنی که نویسنده، با توجه به علاقه‌اش به ریشه‌های تمدن‌ها، در پی شناخت آن برمی‌آید و از همین روسفری هجیان‌انگیز به بوسنی را آغاز می‌کند. روایت نویسنده به بیش از صد سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که سفر با درشکه و قطار امری رایج بود. بنابراین مخاطب باید انتظار داشته باشد که نویسنده از دشواری‌های مسیر زمینی نیز بگوید.

ترجمه کتاب، تسلط دقیق و روشن شفیعی کدکنی به زبان عربی را نشان می‌دهد، او توانسته عبارت‌هایی که معادل آن در فارسی وجود ندارد را به نوعی قابل درک به مخاطب انتقال دهد. مترجم سعی کرده در عین حال، متن را به وفاداری در نظر گرفته و به لحن کتاب نیز وفادار باشد. شفیعی کدکنی در ترجمه این اثر کوشیده قالب اصلی کتاب و نشانه‌های تاریخی آن را حفظ کند و متن را به زبان عامیانه امروز برگرداند. از این‌رو، خواننده با مطالعه کتاب می‌تواند درک روشن‌تری از دوره‌ای پیدا کند که نویسنده اثر را، در آن نوشته است. ترجمه کتاب به لحاظ ساختار جملات بسیار موفق است. متن روان است و خواننده در حین خواندن دچار سکنه و یا ابهام نمی‌شود.

نویسنده کتاب قرار است مسافت طولانی را برای رسیدن به بوسنی از سر بگذراند، اما آنچه کتاب را جذاب می‌کند این است که او از نظاره به توقف‌های کوتاه و نوشتن درباره جزئیات آن‌ها، نمی‌گذرد. او از قریه‌های کوچکی روایت می‌کند که پیش از رسیدن به بوسنی از آنها دیدن کرده است، از خرمن کوبی و گله‌بانی گرفته تا لباس و زیورآلات زنان. محمدعلی پاشا روایت می‌کند که در یکی از قریه‌ها زنان مسلمان، لباسی شبیه عبا می‌پوشند و برقع می‌زنند و چکمه‌های بلند به پای می‌کنند. نویسنده تا انتها با نگاه ریزبین خود از کوچک‌ترین سنت‌ها و فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مردم بوسنی و تمام قریه‌ها و شهرهایی که در مسیر خود طی کرده، غافل نمی‌ماند و انتقال این ظرایف با ترجمه بی‌نظیر محمدرضا شفیعی کدکنی خواندنی‌تر می‌شود.

ایران است که شالوده شعر تمثیلی شفیعی کدکنی را می‌سازد. از یک سو، شعر نو او (شعر نیمایی) بسیار فنی، ظریف و دقیق است، از سوی دیگر، زبان تمثیلی و بیانی که بسیار نزدیک به سهل و ممتنع است، سبب شده شعراستاد شفیعی کدکنی در اعماق ذهن و زبان مردم نفوذ پیدا کند. به همین دلیل سروده‌های متعددی از او در جامعه قبول خاطر یافته و رواج گسترده پیدا کرده‌است. برای مثال می‌توان به شعر مشهور «گون و نسیم» اشاره کرد که یک گفت‌وگو و مناظره تمثیلی درخشان به شمار می‌رود و مستقیماً از سنت قدیمی مناظره در شعر کهن فارسی ریشه می‌گیرد، اما با زبانی تازه و حس‌ی زنده با جامعه سخن می‌گوید. همچنین قطعه معروف «حسرت نبرم به خواب آن مرداب / کارم درون دشت شب خفته‌ست / درایم و نیست باکم از طوفان / دریا همه عمر خواش آشفته‌ست» شعری بی‌نظیر، فرمالیستی و یکی از کامل‌ترین قطعات در شعر معاصر ماست. این شعر با تمام پیچیدگی‌ها و ساختاری که دارد به طرز شگفت‌انگیز در حافظه جمعی اهل ادب و عموم مردم جا باز کرده است. این مقبولیت عام در کنار چند غزل ماندگار دیگر، به روشنی نشان می‌دهد که هم احساس قوی شاعرو هم ویژگی‌های فنی و دقیقی که در شعر به کار رفته، او را تبدیل به یکی از شاعران برجسته و مهم عصر معاصر ما کرده است.



دکتر شفیعی کدکنی و همچنین زنده‌یاد دکتر غلامحسین یوسفی، جزو نخستین کسانی بودند که در دهه پنجاه، ما را با شعر عربی و ادبیات عرب آشنا کردند



به تماشای جهان

نگاهی به رها در زنجیر

تازه‌ترین دفتر شعر محمدرضا شفیعی کدکنی

در منظومه سترگ ادبیات معاصر ایران، هر بار که نام محمدرضا شفیعی کدکنی بر جلد کتابی تازه می‌نشیند، مخاطبان زیادی که شیفته شعر و قلم او هستند را به سوی خود جذب می‌کند. تازه‌ترین دفتر شعر او با عنوان «رها در زنجیر» که در سال ۱۴۰۵ از انتشارات سخن به چاپ رسید، فصلی تأمل‌برانگیز در کارنامه ادبی این چهره شاخص فرهنگ ایران است. شفیعی کدکنی که همواره پیوندی ناگسستنی با سنت‌های اصیل شعری داشته، در این اثر رویکردی نو در پیش گرفته و دفتری را پیش روی خوانندگان گشوده که از حیث ساختار و فرم، متمایز از سایر آثار اوست. این کتاب مجموعه‌ای از اشعار کوتاه در وزن آزاد است که هر کدام به تنهایی جهانی مستقل اما کامل را

به تصویر می‌کشند. شفیعی کدکنی در مقدمه کتاب این‌گونه عنوان می‌کند که «این شعرهای کوتاه، که غالباً در وزن آزاد شکل گرفته است، هر کدام به جای خود یک شعر کامل است. به همین دلیل مفصل‌ترین آنها یک صفحه را در عمل اشغال کرده است.» گرچه این اشعار کوتاه هستند اما پر مغز و روانند. طبق آنچه که شاعر اشاره کرده، حتی با دو کلمه شعر می‌توان آن حش واقعی را به مخاطب انتقال داد. کتاب با شعریه به نام «رها در زنجیر» آغاز می‌شود، شعری که نام اصلی کتاب را به خود گرفته و با شاید این شعر بوده که نامش روی جلد کتاب، به زیبایی نشسته است. قطعه «رها در زنجیر» نشانه پارادوکسی درخشان و تناقضی آشکار است. شاعر در این قطعه می‌سراید: «وقتی که در زلال

صدایت، رها را، از هر غم و غباری تطهیر می‌شوم / احساس می‌کنم / چون ماهی‌ام، میانه جویی، در آفتاب / در موج‌ها رها و به زنجیر می‌شوم». این تصویر از رهایی در عین اسارت

با آزادی در زنجیرهای خودخواسته، تضاد ادبی و عمیق را به نمایش می‌گذارد که ریشه در تجربه‌های زیسته شاعر دارد. اشعار این مجموعه همگی از ویژگی‌های مشترک و درخشانی چون ایجاز، ابهام و تصویرسازی برخوردارند. البته نگاه اجتماعی او که در تمام دهه‌های فعالیتش چون رودی خروشان جریان داشته است، نمی‌توان در این مجموعه نادیده گرفت. شفیعی کدکنی همواره شاعری اجتماعی بوده و در این دفتر نیز بازتاب دغدغه‌های جمعی او را می‌توان به اگر بخواهیم نگاهی به پیشینه او داشته باشیم، محمدرضا شفیعی کدکنی با نام مستعار م. سرشک، نخستین مجموعه

تفاوت عمده او با سایر نویسندگان ادبی در چیست؟ تفاوت اساسی نثر علمی دکتر شفیعی کدکنی با سایر پژوهشگران در این است که او دشوارترین مباحث نظری و ادبی را با زبانی فوق‌العاده ساده و روان روایت می‌کند، طوری که نشان می‌دهد همه این موارد در ذهنش حل شده‌اند. این باعث شده تحقیقات دشوار زبان فارسی وقتی با زبان روان و رسای شفیعی کدکنی آمیخته می‌شود، تبدیل به یک متن ادبی خوشخوان شود. وقتی «اسرار التوحید» در دهه ۶۰ به تصحیح او با ۲۰ سال تلاش بی‌وقفه، منتشر شد، خیلی از کسانی که خودشان را نوگرا می‌دانستند و مخالف معروف «حسرت نبرم به خواب آن مرداب / کارم درون دشت شب خفته‌ست / درایم و نیست بی‌نظیر است؛ مثلاً تصحیح‌های «اسرار التوحید»، «تذکره‌الاولیا» و کل آثار عطار، تصحیح‌هایی نمونه است که به وقت بسیار بالایی نوشته شده، طوری که چاپ کتاب را به یک اثر هنری تبدیل کند. بخش مهم دیگر از تحقیقات شفیعی کدکنی، تک‌نگاری‌هایی است که در مورد تصوف خراسان و شاعرانی مانند سنایی، عطار و انوری نوشته شده است. این آثار، نسل جدید را با شعر فارسی پیوند داده، ضمن اینکه مقدمه‌های آن به قدری جامع هستند که نسل جدید و غیرمتخصص به شعر فارسی را آگاه‌تر و دل‌بسته‌تر می‌کند. او چند اثر نیز در نقد شعر معاصر دارد؛ کتاب «ادوار شعر فارسی» که حاصل درس‌گفتارهای او در دانشگاه تهران بود و سپس اثر گرانسنگ «با چراغ و آینه» است. او راهگشای پژوهشگران برای درک چگونگی تجدد ادبی در شعر فارسی به شمار می‌رود و به نسل بعد از خود نشان داد برای شناخت این تجدد باید به دنبال چه سرنخ‌هایی در شعر فارسی کشت.

شفیعی کدکنی در عرصه ترجمه و پیوند با ادبیات منطقه، به ویژه جهان عرب، چه در پایی از خود به جا گذاشته‌اند؟ یکی از گام‌های بسیار مهم و اثرگذاری که از اواخر دهه پنجاه برداشته شد، معرفی نوگرایی و شعر مدرن جهان عرب به جامعه ادبی ایران بود. دکتر شفیعی کدکنی و همچنین زنده‌یاد دکتر غلامحسین یوسفی، جزو نخستین کسانی بودند که در دهه پنجاه، ما را با شعر عربی و ادبیات عرب آشنا کردند. زنده‌یاد یوسفی کتاب «گزیده‌ای از شعر عربی معاصر» محمدمصطفی بدوی را ترجمه کردند و دکتر شفیعی کدکنی نیز کتاب «شعر معاصر عرب» را به رشته تحریر درآورده است.

میان شعر و تحقیق

شفیعی کدکنی توانسته میان دانستن و سرودن رابطه‌ای واقعی برقرار کند



مصومه امیرخانلو

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

اگر شفیعی کدکنی را فقط به عنوان شاعر بخوانیم، بخشی مهم از جایگاه او در ادبیات معاصر ایران را نادیده گرفته‌ایم؛ و اگر او را فقط در مقام پژوهشگر، مصحح و استاد دانشگاه بشناسیم شاید از فهم سرچشمه‌ای که به بسیاری از پژوهش‌های او جان بخشیده است، باز بمانیم. اهمیت شفیعی کدکنی دقیقاً در همین هم‌نشینی کم‌نظیر شعر و تحقیق است؛ در اینکه شاعرو محقق در آثار او نه دو شخصیت جدا، بلکه دو شیوه متفاوت برای مواجهه با زبان و ادبیات‌اند. تازه‌ترین دفتر شعر او، «رها در زنجیر»، از این منظر اثری درخرو تأمل است. این مجموعه که در سال ۱۴۰۵ منتشر شده، عمدتاً از شعرهای کوتاه تشکیل شده است؛ شعرهایی که بسیاری از آنها در وزن آزاد سروده شده‌اند و گاه در چند کلمه تمام می‌شوند. اما کوتاهی این شعرها را نباید با سادگی آنها یکی دانست. شعر کوتاه اگر شعر باشد، حاصل کم‌گویی نیست؛ حاصل انتخاب و حذف آگاهانه است.

شفیعی کدکنی شاعری نیست که با زبان و امکانات شعر فارسی ناآشنا باشد و به همین دلیل به کوتاهی‌های روی آورده باشد؛ بر عکس، او پس از دهه‌ها مطالعه و تجربه شعر



فارسی، به مرحله‌ای رسیده است که می‌تواند بسیاری از چیزها را نگوید و همچنان شعر را کامل نگه دارد. در «رها در زنجیر» گاهی یک تصویر، یک مکت یا حتی یک واژه، جای توضیحی طولانی را می‌گیرد. بنابراین، شاید ارزش اصلی این کتاب را نه در این پرسش که «آیا» شعر مجموعه‌های پیشین شفیعی کدکنی بهتر است یا نه؛ بلکه در پرسشی دیگر باید

جست‌وجو کرد: شفیعی کدکنی در این مرحله از شاعری، از شعر چه چیزی را ضروری می‌داند و چه چیزهایی را می‌تواند حذف کند؟

عنوان کتاب نیز برای من از همین جهت جالب است: «رها در زنجیر»، ترکیبی که در خود نوعی تناقض دارد؛ رهایی در کنار اسارت. شاید بتوان آن را به خود شعر نیز تعمیم داد: شاعر، خود را به محدودیت واژه، ایجاز و سکوت می‌سپارد و از دل همین محدودیت به آزادی بیشتری در معنا و تخیل می‌رسد. در شعرهای کوتاه، آنچه گفته نمی‌شود گاهی به اندازه آنچه گفته می‌شود اهمیت دارد. از این منظر، عنوان «رها در زنجیر» صرفاً یک نام شاعرانه نیست بلکه می‌تواند نوعی بیانیه زیبایی‌شناختی برای مجموعه باشد.

برای فهم این وجه از شعر شفیعی کدکنی، باید به نیمه دیگر کارنامه او، یعنی آثار پژوهشی اش نیز توجه کرد. «صور خیال در شعر فارسی» یکی از مهم‌ترین آثار اوست؛ پژوهشی گسترده درباره تخیل و تصویر در شعر فارسی که همچنان در مطالعات مربوط به این حوزه جایگاه مهمی دارد. در «موسیقی شعر» نیز شفیعی کدکنی به یکی از بنیادی‌ترین مسائل شعر، یعنی موسیقی و کیفیت صوتی زبان پرداخته است. «ادوار شعر فارسی»، «زبان شعر در نثر صوفیه»، «رستاخیز کلمات» و شماری دیگر از آثار او نیز نشان می‌دهند دغدغه اصلی او در پژوهش، شناخت سازوکار شعر و زبان در بستر تاریخی و فرهنگی آنهاست.

بخش مهم دیگری از کارنامه او به تصحیح متون کلاسیک و عرفانی مربوط می‌شود؛ از «اسرار التوحید» گرفته تا آثار عطار و دیگر متون عرفانی. اهمیت این کارها تنها در تصحیح یک متن و مقابله نسخه‌ها نیست. شفیعی کدکنی با این آثار، بخشی از میراث ادبی و عرفانی فارسی را دوباره در دسترس خواننده امروز قرار داده و در عین حال نشان داده که برای فهم شعر معاصر نیز باید با ریشه‌های تاریخی و زبانی آن آشنا بود.

به نظر می‌کی از ویژگی‌های مهم شفیعی کدکنی همین است که پژوهش او از شعرش جدا نیست. او درباره خیال تحقیق کرده و خود شاعری خیال‌پرور است؛ درباره موسیقی شعر نوشته و شعرهایش به موسیقی کلمات حساس است؛ در متون عرفانی و صوفیانه سال‌ها تأمل کرده و زبان و جهان عرفان در بخشی از شعر او حضور دارد. از این منظر، میان شفیعی کدکنی پژوهشگر و شفیعی کدکنی شاعر، دیواری وجود ندارد. آنچه او در پژوهش درباره شعر می‌آموزد، در شعر تجربه می‌کند و آنچه در مقام شاعر تجربه می‌کند، گاه در مقام پژوهشگر به پریش درمی‌آورد. به همین دلیل، شعر او را نمی‌توان جدا از دانش گسترده‌اش درباره ادبیات فارسی خواند.

شاید «رها در زنجیر» نیز ادامه

همین مسیر باشد؛ مسیری که در آن، شاعر پس از سال‌ها زیستن با شعر فارسی، به سوی نوعی فشرده‌گی و ایجاز حرکت کرده است. در اینجا دیگر لازم نیست شاعر همه آنچه را می‌داند به زبان بیاورد. دانش ادبی او پشت شعر ایستاده است، اما خود را به رخ نمی‌کشد. این شاید یکی از تفاوت‌های مهم میان «شعر دانسته‌شده» و «شعر زیست‌شده» باشد. شفیعی کدکنی سال‌ها شعر را مطالعه کرده، اما مهم‌تر از آن، شعر را زیسته است. از همین رو، پژوهش و شاعری در کارنامه او دو مسیر جداگانه نیستند؛ دو شیوه برای نزدیک شدن به یک جهان‌اند: جهان زبان و شعر فارسی. در سال‌های اخیر، تحقیق فقط سخن گفتن درباره شعر تکرار صنعتی‌ای چون «بزرگ» و «ماندگار»، بهتر باشد به همین ویژگی توجه کنیم: او از معدود چهره‌های معاصر ماست که توانسته میان دانستن و سرودن رابطه‌ای واقعی برقرار کند. در کار او، تحقیق فقط سخن گفتن درباره شعر نیست و شعر نیز صرفاً احساس و الهام نیست. هر کدام به دیگری عمق می‌دهد. شاید به همین دلیل است که هنوز انتشار یک دفتر تازه از شعرهای او برای جامعه ادبی اتفاقی قابل توجه است. «رها در زنجیر» نیز بیش از آنکه صرفاً دفتر تازه‌ای از یک شاعر شناخته‌شده باشد، فرصت است برای دیدن اینکه شاعری با این پشتوانه علمی و ادبی، در سال‌های پختگی خود، چه چیزهایی را هنوز برای گفتن ضروری می‌داند و از چه چیزهایی می‌تواند بگذرد.

دستکاری عامدانه تاریخ

نقد سخنان غلط و توجیه‌های بی‌مبنای وزیر خارجه آمریکا



تورج دریایی
استاد تاریخ، مطالعات و فرهنگ
ایرانی دانشگاه کالیفرنیا، ارواین

ماژکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا تلاش کرده در سخنرانی که در کنار آکروپلیس داشت، سیاست آمریکا را نه تنها درباره آنچه در خاورمیانه انجام می‌دهند بلکه به‌ویژه در ربط با ایران توجیه کند. ما در این سخنرانی نوعی اورینتالیسم Orientalism (شرق شناسی) تکراری را شاهد بودیم. او در این سخنرانی اشاره کرد که خشایارشا پادشاه ایرانیان در زمان هخامنشیان به آتش کشیده و در ادامه نیز گفته بود: «در آن زمان، بیشتر مردم آن با کشتی به جزیره‌ای نزدیک گریخته بودند اما عده‌ای اندک حاضر نشدند خانه خود را ترک کنند. بنابراین، در دز سنگی آکروپولیس سنگر گرفتند تا آخرین مقاومت شکست‌انگیز خود را انجام دهند. آن‌ها سنگ‌های عظیمی را از فراز مخروبه‌ها بر سر مهاجمان ایرانی فرو می‌ریختند و برای چندین روز، بزرگ‌ترین امپراطوری آن عصر را پشت دروازه‌ها نگه داشتند. سرانجام، نیروهای ایرانی بر آن‌ها غلبه کردند. ایرانیان معابد را غارت کردند، زیارتگاه‌ها را سوزاندند و آکروپولیس را با خاک یکسان کردند.»

روبیو و آمریکا به نوعی تلاش دارند در این روایت خودشان را وامدار تمدن یونانی بدانند و در حقیقت اکنون تلاش می‌کنند، نبرد امروز خود با ایران را در تداوم نبردی تصویر کنند که از سال ۴۸۰ قبل از میلاد مابین ایران و یونان رخ داده است. این درحالی است که ایشان بخش دیگری از تاریخ را نمی‌گویند یا پنهان می‌کنند

و آن دلیل لشکرکشی خشایارشا به آتن در آن زمان است. در حقیقت شاه ایران در پاسخ به حمله یونانی‌ها به سارد در سال ۴۹۸ پیش از میلاد، این لشکرکشی را انجام داد. شهر سارد مرکز ساتراپی لیدیه و بخشی از قلمرو هخامنشیان بود که یونانیان در حملات خود آنجا را به آتش کشیده و غارت کرده بودند. به این اعتبار اقدام خشایارشا تنبیه و گوشمالی گستاخی یونانیان به رهبری آتنی‌ها بود.

وزیر امور خارجه آمریکا این بخش از تاریخ را بیان نمی‌کند تا تلاش کند رابطه آمریکا را با یونان نزدیکتر کند. این امر با نوعی بازتعریف از ایده تمدن غرب در حال انجام است و روبیو تلاش می‌کند با ارجاع به حافظه تاریخی و تمدنی این کار را انجام دهد. البته در کنار اینها باید به نقش و جایگاه ترکیه نیز توجه داشت. یونانی‌ها از ترکیه نیز خاطره خوبی ندارند. آمریکایی‌ها با چنین کاری سعی دارند یک ژست در برابر خاورمیانه و دنیای شرق خلق کنند. مهمتر از آن، توجه به این نکته است که در حال حاضر نیز این ایران نیست که به غرب حمله کرده بلکه آمریکا و نیروهای حامی آن هستند که در خاورمیانه همراه با اسرائیل جنگی را آغاز کرده‌اند که تمدن ایران را به مخاطره انداخته است. به تعبیری می‌توان گفت روبیو نه تنها سعی در پنهان کردن بخش‌هایی از تاریخ داشته بلکه می‌کوشد با وارونه‌نمایی آن، اهداف آمریکا را در این زمینه پیش ببرد. ماژکو روبیو شاید فراموش کرده با نمی‌خواهد به یاد بیاورد که در حدود بیش از دو قرن است که غرب به قاره‌های دیگر مانند آسیا، آفریقا

یا آمریکا حمله می‌کند و از مسیر چپاول این سرزمین‌ها و روی‌شانه ملت‌های آنها برای خودشان یک اقتصاد نیرومند ترتیب داده‌اند. گویی این روایت تاریخی که به وضوح طی این سده‌ها مردم قاره‌های دیگر را با تهدید و سختی مواجه کرده هرگز وجود نداشته است و تلاش می‌کند در این زمینه خودشان را بی‌گناه جلوه دهد. از طرفی او به گونه‌ای تمدن غرب را بازنمایی می‌کند و خودش و آمریکا را در امتداد آن تصویری می‌کند که به طور کلی با واقعیت‌های تاریخی در تضاد است. اولاً که ایشان خودش اصالت کوبایی دارد و به سختی می‌توان میان کوبا و یونان باستان پل زد و ارتباطی خلق کرد. دوم اینکه باید به خاطر داشته باشیم که اروپا در دوران طولانی قرون وسطی را نیز در تاریخ خود پشت سر گذاشته که از اساس با تمدن یونانی و کلاسیک در تعارض بود و آن دوران تلاش داشت همه چیز را از میان ببرد. در حالی که میراث‌دار و وامدار تمدن یونان در دوران قرون وسطی در حقیقت تمدن خاورمیانه با تمدن اسلامی بود که میراث آن تمدن را نگاه داشت و مانع از اضمحلال و نابودی آن شد. بنابراین باید در خاطر داشته باشیم که اتفاقاً تمدن ایرانی و یونانی طی هزاران سال ارتباط نزدیک و تنگاتنگی داشتند. چیزی که در اروپا تا همین چند صد سال پیش وجود نداشت. در حقیقت در همین تلاش می‌کنند با این پل زدن خود چند سده اخیر است که اروپایی‌ها را دوباره به این تمدن باستانی متصل کنند. بنابراین در خود تمدن اروپایی نیز یک گسستگی وجود داشته که نمی‌رسد حتی برای مقاصد خود آمریکا نیز سودمند باشد.

در سخنانش نادیده بگیرد. چنین تلاشی شاید برای مقاصد استراتژیک آمریکا فایده‌ی داشته باشد اما در مقابل احساسات ملی‌گرایانه زیادی را در ایران برانگیخته و نشان می‌دهد که مشکل تاریخی و دیرینه با هویت آمریکا و تمدن غرب الان تنها با جمهوری اسلامی مشکل ندارند بلکه یک مشکل تاریخی و دیرینه با هویت ایران دارند که این امر موجب ایجاد یک شکاف و دیوار میان تمدن شرق و غرب می‌شود. به گمان من نه تنها ایران بلکه ترکیه نیز این گفته‌ها و ژست روبیو را برای خودش تهدید و دشمنی تلقی خواهد کرد که به نظر نمی‌رسد حتی برای مقاصد خود آمریکا نیز سودمند باشد.



ی‌شقاب سفالین از نبرد یک هوپلیت (سرباز پیاده) یونانی با سرباز پارسی که حدود سال ۴۸۰ پ. م در آتن ساخته شده و در موزه ملی اسکاتلند نگهداری می‌شود. یونانیان کوشیدند با بسط اغراق آمیز پیروزی‌ها و سکوت درباره شکست‌های‌شان، اسطوره‌سازی کنند. علاوه بر مکتوبات، نقوش نیز چنین وضعی داشتند



کوروش محمدخدایی
عقوبات علمی دانشگاه شهید بهشتی

موضوع سخنرانی ماژکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا که اخیراً در فضای مجازی نیز دیده می‌شود، موضوعی بود که اتفاقاً دیروز درباره آن با شاکردانم در کلاس درس گفت‌وگو کردم. گفت‌وگو با این پرسش شروع شد که چرا روبیو، وزیر خارجه آمریکا موضوعی را که مربوط به ۲۵۰۰ سال پیش است، به میان کشیده؟ به نظر من او می‌خواهد بگوید که ما ایرانیان ۲۵۰۰ سال است که آتش به پا تاریخی اگر این آتش افروزی را

دروغ تاریخی برای ایران هراسی

روبیو اصلاً شناختی از خشایارشا ندارد

بپذیریم، همان کاری که خشایارشا در آتن انجام داد، اسکندر مقدونی نیز در تخت جمشید انجام داد. اگر ماژکو روبیو معتقد است در طول تاریخ، این ایرانیان بودند که همواره آتش افروزی کردند، پس رفتار اسکندر را چه باید نامید؟ در تمام جنگ‌های تاریخ، تسخیر شهرها، ویرانی و کشتار رخ می‌دهد؛ مگر چنگیزخان و حمله مغولان کم کشتار داشت؟ در آن حمله تقریباً ۷۰۰ هزار نفر کشته شدند، البته شاید در این آمار اغراق هم باشد اما افراد بسیار زیادی کشته شدند. با در اواخر زندگی و اوایل قاجار، در کرمان چند نفر را کشتند و چشم‌هایشان را درآوردند؟ آنها فجایع امروز غزه، بمباران بیمارستان‌ها و کشتار زنان و کودکان بی‌دفاع را نادیده می‌گیرند و در مقابل به ایران انگ آتش افروزی می‌زنند. بنابراین روبیو نمی‌تواند ایرانیان را جنگ‌افروز معرفی کند. باید رویدادها را در بافت تاریخی خود واکاوی کرد. به آتش کشیدن آتن پاسخی مستقیم به اقدام یونانی‌ها در سوزاندن شهر سارد بود و آنها تاوان کشتن نخستین خود را پرداختند؛ بنابراین نمی‌توان ادعا کرد که ایرانیان در طول تاریخ منشأ جنگ افروزی بوده‌اند. در تاریخ معاصر نیز آدولف هیتلر با برافروختن آتش جنگ جهانی دوم جان میلیون‌ها انسان را گرفت. جنگ‌های ویرانگر در خاک بریتانیا و نبردهای دریایی میان فرانسویان و ژرمن‌ها نیز گواه روشنی بر ماهیت خشونت‌بار منازعات اروپاست. اگر غربی‌ها سنگ رویدادهای ۲۵۰۰ سال پیش را به سینه می‌زنند، چرا کارنامه امروز خود را در بمباران مراکز دفاعی و سایت‌های راداری، مراکز

نظامی و تأسیساتی، بیمارستان‌ها و مناطق مسکونی ما را نادیده می‌گیرند؟ آنها در جریان تهاجم‌های اخیر روزانه ده‌ها بمب بر سر مردم فروریختند. بمباران مدرسه میناب و قاجعه استادیوم ورزشی لامرد می‌انگازند و برای متهم کردن ایران به خاکستری‌های رخدادی در ۲۵ قرن پیش متوسل می‌شوند. هدف اصلی روبیو ایران هراسی و ایران‌ستیزی بود و می‌خواست اثبات کند که ایران در طول تاریخ همواره آتش افروز بوده است، آنها با این کار می‌خواهند بر آتش افروزی‌های خود سروش بگذارند و ایران را مقصر جلوه دهند در حالی که چنین نیست. به باور من روبیو اصلاً شناختی از خشایارشا نداشته؛ متنی را برایش نوشته بودند و چون در آکروپلیس سخنرانی می‌کرد، در فضای جوگیرانه تلاش کرد این موضوع را پررنگ کند؛ ما نیز در فضای مجازی نباید تا این حد به این اظهارات بها بدهیم. این خط تخریب تاریخی پیش‌تر در فیلم هالیوودی ۳۰۰ هم تکرار شد که روایتی بسیار ضعیف و ضدتاریخی بود و ما همان زمان با استناد به کتیبه‌ها و اسناد تاریخی در مستندی به نام «هویت» نقدهای جدی به آن وارد کردیم. در طول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، ایران شروع کننده هیچ جنگی نبوده، بلکه آنها آتش جنگ را برافروختند. آنها به ما حمله کردند و حالا می‌خواهند ما را مقصر جلوه دهند. هدف اصلی ماژکو روبیو این بوده که ایران را در طول تاریخ مقصر جلوه دهد، اما در انتقال این هدف موفق نبود.

*** آگهی مزایده فروش ملک ۱۰۳۸ ***

سازمان اموال و املاک در نظر دارد دوقطعه زمین بصورت یکجا واقع در تهران، سعادت آباد، بلوار شهرداری، بالاتر از بزرگراه یادگار امام (ره)، میدان بوعلی، بلوار شهید ذبیحی، بلوار شهید حق شناس، برج‌نوبی پیچ اصلی بلوار شهید حق شناس بشرح ذیل را با وضعیت موجود از طریق **مزایده کتبی و بصورت اقساطی با تسهیلات ویژه** به فروش برساند. متقاضیان محترم می‌توانند از روز **شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۱** الی **روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۱** همه روزه بجز ایام تعطیل از ساعت ۹ الی ۱۶ و **روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲** از ساعت ۹ الی ۱۱ صبح (صرفاً در محل بازگشایی پاکت‌ها) جهت کسب اطلاع از شرایط و دریافت فرم ثبت نام و شرکت در مزایده به محل های ذیل مراجعه نمایند:

نشانی دفاتر فروش:

۱- تهران، خیابان شهید سیدحسن نصراله (وزراء)، کوچه ۲۱، پلاک ۱۵، طبقه همکف

تلفن: ۸۴۳۳۱۲۰۸ (۰۲۱)

۲- بزرگراه اشرفی اصفهانی، نرسیده به بلوار مرزداران، خیابان وحدتی، پلاک ۴۳، طبقه دوم

تلفن: ۷۶۳۳ و ۷۶۱۱ (داخلی) ۴۴۲۷۱۰۱۲ (۰۲۱)

نشانی محل دریافت و بازگشایی پاکت های پیشنهادی مزایده:

تهران، خیابان شهید سیدحسن نصراله (وزراء)، کوچه ۲۱، پلاک ۱۵، طبقه همکف

مشخصات ملک:

شش‌دانگ ۲ قطعه زمین محصور مجاور هم به مساحت ۲۱۹۸۰ مترمربع با اسناد مالکیت مجزا و دارای اصلاحی با وضع موجود که رعایت اصلاحی، تعریض و حرایم مربوط به گذرها، خطوط برق، گاز، آب و ... همچنین توافق با شهرداری مربوطه و سایر نهاده‌ها و سازمانهای ذی ربط و پرداخت حقوق شهرداری و سایر ادارات و کلیه هزینه های متعلقه به مهیده خریدار بوده و انتقال وکالتی می باشد.

- مبلغ پایه مزایده:** ۲۴/۳۲۵/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- شرایط پرداخت:** ۲۰٪ نقد هنگام تنظیم مبیعیه نامه و الباقی در اقساط ۲۴ ماهه (۶ فقره چک چهار ماهه) .

بازدید از املاک و تکمیل فرم الحاقیه الزامی می باشد.

شرایط مزایده:

- اخذ درخواست های پیشنهادی (فرم شرکت در مزایده تکمیل شده) به همراه اصل یک فقره **چک یا ضمانت بانکی طبق مشخصات اعلامی در دفتر فروش** به میزان ۳٪ قیمت پایه از **روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۱** الی **روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۱** در ساعات و محل تعیین شده صورت می پذیرد.
- **بیمه فرم شرکت در مزایده فقط در دفاتر فروش و اخذ پاکت های پیشنهادی** صرفاً در محل بازگشایی پاکت ها امکان پذیر است.
- مهلت شرکت در مزایده صرفاً تا ساعت ۱۱ صبح **روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲** در محل بازگشایی پاکت ها می باشد.
- رعایت مفاد فرم شرکت در مزایده الزامی است.
- پیشنهادهای فاقد سپرده ، مخدوش ، مبهم و مشروط از درجه اعتبار ساقط می باشد.
- اخذ فرم الحاقیه پیرامون اطلاعات تکمیلی املاک و امضاء و تحویل آن به همراه فرم تقاضای شرکت در مزایده الزامی است.
- ضمناً هرگونه ادعایی مبنی بر عدم اطلاع، قرائت، امضاء و ارائه فرم الحاقیه از سوی متقاضیان قابل پذیرش نمی باشد.
- هنگام تنظیم قولنامه، ارایه برگه ثبت نام در **سیستم ثنا قوه قضاییه**، توسط خریدار الزامی بوده و علاوه بر نشانی اقامتگاه قراردادی مندرج در قولنامه، ابلاغ از طریق سیستم ثنا نیز معتبر و ملاک عمل خواهد بود.

مهلت شرکت در مزایده از روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۱ تا ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ می باشد .


IRAN DAILY
 **1877**
www.newspaper.iran-daily.com


گفت و گو با سرپرست مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی بهزیستی:

۳۰ هزار دانش آموز وارد مسیر استعدادیابی و مهارت آموزی شدند

گزارش

گروه اجتماعی

برای بسیاری از دانش آموزان، مدرسه فقط جایی برای درس خواندن نیست، جایی است برای کشف اینکه در آینده قرار است چه کاری انجام بدهند و چه نقشی در جامعه داشته باشند. اما برای کودکانی که در خانواده‌های تحت پوشش بهزیستی زندگی می کنند یا خودشان با معلولیت مواجه هستند عبور از دوران مدرسه و رسیدن به استقلال می تواند مسیر دشواری داشته باشد. همین موضوع باعث شده سیاست حمایت از دانش آموزان تحت پوشش بهزیستی، آرام آرام از پرداخت کمک هزینه های تحصیلی فراتر برود و به سمت شناسایی استعداد، آموزش مهارت و آماده سازی آنها برای زندگی مستقل حرکت کند. حالا حدود ۲۱۵ هزار دانش آموز تحت پوشش سازمان بهزیستی قرار دارند؛ دانش آموزانی که ۵۴ درصد آنها پسر و ۴۶ درصد دختر هستند.

بر اساس اعلام مسئولان بهزیستی، حدود ۴۸ درصد این دانش آموزان نیز در حوزه توانبخشی دارای نوعی معلولیت هستند.

آرزو ذکایی فر، سرپرست مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور، با اشاره به این آمار تأکید می کند که حمایت از این دانش آموزان قرار نیست فقط به پرداخت کمک هزینه ختم شود. کمک هزینه تحصیلی می تواند بخشی از هزینه های یک خانواده را پوشش دهد، اما نمی تواند به

تنهایی آینده یک نوجوان را بسازد. نگاه جدید بهزیستی بر همین نقطه متمرکز شده است، اینکه دانش آموز، پیش از رسیدن به سن ورود به بازار کار، فرصت شناخت توانایی هایش و یادگیری مهارت های مورد نیاز را داشته باشد. ذکایی فر به «ایران» می گوید: «هدف گذاری ما برای دانش آموزان فقط تأمین کمک هزینه نیست، بلکه بحث توانمندسازی، حمایت تحصیلی، استعدادیابی و مهارت آموزی است.» بر اساس این سیاست، سازمان بهزیستی از سال گذشته و امسال ۹ بسته خدمتی برای دانش آموزان طراحی کرده که یکی از مهم ترین آنها بسته استعدادیابی و مهارت آموزی است. به گفته ذکایی فر، این برنامه دانش آموزان



۱۳ تا ۱۸ سال را هدف قرار داده است؛ سال هایی که نوجوان باید کم کم استعدادها و علایق خود را بشناسد و برای انتخاب مسیر تحصیلی و شغلی آماده شود.

۳۰ هزار پروفایل برای استعدادها

سرپرست مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور، با بیان اینکه سال گذشته ۲۰ هزار دانش آموز تحت پوشش این برنامه قرار گرفتند، می گوید: «ابتدا غربالگری و استعدادیابی انجام شد و سپس بر اساس پنج مهارت اولویت دار در حوزه های علمی، فرهنگی و ورزشی، برای هر دانش آموز پروفایل توانمندی ایجاد شد.» او معتقد است

این طرح البته فقط به آموزش یک مهارت فنی محدود نمی شود. دانش آموزان در کنار مهارت های فنی و حرفه ای، مهارت های نرم را نیز آموزش می بینند، مهارت هایی که برای ارتباط با دیگران، حضور اجتماعی، تصمیم گیری و ورود به محیط کار ضروری است. ذکایی فر می گوید: «خروجی برنامه استعدادیابی، ارائه ۸ بسته خدمتی دیگر از خانه های خلاق و باشگاه های توانمندسازی گرفته تا اردو های علمی و آموزشی است. در واقع قرار است استعداد شناسایی شده، در همان مرحله شناسایی باقی نماند و دانش آموز بتواند برای پرورش آن مسیر مشخصی را طی کند.»

هوش مصنوعی، یک مسیر تازه

یکی از بخش های متفاوت این برنامه، توجه به مهارت های دیجیتال و هوش مصنوعی است. ذکایی فر توضیح می دهد در قالب برنامه «نوگامان حرفه آموز»، آموزش مهارت های کامپیوتری در کنار مهارت های نرم دنبال می شود. او می گوید: «از میان دانش آموزانی که در بسته استعدادیابی علوم کامپیوتر شناسایی شدند نیز ۲۰۰ نفر برای دریافت آموزش های تخصصی انتخاب شده اند. قرار است این آموزش ها با همکاری معاونت علمی ریاست جمهوری انجام شود. هدف فقط آموزش این ۲۰۰ نفر نیست.

برنامه ریزی بهزیستی این است که آنها در ادامه به عنوان مربیان هوش مصنوعی در استان ها فعالیت کرده و آموخته های خود را به سایر دانش آموزان و گروه های جامعه هدف منتقل کنند. اگر این برنامه به نتیجه برسد، نوجوانی که روزی خود دریافت کننده خدمات حمایتی بوده، می تواند در آینده در جایگاه آموزش دهنده همان مهارت قرار بگیرد، تغییری که معنای توانمندسازی را ملموس تر می کند.»

صدای دانش آموزان

شنیده می شود

توانمندسازی فقط یاد گرفتن یک حرفه نیست. نوجوانی که قرار است در آینده زندگی مستقلی داشته باشد، باید مشارکت اجتماعی و مسئولیت پذیری را نیز تجربه کند.

به گفته ذکایی فر بر همین اساس تشکیل پارلمان های دانش آموزی در دستور کار سازمان بهزیستی قرار گرفته است. هدف این پارلمان ها، تقویت مشارکت اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی و فراهم کردن زمینه نقش آفرینی دانش آموزان عنوان شده است. او می گوید: «در حال حاضر ۴۷۶ پارلمان شهرستانی و ۳۱ پارلمان استانی شکل گرفته است.» به گفته ذکایی فر، قرار است پارلمان ملی دانش آموزان نیز بزودی تشکیل شود.

آینده ای فراتر از حمایت

۲۱۵ هزار دانش آموز تحت پوشش بهزیستی، فقط یک عدد در آمارهای حمایتی نیستند، ذکایی فر می گوید: «هرکدام از آنها نوجوانی با استعداد، علاقه و مسیری متفاوت برای آینده است. شاید تفاوت اصلی رویکرد جدید بهزیستی نیز همین باشد. اینکه حمایت از یک دانش آموز فقط با پرداخت هزینه های تحصیل تمام نشود و از همان سال های نوجوانی، مسیر استقلال را نیز دیده شود. استعدادیابی، مهارت آموزی، آموزش فناوری، فعالیت های اجتماعی و ایجاد فرصت برای نقش آفرینی، از جمله حلقه هایی هستند که اگر در کنار حمایت مالی قرار بگیرند، می توانند معنای حمایت اجتماعی را از کمک به گذران امروز، به سرمایه گذاری برای ساختن فردای یک نوجوان تغییر بدهند.»



برش

هشدار متخصصان دانش اعتیاد درباره تغییر الگوی مصرف مواد

از چندمصرفی تا مواد ناشناخته اعتیاد دیگر یک ماده نیست

گزارش

سمیه افشین فر

گروه اجتماعی

اعتیاد دیگر با یک ماده شروع و با همان یک ماده ادامه پیدا نمی کند. تریاک و دیگر مواد افیونی همچنان در الگوی مصرف مواد در ایران قرار دارند، اما در کنار آنها الکل، مت‌آفمتامین، کانابیس و داروهای دارای قابلیت سوءمصرف نیز وارد الگوهای مصرف شده‌اند. ترکیب‌هایی که تشخیص، درمان و پیشگیری از آسیب‌های ناشی از مصرف را پیچیده‌تر و نظام پیشگیری و درمان را با این میان، متخصصان تأکید دارند که تغییر در الگوی مصرف را باید با داده‌های دقیق و قابل مقایسه‌سنجید و نمی‌توان براساس افزایش کشفیات یا مراجعه به مراکز درمانی درباره شیوع مصرف در کل کشور قضاوت کرد. به عبارتی تغییری که چهره اعتیاد را پیچیده‌تر کرده نظام پیشگیری و درمان را هم با پرسش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. حالا دیگر مسأله فقط این نیست که چه مصادرهایی مصرف می‌شود، اینکه چه موادی با یکدیگر ترکیب و با چه الگویی مصرف می‌شوند و ماده مورد استفاده چه میزان خلوص و ترکیبی دارد نیز اهمیت پیدا کرده است. دکتر امید مساح، پزشک و دکترای تخصصی مطالعات اعتیاد و دبیر کمیته مطالعات نوزدهمین کنگره دانش اعتیاد، با بیان این مطلب به «ایران» می‌گوید: «از افزایش مراجعه به مراکز درمانی یا افزایش کشفیات نمی‌توان به تنهایی نتیجه گرفت که شیوع مصرف در کل کشور نیز به همان نسبت افزایش یافته است.»

یکی از نگرانی‌های جدی متخصصان، مصرف همزمان چند ماده است. دکتر رضا دانشمند، روان‌پزشک و دبیر اجرایی نوزدهمین کنگره دانش اعتیاد، درباره پیامدهای این الگو به «ایران» می‌گوید: «ترکیب مواد افیونی با داروهای آرام‌بخش مانند بنزودیازپین‌ها یا الکل، از نظر خطر پیش‌مصرف و اختلال تنفسی اهمیت ویژه‌ای دارد.» به گفته او، افزودن یک ماده محرک به مواد افیونی نیز خطر را از

بین نمی‌برد. چنین ترکیبی می‌تواند مسمومیت،



برش

نوزدهمین کنگره دانش اعتیاد با محوریت جنگ، بی‌ثباتی و اعتیاد، ضرورت پاسخ علمی و اجتماعی، با هدف ارتقای دانش تخصصی، تبادل تجربیات علمی و ارائه تازه‌ترین یافته‌های پژوهشی در حوزه پیشگیری، درمان و سیاست‌گذاری اعتیاد ۲۹ مهر تا اول آبان ماه امسال در مرکز همایش‌های رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار می‌شود. این رویداد علمی از مهم‌ترین گردهمایی‌های تخصصی کشور در زمینه اعتیاد به شمار می‌رود. دکتر رضا دانشمند، دبیر اجرایی کنگره، با اشاره به محورهای این دوره می‌گوید: «همه‌گیرشناسی، ابعاد زیستی و روانی ـ اجتماعی اعتیاد، پیشگیری، درمان، کاهش آسیب، سیاست‌گذاری، همبودی‌ها و گروه‌های خاص از جمله موضوعات مورد توجه کنگره هستند.» به گفته او، در این دوره موضوعاتی مانند پیوند جنگ و اعتیاد نیز مورد توجه قرار گرفته است.



فروش و تبلیغ غیرقانونی و تولید محتوای دقیق و واورپذیر می‌تواند در کنار یکدیگر قرار گیرد. به گفته دانشمند، ترساندن اغراق‌آمیز نیز ممکن است اعتماد مخاطب را کاهش دهد. در افکار عمومی، گاهی از عبارت «مواد صنعتی» به عنوان مترادف مواد بسیار خطرناک استفاده می‌شود، اما متخصصان تأکید دارند که ارزیابی خطر باید براساس اثر واقعی ماده و الگوی مصرف آن انجام شود. مساح در این زمینه به خطر مصرف مواد افیونی همراه آرام‌بخش‌ها و الکل، پیامدهای مت‌آفمتامین و همچنین نگرانی درباره فراورده‌های کانابیس با قدرت بالا اشاره می‌کند. در سطح جهانی نیز مواد افیونی صنعتی بسیار قوی مانند فنتانیل و نیتازن‌ها از نگرانی‌های جدی محسوب می‌شوند، با این حال، او تأکید می‌کند که نمی‌توانیم بدون داده آزمایشگاهی ادعا کنیم این مواد در بازار ایران به همان میزان برخی کشورهای دیگر رواج پیدا کرده‌اند.

خانواده‌ها به چه تغییریاتی حساس باشند؟

تغییر پایدار و همزمان در خواب، خلق، عملکرد مدرسه، روابط اجتماعی، نحوه خرج کردن پول و افزایش پنهان‌کاری می‌تواند برای خانواده‌زنگ توجه باشد. البته هیچ‌یک از این نشانه‌ها به تنهایی به معنای مصرف

دارو هم می‌تواند محل سوءمصرف باشد

دارو بودن یک ماده به معنای بی‌خطر بودن مصرف خودسرانه آن نیست. دکتر دانشمند، با بیان این مطلب می‌گوید: «مصرف خودسرانه یا افزایش دوز برخی داروهای آرام‌بخش و خواب‌آور می‌تواند وابستگی و مشکلاتی مانند اختلال حافظه ایجاد کند. ترامادول نیز علاوه بر خطر وابستگی و پیش‌مصرف، می‌تواند با تشنج و تداخلات دارویی همراه شود. با این حال، هشدار درباره سوءمصرف دارو نباید به این معنا تعبیر شود که هر داروی روان‌پزشکی اعتیادآور است یا فرد باید درمان تجویز شده خود را بدون نظر پزشک قطع کند.»

درمانی که برای همه

یک نسخه ندارد

یکی از چالش‌های اصلی نظام



رئیس سازمان مدیریت بحران کشور اعلام کرد

خرید هواپیماهای اطفای حریق و تأمین ۲۰ فروند وسیله پرنده امدادی در دستور کار مدیریت بحران

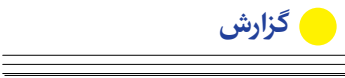
دشوار احتمالی، اقدامات پیشگیرانه را با جدیت دنبال کنند. رئیس سازمان مدیریت بحران کشور همچنین از تقویت همکاری میان دستگاه‌های اجرایی، نیروهای مسلح، هلال احمر، اورژانس و بخش خصوصی خبر داد و گفت: «همه‌انگهی های لازم برای استفاده از ظرفیت نیروی انسانی، تجهیزات سنگین و امکانات امدادی در شرایط اضطراری انجام شده است. برگزاری رزمایش‌های مشترک و تعیین استان‌های معین برای امدادرسانی در زلزله احتمالی تهران نیز از جمله اقدامات این سازمان است.»

رئیس سازمان مدیریت بحران کشور از برنامه‌ریزی برای خرید دو فروند هواپیماهای اطفای حریق و انعقاد قرارداد تأمین ۲۰ فروند وسیله پرنده برای امدادرسانی توسط جمعیت هلال احمر خبر داد و گفت: «تقویت تجهیزات، توسعه فناوری‌های نوین و افزایش آمادگی دستگاه‌های اجرایی برای مقابله با حوادث طبیعی و سایر بحران‌ها در دستور کار قرار دارد.»

حسین ساجدی‌نیا روز شنبه در نشست خبری با اشاره به برنامه‌های حفاظت از جنگل‌ها و مراتع کشور گفت: «دستورالعمل حفاظت از جنگل‌ها و میراث سبز کشور با همکاری سازمان منابع طبیعی و دستگاه‌های مسئول تدوین شده و تأمین تجهیزات مورد نیاز برای اجرای آن در حال پیگیری است. خرید دوربین‌هایی با برد تقریبی ۶۰ کیلومتر، استفاده از پهپادها و بهره‌گیری از ظرفیت نیروهای محلی از جمله اقدامات پیش‌بینی شده برای پایش مستمر مناطق جنگلی و شناسایی سریع کانون‌های آتش‌سوزی است.»

رئیس سازمان مدیریت بحران کشور با اشاره به جنگ تعمیلی اخیر گفت: «روند تعمیر بازسازی و جایگزینی هواپیماها و بالگردهای امدادی ادامه دارد و محدودیت‌های مالی و ناشی از تحریم‌ها از چالش‌های تأمین تجهیزات تخصصی به شمار می‌رود. ساجدی‌نیا با تأکید بر ضرورت آمادگی کامل دستگاه‌های اجرایی توضیح داد: «پیشگیری از حوادث، آمادگی در برابر بحران و بازسازی سریع پس از وقوع حادثه، سه محور اصلی مأموریت مدیریت بحران است.» به گفته او، ۲۷ استان در معرض خطر برای مقابله با شرایط نامساعد جوی و وضعیت آلودگی قرار دارند و لایروبی یک‌هزار و ۲۰۰ کیلومتر از مسیرل‌ها و کانال‌های شهری و روستایی نیز با هدف کاهش خطر سیلاب دنبال می‌شود.

ساجدی‌نیا همچنین با بیان اینکه غافلگیری در مواجهه با سیلاب پذیرفتنی نیست، از دستگاه‌های مسئول خواست با توجه به پیش‌بینی‌های هواشناسی و در نظر گرفتن شرایط



گزارش

گروه اجتماعی

مواد نیست و ممکن است ناشی از اضطراب، افسردگی، فشار تحصیلی یا مشکلات دیگر باشد. به گفته دکتر دانشمند، بهتر است خانواده به جای بازجویی و برخورد قهرآمیز، با اشاره به مشاهده‌های مشخص و بدون قضاوت با نوجوان گفت‌وگو کنند و در صورت ادامه نگرانی، از ارزیابی تخصصی کمک بگیرد.

اعتیاد، فقط مسأله فرد نیست

اگرچه درمان و تغییر رفتار فرد اهمیت دارد، اما متخصصان اعتیاد معتقدند عوامل اجتماعی و اقتصادی را نمی‌توان نادیده گرفت. فقر، بی‌ثباتی، محرومیت از آموزش، خشونت و دسترسی به مواد می‌توانند بر خطر مصرف و امکان دریافت درمان اثر بگذارند. مساح تأکید می‌کند که انتخاب میان مسئولیت فردی و عوامل اجتماعی تصوری کاملی از مسأله ارائه نمی‌دهد، او می‌گوید: «سیاست‌های مؤثر باید هم به فرد کمک کنند و هم محیطی ایجاد کنند که انتخاب سالم در آن امکان‌پذیرتر باشد.»

مسأله فقط کمبود آمار نیست

کیفیت داده‌ها مهم است

یکی از چالش‌های جدی در سیاست‌گذاری حوزه اعتیاد، دسترسی به داده‌های دقیق و قابل مقایسه است. کشفیات مواد بیشتر، وضعیت فعالیت بازار و عملکرد دستگاه‌های مبارزه‌ای را نشان می‌دهد و آمار مراجعه به مراکز درمان نیز تنها شامل افرادی است که برای دریافت خدمات مراجعه کرده‌اند.

مساح می‌گوید: «برای شناخت روند شیوع، سن شروع، مواد جدید و مرگ‌های مرتبط با مصرف، به پیمایش‌های منظم، ثبت استاندارد داده‌های مراکز درمان و اورژانس، داده‌های مرگ‌ومیر و سامانه هشدار سریع آزمایشگاهی نیاز است.»

درمان باید با زندگی فرد هماهنگ شود

درمان اختلال مصرف مواد نمی‌تواند برای همه افراد یکسان باشد. نوع ماده، سن، جنسیت، وضعیت روانی، بیماری‌های همراه و شرایط اجتماعی می‌تواند در انتخاب مسیر درمان مؤثر باشد، دکتر امید مساح تأکید می‌کند: «برای نوجوان، حفظ پیوند با خانواده و مدرسه اهمیت دارد، برای زنان ممکن است بارداری، مسئولیت مراقبت از کودک و مراجعه تعیین‌کننده باشد و در فردی دیگر، افسردگی، روان‌پریشی، بیماری جسمی یا مصرف همزمان چند ماده مسیر درمان را تغییر دهد. برنامه درمانی باید با مشارکت خود بیمار و با اهداف قابل سنجش طراحی شود و امکان بازنگری داشته باشد.» سال‌هاست بخشی از برنامه‌های پیشگیری بر نمایش پیامدهای هولناک مصرف مواد و ایجاد ترس متمرکز بوده است، اما متخصصان اعتیاد تأکید دارند که آموزش ترساننده نمی‌تواند پاسخ کاملی به مسأله باشد. به گفته مساح، نوجوان باید مهارت تصمیم‌گیری و مواجهه با فشار همسالان را در محیط امن تمرین کند و خانواده نیز متاناسب گفت‌وگوی واقعی با او را داشته باشد. او می‌گوید: «پیشگیری مؤثر باید متناسب با سن و شرایط اجتماعی طراحی شود و نتیجه آن نیز مورد ارزیابی قرار گیرد، زیرا آگاهی به تنهایی به تغییر رفتار منجر نمی‌شود.»



برش



روایت متفاوت امیرحسین جعفری، رتبه سوم کنکور ریاضی از مسیر موفقیت و زندگی دور از هیاهو

از بوی چوب تا رویای شریف

گزارش ●

ملیحه محمود خواه
گروه گزارش

خبر که رسید، امیرحسین خواب خواب بود.
نه خبری از جشن و پایکوبی پرسروصدا بود
نه جیغ و داد هیجان زده کنکوری هایی که
آرزوی دیدن این رتبه را دارند. فقط یک پاسخ
کوتاه، در کمال آرامش: «دوستانم زنگ زدند
و گفتند: من هم خیلی ذوق نکردم، گفتم
خب، که چی؟»

این همان «امیرحسین جعفری» است.
رتبه ۳ کنکور ریاضی. اگر هنوز توی ذهنتان
رتبه‌های برتر را با نسخه تکراری «پدر و مادر»
پزشک و مهندس»، «کلاس‌های کنکور»
«نجومی» و «مشاورهای پرزرق و برق پایتخت»
تصور می‌کنید، امیرحسین آمده تا این قاب
ذهنی را بشکند. او دقیقاً ضدقهرمان
کلیشه‌های کنکور است.

در خانه‌ای که پدرش نجار است و دست‌هایش بوی چوب می‌دهد، خبری از آن سبک زندگی پادشاه و کامیابی که غلی‌ها فاخر می‌کنند شرط اول موفقیت است، نبوده، او نه از یک مهندس بازار و نه از دانش‌پس‌مالی در پیرامون داشتن پادشاهی‌ها می‌داند و پدرش هم تحصیلاتی به‌دین یا گذاشتن در کلاس‌های آموزشی لاچری و بدون اینکه اسیر بازی‌های روانی سواست آموزشی شود، خودش را ساخت.

شاید که تک‌فرزند است، در خانه‌ای بزرگ که فضا را «باباد موقق شوی» در آن جاری می‌نشد. در «باباد موقق شوی» هوشمندان با بی‌ادبیت و از او یاد گرفت که از مغز او معلومی در کار مستمر و بی‌ادعاست. امیر حسین هم از آن کودکی با اعداد رقیق بوده و حالا «همیندس کامپیوتر دانشگاه شریف» مقصدش از آن رفاقت بدین است.

امیرحسین از همان ابتدا حسابش را از

خیلی‌ها جدا می‌کند. وقتی از او درباره وضعیت خانواده و زمینه‌ای که در آن رشد کرده می‌پرسیم، بدون هیچ تعارف یا پنهان‌کاری می‌گوید:

«من تک‌فرزندم و از یک خانواده کاملاً معمولی. پدرم نجاره و مادرم کارمند.

مد پای کارنامه که وسط می آید، عدها خوشان سخن می گویند. اوسی گوید:
معهذل نهایم ۹۶ شد؛ زراحی و فریزیک
۲۰٫۱ کردیم. چون چند صد نفر اجتماع می
و عربی که شد که نمراد ۷۵ شد. ۱۹.
و به درصدهای کنشروش هم اشاره می کنند
درصدهای ۳۶ و ۲۴ درصد، فیزیک ۲۴
درصد و شیمی ۹۱ درصد»
جواب اینجاست که حتی وقتی رتبه ۳ کشوری
دادند، اما گفتند زنده نیست. او مدعی است
رتبه ۳ برایش چنین پابین تراز انتظارش
بوده: «وقتی نمره‌های نهایی و درصدهای ۲ و ۳
کنشور را حساب می کردم، فکر می کردم ۲
باشد (البظوری چسب کر مردم).

همین اعتماد به نفس برآمده از تسلط باعث شد که وقتی سنجش نتایج را اعلام کرد، گوشی‌اش حتی خاموش باشد: «فکر کنم خطای که سازمان سنجش زنگ می‌زد، گوشی‌ام خاموش بود؛ اصلاً متوجه نشدم. بعد هم که دوستانم گفتند، خونه تنها بودم و خوابیده بودم. خودم جا نخرودم، ولی پدر و مادرم بعدش که با خبر شدند خیلی خوشحال شدند.»

سنگبرگرفتن
دُر روستای «سنگسی»
سال‌های گذشته، سال بمباران روان نوجوانان بود؛ ماه‌هایی که سایه تشنه‌ی آب نطفه‌ای، از حوادث پیاپی و اخیر جنگ و آشوب بر سر کشور سنگینی می‌کرد و تمرکز زحمتی از پانچهره‌ترین آدم‌های روستا، برای دانش آموزی که باید تمام توان ذهنی‌اش را روی انگشترال و کویزهای گوناگون بگذارد، این فضا ماندن است. دود، آلودگی و آلودگی برای در امان ماندن از این موج چه کرد؟ پاسخ او جالب و آموزنده است: بهر جهت به دل طبیعت.

ومی گوید: «من در شهر زندگی می‌کنم؛ ولی

امسال خیلی از بازه‌های زمانی را رفتیم روستا؛ روستایی به اسم سنگ‌سیاه. کلاً آن دوران که همه‌جا بحث جنگ و تلاطم بود، ما اونجا بودیم، توی سنگسے»

او در دل سکوت روستا، سنگری از جنس
استمرار بنا کرد: «الان حساب کنم من روزی
هشت ساعت درس می خوندم. حالا اون
روزهایی که بحث جنگ و اینها پیش اومد و
شرایط خیلی پر تلاطم شده بود، باعث شد
مثلاً یکی دو ساعت کمتر بخونم؛ ولی خب
همیشه سعی می کردم استمرار رو برقرار
نگه دارم»

نکته مهم کارنامه امیرحسین در این است که در روزگار که نسبتاً در کلاس‌های کنکور به یک یاد پرهیزنه تبدیل شده، او در هیچ یک از این کلاس‌ها شرکت نکرد. امیرحسین می‌گوید: «لاکنکور به طور مستقیم و حضوری نمی‌رفت؛ اگر چیزی هم بود، مثلاً آنالیز، یا کلاس متفرقه مثل زبان یا موسیقی و هنر هم هیچ وقت نرفتیم. نه‌الهی این چیزها نبودم، فقط ریاضی، فقط درس». مقصد این مسیر مشخص است: مهندسی کامپیوتر. دانشکده صنعتی شریف، انتخابی که از سال‌ها قبل در ذهن او نقش بسته بود: «از او ریاضی را دوست داشتم و برای همین انتخابش کردم. علاقمند فقط همین بود و الان هم انتخابم حد درصده مهندسی کامپیوتره؛ مهندسی کامپیوتر شریف دیگه به امید خدا».

جراحی بزرگ: پاک کردن کانال‌های خبری و فرار از دام مجازی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین راز موفقیت امیرحسین جعفری، هوش درسی‌اش نیست؛ بلکه توانایی بی‌رحمانه او در فیلتر کردن اطلاعات محیطی است. او برخلاف بسیاری از هم‌سن‌وسال‌هایش که به نوتیفیکیشن‌های لحظه‌ای و اخبار تلگرام معتاد شده‌اند، خیلی زود فهمید مغز انسان مخزن محدودی از انرژی دارد.

امیرحسین شیوه محافظت از ذهنش در روزهای پرآشوب را این طور روایت می کند: «طبیعتاً آدم درگیر می شد، نمی شد کلاً نادیده گرفت؛ ولی تا جایی که می توانستم

یعنی می‌گفتم اخبار دیدن رو کم کنم. کار می‌کردم که برای درد شدن از حواشی کرد اینم می‌گفتم که کلاً جلویگیر کردم از اینکه از حواشی نوشتاری یا خبر بشم! مثلاً من کانال‌های خبری را خاموش کرد. کلاً خبر دیدن رو کم کردم. اما بعد از مدت‌ها، ولی مثلاً از دی‌ماه به بعد من اصلاً کانال خبری روی گویشم نداشتم.»

ضعیفتر رابطه او با شبکه‌های اجتماعی است. سیدنی‌نیر می‌گوید: «با اینستاگرام؟ من همان‌کاره‌ای که کلاً از اینستاگرام بی‌میدانم. یعنی من همان‌سره‌ای‌ام که پنجشنبه‌ها استعدای کلاً حذف شد. بعد از دوام نداشتم. توی اینستاگرام هم خیلی کم نگاه می‌کنم؛ اگر نگاه کنم فقط دیدن که همسرایان یا دختران من هم به خاطر اینکه در حشام‌های هاشم‌ها هستند و فضای خودمو، همین!»

زندگی بدون نقاب؛ از رمان و انیمه تا پایبندی به خانواده

شاید تصور کنید امیرحسین ربواتی بوده که ۲۴ ساعت شبانه‌روز را فقط به فرمول‌ها و ریاضیات می‌گذرانید. اما خودش فوراً این تصور را رد می‌کند. او در ساعات فراغتش دنیایی رنگین و شخصی برای خودش داشت: «رمان می‌خوانم، فیلم می‌بینم و انیمه هم زیاد می‌بینم. انواع انیمه‌های کره‌ای و ژاپنی را دنبال می‌کنم.»

با این حال، او حتی این تفریحات را هم تبدیل به انزوای فردی نکرده بود: «البته همیشه هم این طور نبود که پای انیمه و کتاب باشم؛ وقت های خالی بیشتر سعی می کردم با خانواده وقت بگذروم و کنار پدر و مادرم باشم.»

رتباط او با سایر مدعیان کنکور و بچه‌های
تبه برتر هم تقریباً در حد صفر بوده
است. وقتی می‌پرسم آیا در این ایام با
سازمان تأطیبان کنکور در تماس بوده
یا شماره‌ای از آنها دارد، بدون معطلی
می‌گوید: «با کت‌رقمی‌ها؟ اصلاً شماره‌ای
نزنون ندارم و ارتباطی باهاشون نگرفتم.»
و دنیای خودش را داشت: جزیره‌ای آرام
و متشکل از خودش، کتاب‌هایش، خانواده،
و چوب‌های پدر و سکوت مزارع و بابل و
روستای سنگسی.

ریشه‌هایی که کنده نمی‌شوند؛
آرزوی فراق از رفتن

این روزها برخی از رتبه‌های برتر رشته ریاضی، از همان لحظه اعلام نتایج کنکور، چمدان هایشان را در ذهن می‌بندند و به پذیرش گرفتن و رفتن فکر می‌کنند. اما میرحسین جعفری هدف دیگری دارد:

«خیلی دوست دارم دیداری با رهبری داشته باشم. اگر این اتفاق بیفته خیلی خوشحال می‌شم.»

این کلمات تعارف یا بازی با کلمات نیست؛

از تازاب هویت نوجوانی است که پای در خاک زادگاهش دارد. او با وجود دستیابی به عالی‌ترین قله علمی دانش‌آموزی، هویتی برای خودش ساخته که در چارچوب‌های اعتقادی بومی‌اش ریشه دوانده است؛ پسری که در غیاهوی زمانه هویتش را گم نکرده و می‌داند که چرا آمده و دلش کجایم تپد.

نسخه رتبه ۳ کنکور برای روزهای
سخت: «دیوار بکشید»

و نصیحت‌های مرسوم مشاوران



نگیزیشی را تکرار نمی‌کند؛ همان نسخه برای دوری خودش را روی میز می‌گذارد
 برای بزرگ شدن او حواشی، فقط یک
 راه هست؛ جلوگیری کردن از افکار اصلی
 خردار باشد؛ فکر نکند دانستن هر
 لحظه از اخبار زندگی است؛ اخبار منفی
 فقط توان ذهن را خالی می‌کند. کانال‌ها
 را پاک کنید، از حاشیه‌ها فاصله بگیرید
 و فقط روی استمرار تمرکز کنید. روزی
 هشت ساعت مشخص، اما پیوسته.

همین.»

گفت‌وگو با آقای حبیب‌الله بنی‌سری



فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت آب و فاضلاب استان تهران در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای خرید، حمل، تحویل، نصب، راه اندازی تجهیزات ذخیره ساز SAN حوزه فرآیند اطلاعات و ارتباطات شرکت آب و فاضلاب استان تهران به شماره فراخوان ۱۴۰۵۰۷۰۰۰۰۰۱۱ از تاریخ ۲۰۵۰۵۰۷ تا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir

I انجام خواهد شد. مناقصه برای باید دارای ۱۰ گواهی نامه صلاحیت فعالیت رایجانی از سازمان پرداختند غیرعامل ۲. پروانه فعالیت خدمات افا را حوزه نصب و پشتیبانی محصولات فنا از سازمان فن آوری اطلاعات ایران ۳. گواهی عضویت در سازمان نظام صنفی رایانه ای ۴. گواهی نامه صلاحیت انفورماتیک حداقل پایه ۳ از رشته سخت افزار، رشته تولید و ارائه قطعات و ملزومات، گرایش ذخیره کننده ها از سازمان برنامه و بودجه کشور باشند.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی اعضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را بعمل آورند.

- **مواعد زمانی:**
- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه مورخ ۸/۷/۱۴۰۵
- پایان مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه: ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه مورخ ۲۵/۷/۱۴۰۵
- پایان مهلت ارسال پاکت های پیشنهاد به سامانه، ساعت ۱۰:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۵/۸/۱۴۰۵
- زمان بازگشایی پاکت مناقصه: ساعت ۱۱:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۵/۸/۱۴۰۵ در محل دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب استان تهران (به نشانی تهران، خیابان فاطمی، خیابان حجاب، شرکت آب و فاضلاب استان تهران، ضلع شرقی محوطه)
- محل اعتبار: اعتبارات جاری
- **تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار:** مبلغ ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پانزده میلیارد) ریال به یکی از انواع ضمانت نامه بانکی / ضمانت نامه صادره توسط مؤسسات تضمین، رسیدپرداخت به حساب جاری شماره ۹۴۶۲۹۴۲۹۴۱۳ نزد بانک سینا شعبه دکتر فاطمی و مطالبات قطعی تأیید و بلوکه شده مناقصه گر نزد شرکت آب و فاضلاب استان تهران به شرح مندرج در اوراق شرایط مناقصه
- به پیشنهادهای فاقد تضمین، تضمین های مخدوش، تضمین های کمتر از میزان مقرر و نظایر آن و همچنین به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهائی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- **اطلاعات تماس:** دستگاه مناقصه گزار:
- آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خیابان حجاب، شرکت آب و فاضلاب استان تهران - تلفن: ۸۸۹۹۴۲۹
- **اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:**
- مرکز تماس: ۳۱۰۴۵۶
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

آقای حامد هاشمی فرزند حمید
دارای کد ملی ۰۰۷۵۹۳۵۲۰۰

نظریه به عدم حضور جنابعالی در محل خدمت
 از تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰ تا کنون، شایسته است به
 استناد ماده (۲۳) قانون آیین دادرسی مدنی
 ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ نشر این آگهی در یکی از روزهای
 اداری، دفاعیه کتبی خود را به انضمام مدارک و مستندات به
 دفتر هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان وزارت ورزش و
 جوانان واقع در تهران خیابان ستؤل حد فاصل بزرگراه آیت الله
 هاشمی رفسنجانی (نیایش) و چمران- وزارت ورزش و جوانان
 طبقه دوم اتاق دبیرخانه محرمانه ارائه نماید. در غیر این صورت
 پس از انقضای مهلت مقرر هیأت به مورد اتهام غایب رسیدگی و
 رای مقتضی را صادر خواهد نمود.»

م الف ۲۲۵۶ شناسه ۲۲۹۴۸۷۳

پذیرش آگهی‌های
روزنامه ایران
۱۸۷۷

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

مشاور و مجری

کلیه خدمات چاپی

چاپ افست ۲ ورقی ۴ رنگ

پلیت ستر ۵/۴ ورقی / برش و تاکنی

روزنامه

۷-۵۰۸۴۷۱۱۵-۲

◀ آدرس دفتر:

تهران، خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان

خر مشهر، پلاک ۲۰۸

◀ آدرس چاپخانه:

چهار دانگه، انتهای خیابان سینجرگاز



وزارت نیرو و برق
جمهوری اسلامی ایران

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

مناقصه شماره ۳۰۰۵۰۹۱۹۷۱۰۰۰۰۳

نوبت اول

مناقصه گراز: شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران منطقه قم

موضوع مناقصه: تجود دریافت اسناد مناقصه: محل دریافت اسناد مناقصه: تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۹ بوده و آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه ساعت ۱۹ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۰ می باشد. تلفن تماس: ۰۲۵-۳۴۴۲۳۱۱۲ و ۰۲۵-۳۴۴۲۳۱۱۳ داخلی ۱۱۷۶ مبلغ پایه مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع گراز: مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع گراز: نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع گراز: تاریخ و مکان برگزاری جلسه توضیح و تشریح اسناد مناقصه: مهلت ارسال پیشنهاد: تاریخ و مکان گذاشتن پاکت‌های پیشنهاد قیمت: مدارک و مستندات مورد نیاز:	خبر بدو دستگاه سرور رایانه‌ای و تجهیزات جانبی کلیه مراحل برگزاری مناقصه، از دریافت اسناد مناقصه تا بازگذاری و ارائه پیشنهاد مالی مناقصه‌گران و گذاشتن پاکت‌های پیشنهاد قیمت، از طریق درگاه سامانه مدارک الکترونیکی دولت (سناد) به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد. ضروری است مناقضیان درصورت عدم عضویت قبلی، در سامانه مذکور ثبت نام نموده و نسبت به دریافت کواهی اعضای دیجیتال جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند. تلفن مرکز تماس: ۱۴۵۴ ۴۶۳,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ۲۳,۴۲۲,۵۰۰,۰۰۰ ریال الف) ضمانت‌های بانکی و ضمانت‌نامه‌های صادره از سوی مؤسسات اعتباری یا بانکی مورد تأیید بانک مرکزی (ب) واریز وجه نقد به حساب شماره ۳۱۷۲۵۸۸۰۰۳۰۳ نزد بانک ملی شعبه آزادی (ج. ق. م.) سایر تضمین‌های مندرج در آیین نامه تضمین معاملات دولتی ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ در سالن جلسات شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران منطقه قم به نشانی قم، خیابان امام خمینی^{۱)} آخرین مهلت بازگذاری و ارسال پیشنهاد قیمت و کواهی نامه‌های مربوطه، ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ می باشد. ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ در سالن جلسات شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه قم. ۱. ارائه تصاویر اساسنامه و آگهی ثبت شرکت به همراه آخرین تغییرات در روزنامه رسمی، ۴. ارائه کواهی صلاحیت تجزیه و امن تأمین تجهیزات از سازمان پداقدن غیرعامل یا ارائه مجوز ایفای فعال در گرایش نصب و پشتیبانی محصولات فتا و صلاحیت حراست صنعت نفت ۳. ارائه کواهی نامه رتبه ۵ شورای عالی انفورماتیک.
---	---

تذکر: پس از بررسی مستندات ارائه شده، پاکت‌های پیشنهاد قیمت مناقصه‌گرانی که واجد صلاحیت باشند، گشوده خواهد شد. پاکت‌های پیشنهاد قیمت یا هر تعداد پیشنهاد دریافتی گشوده خواهد شد.

متن آگهی در پایگاه اینترنتی www.shana.ir نیز قابل مشاهده می باشد.

روابط عمومی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه قم

شماره ۳۳۹۷۱۶۸



شرکت گهر حدید
Gohar Hadid Co.

آگهی مزایده عمومی

شماره ۰۲/۱۴۰۵

(نوبت اول)

شرکت همیار گهر حدید سیرجان

خود را شامل (اهن آلات)، روغن سوخته موتور، بشکه فلزی خالی، لاستیک مستعمل و فیلترهای ضایعاتی) را از طریق مزایده عمومی به شرح ذکر شده در اسناد به فروش رساند، لذا کلیه متقاضیان می توانند جهت اخذ اسناد مزایده به سایت WWW.GOHRHADID.CO بخش قراخوان - مزایده مراجعه فرمایند.

آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۸ در محل دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان می باشد. شرکت همیار گهر حدید سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می باشد. ضمناً لازم به ذکر است مزایده گران می بایست اسناد خود را در پاکات مخصوصی که از دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان دریافت می نمایند به صورت مهر و موم شده تحویل دهند.

هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن های ۰۳۴۴۱۵۲۴۰۰ داخلی ۸۰۳۹ تماس حاصل فرمایید.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان



گروه صنعتی گهر
SHARKH GEG
 GROUP OF INDUSTRIES & CONSTRUCTION

آگهی فراخوان

شناسایی تأمین کنندگان

به شماره: ۴/۰۴/۱۴۰۵/ف

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد به منظور "تأمین سنگ آهن مگنتیتی به میزان ماهیانه حداقل ۳۰,۰۰۰ تن" اقدام به شناسایی تأمین کنندگان (اشخاص حقیقی و حقوقی) واجد شرایط نماید. لذا متقاضیان می توانند جهت اخذ اسناد فراخوان (کسب اطلاع از مدارک مورد نیاز و سایر شرایط) به وبسایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را دانلود نمایند و پاکت خود را که حاوی مدارک خواسته شده جهت شناسایی تأمین کنندگان می باشد، حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۲ به نشانی ذکر شده در اسناد تحویل نمایند. شرکت در فراخوان حاضر و ارسال پاکت هیچ گونه حقی جهت ارجاع کار ایجاد نمی نماید.

